

ISSN 1606-9137

www.roshdmag.org

آموزش جغرافیا



آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی

۷۴

دوره‌ی بیست و ششم، شماره‌ی ۳، بهار ۱۳۸۵

بها: ۲۵۰۰ ریال

شرد
وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات علمی و فرهنگی

- ♦ مطالعه علت‌ها و عامل‌های مؤثر بر مهاجرت جوانان روستایی...
- ♦ نگاهی به مفاهیم راهبردی و جغرافیای راهبردی ایران
- ♦ ویژگی‌های هیدرولوژیکی حوضه‌ی آبخیز فیروزکوه
- ♦ نقش آب و هوا در شکل‌مسکن روستایی ایران و تهدیدات ناشی از موقعیت جغرافیایی آن





جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش پرورش
نیر، نهم، جاساس

جغرافیای استان خراسان شمالی





رشد

آموزش جغرافیا

آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی

سرمقاله / ۲

- مهاجرت جوانان روستایی ... / دکتر محمد طاهرخانی، محمد حسین زارعی ایبانه ۳
- نگاهی به شکل‌گیری و توسعه‌ی شهر هشتیر و پیامدهای مکانی-فضایی آن ... / شهرام امیرانتخابی هشتیری ۱۴
- بررسی علت‌های مهاجرت مردم از شهر دارابگرد به مکان فعلی شهر داراب ... / دکتر اصغر ضرابی ۲۲
- نگاهی به مفاهیم راهبردی و جغرافیای راهبردی ایران / حسن بیردشتی ۲۹
- ویژگی‌های هیدرولوژیکی حوضه‌ی آبخیز فیروزکوه / دکتر سیاوش شایان، هژیر آسا ۴۰
- نقش آب و هوا در شکل‌مسکن روستایی / اسداله خورانی ۴۸
- ایران و تهدیدات ناشی از موقعیت جغرافیایی آن / محرمعلی فیروزی ۵۴
- مطالعه‌ی تطبیقی دو گذرگاه ژئواستراتژیکی تنگه‌ی هرمز و کانال سوئز ... / اکرم عباسی ۵۶
- اخبار جغرافیایی / کورش امیری نیا ۶۲

مدیر مسؤول، علیرضا حاجیان زاده، سردبیر، دکتر سیاوش شایان، مدیر داخلی، دکتر مهدی چوبینه

هیأت تحریریه، دکتر حسین شکویی، دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، دکتر بهلول علیجانی

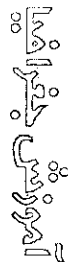
دکتر مصطفی مؤمنی، دکتر مهدی چوبینه، دکتر یارمحمد بای، کورش امیری نیا، منصور ملک عباسی

دکتر سیاوش شایان، دکتر شوکت مقیمی و ناامید فلاحیان، طراح گرافیک، امیرحسین محیبیان

چاپ، شرکت افست (سهامی عام)، شمارگان، ۱۲۰۰۰ نسخه

نشانی مجله، تهران صندوق پستی ۱۵۸۵-۱۵۸۷۵، تلفن دفتر مجله، ۸۸۸۲۱۱۶۱-۹، داخلی ۲۴۴، امور مشترکین، ۸۸۸۲۱۱۸۱

پست الکترونیک، E-mail: info@roshdmag.org، آدرس سایت مجلات رشد، www.roshdmag.org



- مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا حاصل تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت، بویژه آموزگاران، دبیران و مدرسان را، در صورتی که در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد، می‌پذیرد. ● مطالب باید یک خط در میان و در یک روی کاغذ نوشته و در صورت امکان تایپ شود. ● شکل قرار گرفتن جدولها، نمودارها و تصاویر ضمیمه باید در حاشیه‌ی مطلب نیز مشخص شود. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول گردد. ● برای ارتقای کیفی چاپ، لطفاً اصل نقشه‌ها و تصاویر ارسال شود و یا کپی‌های واضح همراه مقاله باشد. ● درج پست الکترونیکی مؤلف یا مترجم مقالات ذیل نام پدیدآورنده ضروری است.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز ضمیمه‌ی مقاله باشد. ● در منتهای ارسالی باید تا حد امکان از معادلهای فارسی واژه‌ها و اصطلاحات استفاده شود. ● زیرنویسها و منابع باید کامل و شامل نام اثر، نام نویسنده، نام مترجم، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره‌ی صفحه‌ی مورد استفاده باشد.
- مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله‌ها، ضرورتاً مبین نظر دفتر انتشارات کمک آموزشی نیست و مسؤولیت پاسخگویی به پرسش‌های خوانندگان، با خود نویسنده یا مترجم است. ● مجله از بازگرداندن مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.



نظر شما چیست؟

در مجله؛

- تحلیل برنامه‌های درسی آموزشی جغرافیا در دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی؛
- نقد و بررسی محتواهای آموزشی کتب درسی جغرافیا و ارائه‌ی پیشنهاد‌های اصلاحی؛
- ارائه‌ی شیوه‌ها و تجربیات جدید تدریس درس جغرافیا؛
- معرفی فناوری‌های نوین در آموزش جغرافیای متوسطه؛
- معرفی ابزارهای نوین آموزش جغرافیا که توسط دبیران محترم در تدریس به کار گرفته شده است؛
- شیوه‌های ارزشیابی از کتاب‌های درسی جغرافیای متوسطه با توجه به برنامه‌های درسی؛
- معرفی سایت‌های جدید و جالب توجه جغرافیایی که در آنها آموزش جغرافیای دوره‌ی متوسطه مورد تأکید است و یا موضوعات جغرافیایی را به شیوه‌های مؤثر و جدید آموزش می‌دهد؛
- گزارش فعالیت‌های فردی یا گروهی دبیران محترم جغرافیا در جهت دانش‌افزایی خود و یا انجام بازدیدهای علمی (میدانی) جغرافیا.

به نظر می‌رسد که شما دبیران محترم جغرافیا می‌توانید به فهرست فوق، موارد متعددی را نیز اضافه کنید؛ مثلاً اخبار فعالیت‌های گروه‌های جغرافیا در انتشار بولتن‌ها و خبرنامه‌ها یا مجلات علمی و یا اخبار انجمن‌های علمی دبیران جغرافیا.

پیشنهاد هیئت تحریریه‌ی مجله به شما برای ارتباط با فصل‌نامه این است که منتظر کارهای سازمان‌یافته و انجام آنها از مجاری اداری نشوید، بلکه به عنوان یک مخاطب فصل‌نامه‌ی رشد آموزش جغرافیا و یک دبیر جغرافیا خودتان به صورت مستقل با ما در ارتباط باشید. این ارتباط بر غنای هرچه بیشتر مجله خواهد افزود و دایره‌ی مخاطبان فصل‌نامه را وسیع‌تر خواهد کرد. آیا می‌خواهید شمارگان فصل‌نامه از حد کنونی بیشتر شود؟ آیا دوست دارید دیگران نیز از تجربیات و نظرهای شما مطلع شوند و پیشنهادهايتان را بخوانند؟ دست به قلم شوید. ما هم منتظریم.

سردبیر

ارتباط و تعامل با دبیران جغرافیا از جمله اهداف اصلی انتشار فصل‌نامه‌ی رشد آموزش جغرافیا بوده و هست. دلیل اساسی گنجاندن چنین هدفی در میان اهداف انتشار مجله، آن بوده که ماهیت فصل‌نامه ماهیتی آموزشی است و می‌دانیم که در جریان آموزش وجود ارتباط بین ابزار یا رسانه‌ی آموزش دهنده و آموزش گیرنده (دبیر، معلم، دانش‌آموز و...) از جمله ضروریات اولیه است. البته این ارتباط باید دوطرفه باشد. بازخوردی که از «آموزش‌گیرنده» در جریان آموزش به سوی «آموزش‌دهنده» بازمی‌گردد، جریانی تأثیرگذار در برنامه‌ی آموزش است و در بسیاری مواقع اصلاح‌کننده‌ی آن به شمار می‌آید. بنابراین گرفتن بازخورد و به عبارتی برقراری ارتباط متقابل بین این مجله و مخاطبان اصلی آن ضروری است و می‌تواند به بهبود محتوای فصل‌نامه‌ی رشد آموزش جغرافیا مدد برساند.

همکاران شما در این فصل‌نامه همواره بر ضرورت این ارتباط متقابل تأکید کرده و در خلال بحث‌های خود در هیئت تحریریه، نوشتن سرمقاله‌ها و یا مکاتباتی که از سوی مجله صورت گرفته، برای این ارتباط ارزشی والا قائل شده و حجم وسیعی از مقالات و مباحث مطرح شده را به آن اختصاص داده‌اند. کافی است در این مورد صورت جلسات هیئت تحریریه بررسی گردد تا میزان تأکیدهایی که اغلب اعضای هیئت تحریریه در این باره داشته‌اند آشکار گردد. همچنین توفیقی در مجلات منتشر شده رشدی آموزش جغرافیا و ملاحظه‌ی سخنان سردبیر که در قالب سرمقاله‌ها عرضه شده‌اند، نشانگر تأکیدهایی مکرر سردبیر به تداوم و یا شروع ارتباط با دبیران محترم جغرافیا در جهت بهبود مطالب مندرج در مجله و کاربردی کردن آن برای جریان تدریس جغرافیا در آموزشگاه‌هاست.

ارتباطی که دبیران محترم جغرافیا می‌توانند با مجله داشته باشند می‌تواند به یکی از این صورت‌ها باشد:

- نقد و بررسی مقالات چاپ‌شده در مجله از نظر ارتباط آنها با تحولات جدید علم جغرافیا و برنامه‌های درسی متوسطه و پیش‌دانشگاهی، و ارسال به مجله؛
- ارائه‌ی یافته‌های جدید علمی و پژوهشی دبیران جغرافیا جهت درج

مطالعه‌ی علت‌ها و عامل‌های مؤثر بر

مهاجرت جوانان روستایی

با تأکید بر مهاجرت جوانان روستای ابیانه

دکتر مهدی طاهرخانی
استاد یار گروه جغرافیا - دانشگاه تربیت مدرس
محمد حسین زارعی ابیانه
دبیر جغرافیا - تهران

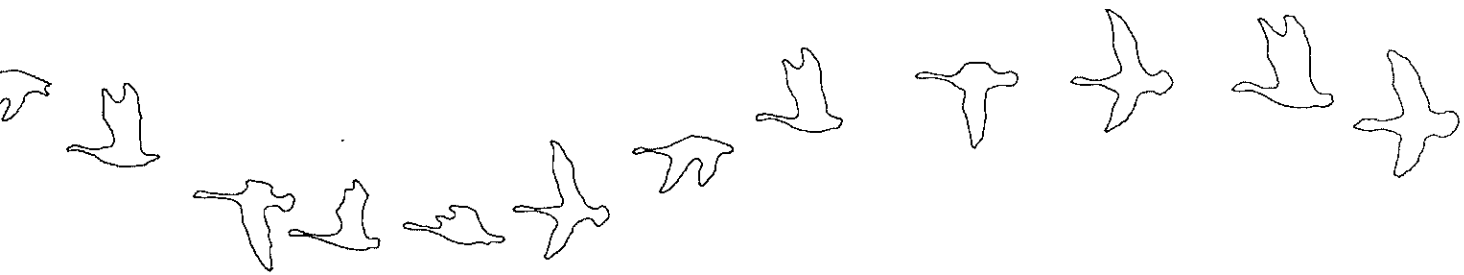


چکیده

امروزه، ادبیات مهاجرت از روستا به شهر، با تمرکز روی مشکلات بی‌شمار اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و اکولوژیکی متأثر از آن، بیش از دهه‌های گذشته مورد توجه قرار گرفته است. با وجود این، باید خاطر نشان شود که ادبیات مهاجرت از روستا به شهر، هنوز از واژه‌ی استاندارد شده‌ای برخوردار نیست.

تحقیقات انجام شده در خصوص مهاجرت روستاییان به شهرها، بیش‌تر بر آن است که تبیین کند، چرا روستاییان مهاجرت می‌کنند و عامل‌های مؤثر در تصمیم آنان برای مهاجرت چیست. اگرچه عامل‌های اقتصادی و غیراقتصادی، به‌طور هماهنگ در ایجاد انگیزه برای مهاجرت‌های روستاییان به شهر مؤثرند، اما بی‌تردید در فرایند تصمیم‌گیری برای مهاجرت، به‌طور نسبی، عامل‌های تأثیرگذار، از شخصی به شخص دیگر و از منطقه‌ای دیگر، کاملاً متفاوت است؛ زیرا مهاجران را طیف گسترده‌ای از افراد تشکیل می‌دهند. نتیجه‌های به دست آمده از این تحقیق، بیانگر این حقیقتند که مهاجرت جوانان، به‌عنوان پدیده‌ای جمعیتی، رفتاری تصادفی در روستای «ابیانه» نبوده است و عامل‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی، با همین اولویت، در آن مؤثر بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: مهاجرت، جوانان روستایی، توسعه‌ی روستایی، اشتغال



اشاره

آوردن فرصت‌های بهتر، به مناطق شهری مهاجرت کنند. گریزناپذیری مهاجرت، به ویژه در میان اقشار تحصیل کرده، به عنوان فرار مغزهای روستایی تعبیر شد. به همین خاطر مهاجرت برای کسب موفقیت، نتیجه‌ی منطقی این شعار است: «شما یک بازنده خواهید بود، اگر روستا را ترک نکنید.»^۲ بدین ترتیب به نظر می‌رسد، ارزش‌های سنتی اجتماعات کوچک روستایی با منطق سادگی و بی‌پیرایگی، در مقایسه با مناطق شهری، رنگ می‌بازد و مهاجرت به عنوان یکی از پیامدهای آن پدیدار می‌شود. عباراتی چون «نداشتن آینده» و «نبود فرصت‌ها» که در نظرات کوچندگان روستایی مشهود است، بر این واقعیت تأکید دارند که در جهت حل مشکل مهاجرت، باید با پارادایم جدیدی به مناطق روستایی نگرینست [ظاهرخانی، ۱۳۷۹: ۱-۲].

روستای باستانی «ایبانه» نیز هم اینک، به شدت در معرض مهاجرت‌های روستا/ شهری قرار گرفته و مهاجرت شدید جوانان به تهی شدن این روستا منجر شده است. بنابراین، تحقیق حاضر بر آن است، علت‌ها و عامل‌های مؤثر بر مهاجرت جوانان روستای ایبانه را که بیش‌تر آن‌ها اکنون در شهر تهران ساکن هستند، تعیین کند و این فرصت را مهیا سازد تا بار دیگر، حیات اجتماعی و اقتصادی آن روستا مورد توجه قرار گیرد و راهکارهای مناسبی برای تدوام آن ارائه شوند.

فرضیات تحقیق

در تحقیقات علمی، «فرض» عبارت است از بیانیه‌ای ظنی و حدسی یا پیشنهادی آزمایشی و احتمالی درباره‌ی چگونگی روابط بین یک یا چند متغیر. با عنایت به مفهوم بیان شده، چهار فرض کلی، به همراه فرض‌های تابع آن‌ها، در فرایند تحقیق مورد توجه بوده‌اند:

۱. به نظر می‌رسد که دلایل اقتصادی، در مهاجرت جوانان روستای ایبانه مؤثر بوده است. در تبیین این فرضیه، مؤلفه‌هایی چون: دستیابی به شغل، پایداری مشاغل، خطر بی‌کاری، دستمزد بالاتر، تنوع مشاغل، پس‌انداز بیش‌تر، تأمین نیازهای غذایی، امکان دسترسی به منابع غذایی متنوع، امکان تأمین نیازهای مصرفی خانواده، سهولت امکان تغییر شغل، مزایای بیش‌تر کارکنان و برخوردار بودن خانواده‌ها از مسکن سالم در برابر بلاهای طبیعی، مدنظر هستند.
۲. به نظر می‌رسد که انگیزه‌ی فرهنگی و اجتماعی نیز در

در سراسر جهان، به‌خصوص پس از جنگ جهانی دوم، مهاجرت به عنوان پدیده‌ای جمعیتی، از بسیاری جهات به موضوعی حائز اهمیت تبدیل شده است و نظریه‌پردازان علوم گوناگون، درباره‌ی علت و عامل‌های آن به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند. در این راستا، مهاجرت‌های روستا/ شهری، به دلیل پیامدهای اقتصادی - اجتماعی آن، بیش از سایر پدیده‌های جمعیتی مورد توجه قرار گرفت؛ به طوری که در طول چند دهه‌ی اخیر، موضوع بسیاری از تحقیقات جمعیت‌شناسان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و جغرافی‌دانان را، که گاهی به صورت توصیفی و جدا از هم طرح شده‌اند، تشکیل داده است. رشد رو به فزونی مطالعات مربوط به مهاجرت‌های روستا/ شهری در جهان، به‌خصوص در دهه‌ی ۶۰ میلادی پاسخی به رشد روزافزون جمعیت، به‌ویژه رشد شهرنشینی بود [Balan ۱۹۸۱: ۹].

بدین ترتیب به نظر می‌رسد، اساس خط‌مشی فکری مطالعات و تحقیقات انجام شده در طول چند دهه‌ی اخیر، در راستای شناسایی عامل‌های مؤثر در مهاجرت‌های روستایی، بر پایه‌ی شناخت عامل‌های اقتصادی و غیراقتصادی متمرکز است. اگرچه افرادی چون ویلیام. جی. میلن^۱، مهاجرت را همانند پیشینیان خود، کسانی چون تودارو-فی ورائیس و هاریس، به شرایط اقتصادی نسبت می‌دهند، بسیاری از متفکران علوم اجتماعی، با تأکید بر جنبه‌های غیراقتصادی، مهم‌ترین عامل‌های مؤثر در مهاجرت‌های روستا/ شهری را در حال حاضر، به عامل‌های غیراقتصادی مرتبط می‌دانند [Miline, ۱۹۹۹: ۳۶۶]. بی‌جهت نیست که آر. موریل^۲ در مطالعات مربوط به مهاجرت، دهه‌ی ۹۰ را کاملاً هیجان‌انگیز می‌داند [Morill, ۱۹۹۴: ۱۷۰۰].

طرح مسأله

در سراسر جهان، به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، مهاجرت‌های روستایی به عنوان پدیده‌ای جمعیتی در عرصه‌های بین‌المللی مطرح شد. اگرچه شیوع مهاجرت در آغاز امری طبیعی بود، اما این پدیده بعد از گذشت چند دهه، به دنبال آثار و پیامدهای نامطلوب آن در کشورهای در حال توسعه، دیگر پدیده‌ای عادی تلقی نمی‌شود. ضعف ساختاری مناطق روستایی سبب شد، روستاییان برای به دست

جدول ۱. ماتریس هزینه - فایده‌ی مهاجرت

منابع بالقوه	هزینه‌های بالقوه	تصمیم
<ul style="list-style-type: none"> - دریافت دستمزد بالاتر - انتخاب شغل بر حسب اولویت‌ها و خواست فرد - اصلاح و تعمیر مسکن (کسب مسکن مناسب‌تر) - فرصت‌های آموزشی بهتر برای فرزندان - دسترسی به مؤسسات ارائه‌دهنده‌ی خدمات اجتماعی - زندگی اجتماعی جالب‌تر و مهیج‌تر - برخورداری از شرایط اجتماعی <p style="text-align: center; border: 1px solid black; padding: 2px;">عوامل کشش برای مهاجرت</p>	<ul style="list-style-type: none"> - هزینه‌های حمل و نقل به سکونتگاه جدید - اطمینان نداشتن از یافتن شغل - نیاز به مسکن، هم‌زمان با جست‌وجو برای شغل - تأمین غذا، هم‌زمان با جست‌وجو برای شغل و مسکن - تأمین پوشاک - تطابق نداشتن با فرهنگ بیگانه و ایجاد سوء رفتار - زندگی در محیط بیگانه - نیاز به استفاده از زبان و اصلاح گفتار - نیاز به تغییر سنت (لباس و رفتار) <p style="text-align: center; border: 1px solid black; padding: 2px;">هزینه‌های مهاجرت</p>	مهاجرت کردن
<ul style="list-style-type: none"> - ارزیابی مسکن - ارزیابی غذا و انجام تفریحات - ارتباط روزانه با خواننده و فامیل - ارتباط روزانه با دوستان - زندگی در محیط‌های خانوادگی و کسب آرامش، و برخورداری از منزلت اجتماعی - علاقه‌مندی به حفظ فرهنگ (گفتار و لباس) - اطمینان شغلی <p style="text-align: center; border: 1px solid black; padding: 2px;">عوامل تعدیل‌کننده‌ی مهاجرت</p>	<ul style="list-style-type: none"> - دشواری یافتن شغل در ابعاد محلی - فقدان اشتغال مناسب در ابعاد محلی - سلطه و تفوق بنیان‌های خانوادگی - نارضایتی از مناسبات اجتماعی در ابعاد محلی - نارضایتی از مؤسسات ارائه‌دهنده‌ی خدمات در ابعاد محلی - نارضایتی از نژاد، قوم و شرایط سیاسی محلی <p style="text-align: center; border: 1px solid black; padding: 2px;">عوامل فشار برای مهاجرت</p>	مهاجرت نکردن

[طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۱۷]

۴. به نظر می‌رسد که نوع و شدت عامل‌های مؤثر بر مهاجرت (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی) جوانان روستای ایبانه، از تفاوت معناداری برخوردارند.

مبانی نظری علت‌ها و عامل‌های مؤثر بر مهاجرت‌های روستا/شهری

مهاجرت‌ها انواع گوناگونی دارند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مهاجرت از روستا به شهر است. در این تحقیق، عامل‌های متنوعی که بر روند مهاجرت تأثیر می‌کنند، زیر‌عنوان‌های آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی طبقه‌بندی شده‌اند که در ادامه، به شرح مختصر هر یک اشاره می‌شود:

الف) عامل‌های آموزشی

در قدیمی‌ترین آثار مرتبط با شناخت عامل‌های مؤثر در

مهاجرت جوانان روستای ایبانه مؤثر بوده‌اند. در تبیین این فرضیه، مؤلفه‌هایی چون: کسب تحصیلات بالاتر، بهداشت بهتر، انجام کارهای ذوقی و هنری، مشارکت در امور اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، شرکت در جشن‌ها و تماشای مسابقات ورزشی، امکان پرهیز از نزاع‌ها و چالش‌ها، آزادی در انجام فعالیت‌های داوطلبانه، و رفت‌وآمد با دوستان و خویشاوندان، در نظر گرفته شده‌اند.

۳. به نظر می‌رسد که بین مهاجرت جوانان روستای ایبانه و انگیزه‌های روان‌شناختی آنان نیز رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در تبیین این فرضیه، مؤلفه‌هایی چون صاحب امتیاز بودن افراد، آزادی در عمل، مطمئن بودن به اجرای نقشه‌های طرح شده، استفاده از توانایی‌های فردی، موقعیت‌های بهتر برای پیشرفت مادی، کسب شهرت، امیدواری به آینده، دسترسی به هیجان، تحقق امیال و آرزوها و امنیت و اعتماد به نفس، در نظر بوده‌اند.

جدول ۲. ارتباط موازی و هماهنگ بین دلیل‌ها و انگیزه‌های شخصی و خصوصیات ساختاری - اجتماعی در رابطه با ارزش‌های مورد انتظار از مهاجرت

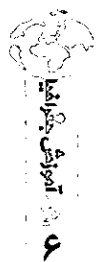
ارزش‌های مورد انتظار	شخصی		ویژگی‌های ساختاری / اجتماعی	
	جذب	عدم جذب	کشش	فقدان کشش (فشار)
ثروت	افزایش درآمد، ثروت و امنیت اقتصادی	گریز از فقر و دستیابی به امنیت اقتصادی	فرصت‌های اقتصادی بیشتر و دسترسی به مشاغل با درآمد بیشتر	فقدان کار، دستمزد کم و رکود اقتصادی منطقه‌ای
منزلت اجتماعی	بهبود منزلت اجتماعی و کسب احترام	رهایی از نداشتن منزلت اجتماعی و جست‌وجوی نقش‌های جدیدتر	تحرك اجتماعی به منظور کسب فرصت‌های بیشتر برای تغییرات	عدم وجود انعطاف، کسب منزلت اجتماعی از طریق انتصاب
آسایش	سهولت و آسایش در زندگی	دوری جستن از محیط‌های خشن با کار فیزیکی سخت و مداوم	برخورداری از تسهیلات شهری، شغل‌های اداری و خدماتی با ساعت‌های منظم کار و دستمزد کافی	وجود زمینه‌های مرتبط با فقر روستایی و کاربرد بودن فعالیت‌های کشاورزی
تحرك	گرایش به فعالیت‌ها و تفریحات محرک و جست‌وجو برای کسب اسباب و وسایل تفریح	اجتناب از کسالت و بی‌حوصلگی	تسهیلات عمومی، تنوع فعالیت‌ها و جاذبه‌های شهری	سادگی و نبود تنوع زندگی روستایی و فقدان جاذبه‌ها
آزادی عمل و استقلال	آزادی انتخاب و استقلال فردی	رهایی از قیدها و محدودیت‌های سنتی و آزادی از سلطه‌ی دیگران	ساخت اجتماعی غیرشخصی و گمنامی در شهر	کنترل‌های اجتماعی سخت، به همراه نظارت دائمی خانواده و اجتماع
وابستگی	ارتباط با دوستان و پیوندهای عمیق اجتماعی، به دلیل روحیه‌ی اجتماعی انسان	اجتناب از تنهایی و انزوای اجتماعی	دسترسی به افراد و گروه‌های اجتماعی	عدم دسترسی به افراد و گروه‌های اجتماعی
اخلاقیات	گرایش به سوی یک زندگی پرفیض، توأم با اخلاقیات و توانمندی برای اجرای اعمال مذهبی	پرهیز از زندگی پر معاصی	پائین بودن نرخ جنایت، بیماری، فحشا، و سطوح بالای رفتارهای مذهبی	نرخ بالای جنایت، بزهکاری، مواد مخدر، فحشا و دسترسی اندک به کلیسا و سازمان‌های اجتماعی مرتبط با مبانی اخلاقی

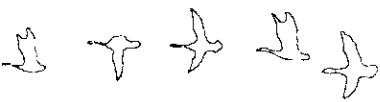
[طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۱۶]

به ویژه آن‌هایی که در دوره‌ی متوسطه یا بالاتر هستند، می‌توانند در بخش دولتی یا تجاری، شغل‌هایی به دست آورند. این شغل‌های خوب، در مراکز شهری مهم قرار دارند. از این‌رو، مهاجران به این شهرها گرایش می‌یابند. یافته‌های مشابهی در غنا، کنیا، ترکیه و تایلند، این نتیجه را تأیید می‌کنند که تحصیلات، به عنوان وسیله‌ای که آرزوهای دانش‌آموزان را تغییر

مهاجرت‌های روستا به شهر، آموزش همگانی، به عنوان مهم‌ترین دلیل مهاجرت جوانان مطرح است.

نظریه‌های متعددی سعی کرده‌اند، رابطه‌ی بین مهاجرت و تحصیلات را تبیین کنند. یکی از آن‌ها مهاجرت را وسیله‌ای می‌داند که فرد تحصیل‌کرده، بازده دانش و مهارت‌های خود را به بیش‌ترین حد می‌رساند. افرادی که تحصیلات رسمی دارند،





جدول ۳. مهم ترین عامل های مؤثر بر مهاجرت های روستا به شهر، در متن های توسعه

ردیف	نام محقق	عامل های شناسایی شده به عنوان دلیل های مهاجرت از روستا	سال
۱	گوستاو لوبون، لوسین رومیه	آموزش و ارتقای سطح تحصیلات	۱۹۰۵
۲	میلن، امیل مانسو، بریتون	آموزش و ارتقای سطح تحصیلات	۱۹۱۱
۳	هنری کلمان	آشنایی با شهر و دوری جستن از خدا	۱۹۹۳
۴	ساهوتا	اختلاف در میزان درآمد سرانه و تراکم جمعیت در مناطق روستایی	۱۹۶۹
۵	اسینگلتیز، هاریس، تودارو	احتمال درگیر شدن با بی کاری و کم اشتغالی در مناطق روستایی	۱۹۷۰
۶	زلینسکی	شدت و درجه ی نوسازی جامعه، با افزایش سطح توسعه یافتگی	۱۹۷۱
۷	آر. پل شاو	فشارهای بوم شناختی، و سیاست های مهاجرتی دولتی	۱۹۷۵
۸	شاکلا	تفاوت های درآمدی بین شهر و روستا	۱۹۷۶
۹	جان کوئل	ناکافی بودن درآمد، فاصله از کشاورزی، ناامیدی و نبود فرصت، سیستم اجتناب، دوران گذار، نظریه های چراغ های روشن و کسب زندگی کامل	۱۹۷۶
۱۰	داسگوپتا	حاکمیت فقر در روستا (مهاجرت از مغان فقر است.)	۱۹۸۱
۱۱	آلفرد وای. التس	کاهش تولید، بهره وری و صادرات روستایی، مالکیت اراضی و رکود اقتصادی	۱۹۸۱
۱۲	هولزر	برنامه ریزی های اقتصادی و اجتماعی که به وجود آورنده ی ساختاری متحول کننده اند	۱۹۸۱
۱۳	آریزپ	سطح بالای بی کاری، ارائه تصویر نادرست از مشاغل سنتی، مالیات ها و ادغام در بازارهای جهانی	۱۹۸۱
۱۴	گارسیا	پیشی گرفتن هزینه ها از درآمدها و ویژگی های قومی و قبیله ای	۱۹۸۱
۱۵	اریک. آر. ویس	تبیین مفهوم جذب و تقاضای نیروی کار، به دلیل صنعتی شدن شهرها	۱۹۸۱
۱۶	فاوست	فشارهای بوم شناختی، عامل های هنجاری، انگیزه های اقتصادی و روان شناختی	۱۹۸۲
۱۷	کلارک	عدم رضایت از محل سکونت و فقدان تطابق بین نیازها و امکانات روستایی	۱۹۸۵

می دهد، مورد توجه است [لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۴۲-۴۱].

ج) عامل های اجتماعی

عامل های اجتماعی به شکل های گوناگون آشکار می شوند. برای مثال، در بسیاری از کشورها از جمله هند، رسم های اجتماعی مانند نقل مکان عروس به محل اقامت داماد و حرکت زنان به محل اقامت شوهرانشان هنگام اولین زایمان، موجب افزایش معنی دار تعداد مهاجران شده اند. مسأله ی آزادی های مذهبی، از دیگر عامل های مهم اجتماعی مهاجرت در گذشته و حال شمرده می شود. تماس فرهنگی، فراهم بودن اطلاعات، مناقشات سیاسی و سیاست های حکومتی نیز از عامل های دیگر اجتماعی هستند که همگی بر روند مهاجرت تأثیر می گذارند. فاوست^۱ و همکارانش معتقدند، از دیدگاه نظری، چهار عامل در تصمیم گیری برای مهاجرت مؤثرند:

۱. فشارهای بوم شناختی
۲. عامل های هنجاری
۳. انگیزه های اقتصادی
۴. انگیزه های روان شناختی

ب) عامل های اقتصادی

نوشته های مربوط به پایان دهه ی پنجاه و آغاز دهه ی ۶۰ که در واقع، آثار لوئیس، تودارو، فی ورائیس، هاریس و اسینگلتیز را شامل می شوند، دلیل های اساسی مهاجرت های روستا به شهر را به ساختارهای اقتصادی مرتبط می سازند. نوشته های آن دوره که بیش ترین ارجاعات در مطالعات اخیر نیز بوده اند، با تأکید بر سیاست های تعادل منطقه ای، مهاجرت را ناشی از فقدان تعادل میان منطقه های متفاوت می دانند. در بررسی های موردی، در پاره ای از منطقه های روستایی مکزیک در ناحیه ی «توکسی»^۲ که توسط لوردس آریزپ^۳ انجام گرفته است، سطح بالای بی کاری، ارائه تصویر نادرست از شغل های سنتی، شرایط نامتوازن در نظام های مبادله به خصوص برای تولیدات کشاورزی، مالیات ها، و ادغام در بازارهای ملی، از مهم ترین دلیل های مهاجرت های روستا به شهر محسوب می شوند.





فاوست، آن‌گاه به ترسیم ماتریس هزینه - فایده‌ی مهاجرت می‌پردازد و مطابق جدول ۱، تصمیم به مهاجرت را تابعی از هزینه‌ها و منفعت‌های آن می‌داند. همچنین معتقد است که بین دلایل و انگیزه‌های شخصی و ویژگی‌های ساختاری در ابعاد اجتماعی و اقتصادی، با ارزش‌های مورد انتظار از مهاجرت رابطه وجود دارد. او ارزش‌های مورد انتظار از مهاجرت را در هفت مؤلفه‌ی ثروت، منزلت اجتماعی، آسایش، تحرک، آزادی عمل، استقلال، وابستگی و اخلاقیات، مطابق جدول ۲، خلاصه می‌کند و به تشریح هر یک، در ارتباط با انگیزه‌های شخصی و ویژگی‌های ساختاری و اجتماعی می‌پردازد [طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۱۳-۱۴].

موقعیت جغرافیایی ایبانه

ایبانه در استان اصفهان، در فاصله‌ی ۲۶ کیلومتری جاده‌ی کاشان به نظنز و در انتهای دره‌ی «هنجن»، در دامنه‌های کوه «کرکس» قرار دارد [خلیلی، ۱۳۸۱: ۱۶]. راه فرعی نزدیک پل هنجن به طرف غرب، از جاده جدا و وارد دره‌ی رودخانه «برزرود» می‌شود و پس از عبور از روستاهای قدیمی هنجن، یارند، کمجان، برز و تره، به ایبانه می‌رسد [کسرائیان و عرشی، ۱۳۸۰: ۶].

وجه تسمیه

در ریشه‌یابی نام روستا که در محاورات و مکاتبات فارسی به صورت ایبانه درآمده است، این نام گاهی در ذهن به صورت: «آب؟ یا نه»، به معنی «آب هست یا نه»، فهمیده می‌شود که البته درست نیست و برای ریشه‌یابی این نام باید به گویش خود مردم ده رجوع کرد. مردم ایبانه، نام ایبانه را «ویونه» (ویانه) و خود را «ویانه‌ای» (بیانه‌ای) یا «ویونج» می‌نامند و می‌گویند: وی = و. د = ب. د = بید، همان «بیدین» و واژه‌ی «ویانه» از «بیدانه» و «بیدستان» و «بیدزار» آمده است که در مکاتبات و گفتار فارسی، به صورت: بیانه و ایبانه درآمده، ولی در گویش خود مردم، مانند بسیاری دیگر از کلمات و واژه‌ها شکل اولیه‌ی خود را حفظ کرده است.

ثبت ایبانه به وسیله‌ی سازمان میراث فرهنگی

از سال ۱۳۵۲ شمسی به بعد، توجه مهندسان و کارشناسانی که به این روستا رفت و آمد داشتند، به بافت قدیمی آن جلب شد. اداره‌ی کل باستان‌شناسی آن روز در سطح کشور، دوروستا را بنا بر خصوصیاتی ویژه، جزو برنامه‌ی حفاظتی و مرمتی قرار داد که یکی از آن‌ها ایبانه و دیگری «ماسوله» در شمال بود. طبق آن برنامه، روستای ایبانه با شماره‌ی ۱۰۸۹-۵۴/۵/۳۰، به ثبت رسیده است. [خوانساری ایبانه، ۱۳۷۸: ۳۰].

تعداد نمونه‌ها و روش نمونه‌گیری

تعداد نمونه‌ها- از میان جوانان ۳۰-۱۵ ساله‌ی مهاجر به شهر

د) عامل‌های جمعیت‌شناختی

نقش عامل‌های جمعیت‌شناختی، در کنترل جریان‌های مهاجرت بسیار مهم است. ناهمگنی مناطق و نرخ افزایش طبیعی جمعیت، اساس همه‌ی جابه‌جایی‌های جمعیتی هستند. عامل‌های مؤثر جمعیت‌شناختی، رابطه‌ی بسیار نزدیکی با منابع منطقه و رشد جمعیت دارند. به بیان دیگر، فشار جمعیت آن‌طور که بر حسب ارتباط بین منابع انسانی و فیزیکی منطقه بیان می‌شود، عامل جمعیت‌شناختی مهمی برای همه‌ی انواع مهاجرت به حساب می‌آید و بنابراین، از دیدگاه ارتباط فیزیکی و انسانی میان مناطق، کلید درک روندهای مهاجرت شمرده می‌شود [ماهر، ۱۳۷۲: ۱۰۰-۹۹]. بدین ترتیب می‌توان، با توجه به تمامی عامل‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روان‌شناختی و با در نظر گرفتن مطالعات انجام شده در ادبیات توسعه، مهم‌ترین دلیل‌های مهاجرت‌های روستا/شهری را مطابق جدول ۳ خلاصه کرد.

بررسی علت‌های مهاجرت‌های روستا/شهری در ایران

مقوله‌ی مهاجرت‌های روستا/شهری در ایران، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی، همواره یکی از مهم‌ترین مسائلی بوده که ذهن سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور را به خود مشغول داشته است. به نظر می‌رسد، می‌توان مهم‌ترین عامل‌های مؤثر در مهاجرت‌های روستا به شهر را در ایران و به استناد تحقیقات انجام شده طی سال‌های گوناگون، مطابق جدول ۴ بیان کرد.

جدول ۴. خلاصه‌ی مطالعات و تحقیقات انجام شده پیرامون دلیل‌های مهاجرت‌های روستا/ شهری در ایران

عنوان گزارش یا کتاب	مؤلف	نمونه‌ی مورد بررسی	سال انتشار	مهم‌ترین علت‌های مهاجرت شناسایی شده
کپرنشینان ایرانشهر	محمد ابراهیم امین	ایرانشهر	۱۳۵۳	۱. جست و جوی کار ۲. خشکسالی‌ها ۳. خشک شدن قنات‌ها و از بین رفتن دام‌ها
حاشیه‌نشینان تبریز	دفتر برنامه و بودجه	تبریز	۱۳۵۳	۱. نداشتن زمین‌های زراعی ۲. کمی درآمد روستاییان ۳. فقدان وسایل رفاهی
نگرشی به وضع مهاجرت‌های داخلی استان اصفهان	سازمان برنامه و بودجه	کل کشور	۱۳۵۳	۱. انتقال جامعه از مرحله‌ی کشاورزی به صنعتی ۲. اشتغال بهتر ۳. کسب درآمد بیش‌تر ۴. استفاده از تسهیلات رفاهی در مناطق شهری
کتاب نظری به سیاست‌های جمعیتی در ایران	مهدی امانی	کل کشور	۱۳۵۵	۱. فقدان تأسیسات و تسهیلات رفاهی ۲. روستاهای خرد شده و فروش رفته
پژوهشی آماری برای ارائه‌ی سیمای مهاجران در تهران و تبریز	ضیاء موجدی و کاظم محمد	تهران و تبریز	۱۳۵۶	۱. کسب مزد و درآمد بیش‌تر ۲. تبعیت از خانوار ۳. بی‌کاری
مسأله‌ی مهاجرت روستایی در ایران	تقی طاهری	کل کشور	۱۳۶۰	۱. جست و جوی کار ۲. جست و جوی کار بهتر ۳. تغییر محل کار
بررسی مهاجرت داخلی در ایران	کاظم کازرونی	کل کشور	۱۳۶۱	۱. تبعیت از فامیل ۲. جست و جوی کار بهتر ۳. ازدواج ۴. جست و جوی کار
آمار و علت‌های مهاجرت روستایی استان خوزستان	جهادسازندگی استان خوزستان	استان خوزستان	۱۳۶۱	۱. پائین بودن متوسط درآمد روستاییان در مقایسه با درآمد شهری ۲. کمبود خدمات، شامل آب، برق، بهداشت و جاده ۳. کمبود خدمات کشاورزی و ماشین‌آلات و فقدان بیمه
بررسی استعدادهای بالقوه‌ی مناطق شهری استان و نحوه‌ی استفاده از اراضی شهری	علی اویسی	تهران	۱۳۶۱	دلیل‌های اقتصادی (تفاوت درآمدها در روستا و شهری) دلیل‌های اجتماعی

عنوان گزارش یا کتاب	مؤلف	نمونه‌ی مورد بررسی	سال انتشار	مهم‌ترین علت‌های مهاجرت شناسایی شده
مهاجرت روستاییان به شهر خرم‌آباد	محمدتقی جمشیدی	خرم‌آباد	۱۳۶۲	۱. محدودیت زمین‌های زیر کشت ۲. کمبود درآمد در روستا ۳. نبود آب، برق، تلفن و جاده ۴. تحصیل فرزندان ۵. درآمد بیش‌تر در شهر ۶. نبود امکانات رفاهی و تفریحی در روستا
آذربایجان غربی و مسأله‌ی مهاجرت	محمد مهدی آهنگری	شهر ارومیه، نقد، ماکو	۱۳۶۲	۱. جست و جوی کار ۲. ناامنی منطقه ۳. جنگ ۴. فشار فتودال‌ها ۵. استفاده از تسهیلات شهری
مهاجرت روستایی یک مسأله است	تقی طاهری	کل کشور	۱۳۶۳	۱. پائین بودن زمین به نسبت جمعیت ۲. زندگی بهتر ۳. برتری طلبی و تعلیم و تربیت بهتر فرزندان ۴. اختلاف درآمدی ۵. دستیابی به شغل بهتر
بررسی مهاجرت استان اصفهان	سازمان برنامه و بودجه	استان اصفهان	۱۳۶۳	۱. تبعیت از خانواده ۲. جست و جوی کار بهتر یا کار
نگرش نو به مهاجرت داخلی در ایران	محمدجواد زاهدی، محمد رضا کازرونی کریم درویشی	کل کشور (نمونه‌ی همدان)	۱۳۶۴	۱. سربازی ۲. ادامه‌ی تحصیل ۳. کمبود درآمد ۴. ازدواج ۵. برنامه‌ریزی کل کشور ۶. برهم خوردن تعادل زیستی در روستا ۷. برآیند دو نیروی رانش و کشش
سلسله مطالعات در شناخت نظام شهری و روستایی	حسین پیراسته	حاشیه‌ی کویر	۱۳۶۴	۱. تبعیض در سیاست‌های دولت ۲. جذابیت شهرها ۳. احتمال دستیابی به شغل
مهاجرت و شهرنشینی در ایران	محمد علیزاده‌ی کازرونی	کل کشور	۱۳۶۴	۱. اصلاحات ارضی ۲. بالا بودن نسبت بهره‌برداران به اراضی مزروعی ۳. نابرابری زارعان، در دسترسی به اعتبارات و خدمات کشاورزی ۴. مکانیزم‌های قیمت محصولات زراعی ۵. نامناسب بودن توزیع درآمدهای شهری و روستایی ۶. افزایش رشد جمعیت

عنوان گزارش یا کتاب	مؤلف	نمونه‌ی مورد بررسی	سال انتشار	مهم‌ترین علت‌های مهاجرت شناسایی شده
بررسی مسأله‌ی حاشیه - نشین‌های محله‌ی مفتتعیان سنندج	دفتر مطالعات اجتماعی استانداری	سنندج	۱۳۶۵	۱. فقدان زمین ۲. جنگ ۳. تفاوت درآمد شهری و روستایی ۴. امکانات رفاهی در شهر ۵. مسأله‌ی قومی و عشایری
بررسی مهاجرت و حاشیه - نشینی در زابل	سازمان برنامه و بودجه	زابل	۱۳۶۶	۱. کار بهتر ۲. خشکسالی ۳. فقدان زمین ۴. مسکن ۵. ادامه‌ی تحصیل ۶. عامل‌های طبیعی
بررسی انگیزه‌ها و پیامدهای مهاجرت روستاییان به شهرها در استان فارس	محبوب ایران، علیرضا آیت‌اللهی	شهرهای فارس	۱۳۶۹	۱. کسب کار ۲. تبعیت و ازدواج ۳. کمبود زمین ۴. افزایش طبیعی جمعیت
گزارشی از علت‌های اساسی مهاجرت‌های داخلی در ایران، با نگاهی به استان مازندران	فرهاد صیفایی	استان مازندران	۱۳۶۹	۱. موفق نشدن در بسط فعالیت‌های کشاورزی ۲. نابرابری توزیع درآمد ۳. الگوی نابرابر توسعه‌ی بخش کشاورزی و صنعت
تحلیل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر در پیدایش مهاجرت‌های روستایی	رضا مستوفی - الممالکی	کوه رس	۱۳۷۶	خرید خانه‌ی مسکونی در میدان خراسان و رقابت قومی با هم روستاییان خود
تحلیل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر در پیدایش مهاجرت‌های روستایی	رضا مستوفی - الممالکی	گنداب	۱۳۷۶	اختلاف طایفه‌ای در روستا و انتخاب شهر به عنوان یک پایگاه فرهنگی بهتر در قبال آن
تحلیل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر در پیدایش مهاجرت‌های روستایی	رضا مستوفی - الممالکی	مهدی‌آباد	۱۳۷۶	زندگی راحت در شهر و عاملی برای ازدواج فرزندان با شهرنشینان، به منظور ارتقای شخصیت
تحلیل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر در پیدایش مهاجرت‌های روستایی	رضا مستوفی - الممالکی	اشرف‌آباد	۱۳۷۶	افزایش آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی
مهاجرت‌های روستایی و علت‌ها و پیامدهای آن	عیسی ابراهیم‌زاده	استان سیستان و بلوچستان	۱۳۸۰	اشتغال، پراکندگی سکونتگاه‌ها، رشد شتابان جمعیت، ضعف بهداشت و درمان، فرهنگ سنتی جامعه

منبع: طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۴۹-۵۰؛ مستوفی‌الممالکی، ۱۳۷۶: ۸۷؛ و ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۵۸-۱۵۹.

تهران، به دلیل حضور اکثر مهاجران در شهر تهران و با توجه به فرمول «کوکران» - ۷۵ نفر بود که به صورت تصادفی، انتخاب شدند.

روش گردآوری اطلاعات

گردآوری اطلاعات، در دو بخش کتابخانه‌ای و میدانی صورت پذیرفت. در بخش کتابخانه‌ای که به تدوین مبانی نظری تحقیق منجر شد، بیش از ۳۰ منبع داخلی و خارجی مورد مطالعه قرار گرفتند. در بخش عملیات میدانی، با هدف جمع‌آوری اطلاعات برای آزمون فرضیات، از پرسش‌نامه بهره گرفته شد. بدین منظور، با طرح مؤلفه‌ی مشخصات فردی، سه گروه مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و روان‌شناختی، اطلاعات لازم از جامعه‌ی نمونه دریافت شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

یافته‌های تحقیق، در دو بخش توصیفی و تحلیلی مورد توجه قرار گرفت. در بخش توصیفی، ابتدا به تبیین وضع موجود جامعه‌ی نمونه، یعنی آنچه که هست، پرداخت شد. آن‌گاه در بخش تحلیلی، ضمن برقراری ارتباط میان مؤلفه‌های اصلی تحقیق که در قالب فرض‌های تحقیق مطرح بودند، جامعه‌ی نمونه در معرض دو نوع سؤال قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا برای مثال، میزان موفقیت خود را در ارتباط با مسائل اقتصادی، در روستای محل سکونت خود در مقایسه با شهر بیان کنند. آن‌گاه نتیجه‌های این مقایسه با آزمون رتبه‌ای «ویلکاکسون» مورد سنجش قرار گرفت.

آزمون فرضیات

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد، دلیل‌های اقتصادی، در مهاجرت جوانان روستای ایبانه مؤثر بوده‌اند. از عامل‌های متعددی که در زیر مجموعه‌ی فرضیه‌ی اول مورد بررسی قرار گرفتند، بیش‌تر مؤلفه‌ها از تفاوت معناداری برخوردار بودند و فقط مؤلفه‌ی «امکان پس‌انداز» تفاوت معناداری نداشت. جدول ۵، مبین این ویژگی است.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد، مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی در مهاجرت جوانان روستای ایبانه مؤثر بوده‌اند. از عامل‌های متعددی که در زیر مجموعه‌ی فرضیه‌ی دوم بررسی شدند، تمام مؤلفه‌ها از تفاوت معناداری برخوردار بودند.

جدول ۵. نتیجه‌های آزمون فرضیات، در بخش مؤلفه‌های اقتصادی

میزان P	میزان Z	مؤلفه‌ها
۰/۰۰۰	-۷/۴۲	دستیابی به شغل
۰/۰۰۰	-۶/۹۵۱	پایداری و جذابیت مشاغل
۰/۰۰۰	-۳/۸۱۱	بی‌کاری
۰/۰۰۰	-۶/۹۷۹	دستمزد
۰/۰۰۰	-۷/۴۶۴	مشاغل متنوع
۰/۳۸۶	-۸/۶۷	پس‌انداز
۰/۰۰۰	-۵/۲۶۸	تأمین نیازهای اقتصادی
۰/۰۰۰	-۶/۹۱۲	امکان دسترسی به منابع غذایی متنوع
۰/۰۰۰	-۷/۳۵۷	امکان تأمین نیازهای مصرفی خانواده
۰/۰۰۰	-۴/۶۹۲	امکان تغییر شغل
۰/۰۰۰	-۵/۹۷۷	مزایای کارکنان
۰/۰۰۰	-۴/۲۸۹	برخورداري خانواده‌ها از مسکن سالم در برابر بلاهای طبیعی

جدول ۶. نتیجه‌های آزمون فرضیات، در بخش مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی

میزان P	میزان Z	مؤلفه‌ها
۰/۰۰۰	-۶/۰۵۴	دسترس‌ی به آموزش مدرن
۰/۰۰۰	-۶/۴۰۶	ارتقای بهداشت
۰/۰۰۰	-۶/۵۶۲	تقویت زندگی برای پرداختن به موسیقی، هنر و سینما
۰/۰۰۰	-۶/۲۶۴	امکان‌ات کافی برای فعالیت‌های خارج از خانه
۰/۰۰۰	-۵/۶۳۹	مشارکت در امور اجتماعی، فرهنگی و سیاسی
۰/۰۰۰	-۶/۹۵۱	امکان شرکت در جشن‌ها، نمایشگاه و تماشای مسابقات ورزشی
۰/۰۰۰	-۵/۴۵۲	امکان پرهیز از نزاع‌ها و چالش‌ها
۰/۰۰۰	-۳/۸۰۳	محول شدن کار به مستعدترین افراد
۰/۰۰۰	-۷/۴۴	امکان انجام فعالیت‌های داوطلبانه و آزادانه
۰/۰۰۰	-۵/۳۵۸	امکان مراودات دوستانه و رفت‌وآمد با دوستان و خویشاوندان

جدول ۶، این شرایط را نشان می‌دهد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد، بین مهاجرت جوانان روستای ایبانه و انگیزه‌های روان‌شناختی آنان، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. از عامل‌های متعددی که در زیر مجموعه‌ی فرضیه‌ی سوم بررسی شدند،



جدول ۷. نتیجه‌های آزمون فرضیات، در بخش مؤلفه‌های روان‌شناسی

میزان p	میزان Z	مؤلفه‌ها
۰/۱۴۸	-۱/۴۴۷	صاحب امتیاز و تصمیم‌گیر بودن
۰/۰۰۰	-۶/۷۴	مجاز بودن در انجام کار
۰/۵۵۱	-۵/۹۶	اطمینان به اجرای نقشه‌ها
۰/۰۰۰	-۵/۵۴۰	فرصت‌های زیاد برای استفاده از توانایی‌های فردی
۰/۰۰۰	-۷/۳۴۳	پیشرفت مادی
۰/۰۰۰	-۶/۸۹۳	کسب شهرت
۰/۰۰۰	-۵/۴۴۴	امیدواری به آینده
۰/۰۰۰	-۶/۶۸۶	دسترسی به هیجان و برنامه‌های مهیج
۰/۰۰۰	-۴/۷۸۲	امکان تحقق امیال و آرزوها
۰/۰۰۰	-۶/۱۰۲	امنیت
۰/۸۳	-۱/۷۳۱	اعتماد به نفس

فقط مؤلفه‌های «صاحب امتیاز و تصمیم‌گیر بودن»، «اطمینان به اجرای نقشه‌ها» و «اعتماد به نفس»، از تفاوت معناداری برخوردار نبودند. جدول ۷، مبین این ویژگی است.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد، نوع و شدت عامل‌های مؤثر بر مهاجرت (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و روان‌شناختی) جوانان روستای ایبانه از تفاوت معناداری برخوردارند. از بررسی علت‌ها و عامل‌های مؤثر در مهاجرت جوانان این روستایی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، این طور به نظر می‌رسد که در صورت رتبه‌بندی این عامل‌ها، نقش عامل‌های اجتماعی و فرهنگی، از سایر عوامل پررنگ‌تر است؛ اگر چه نقش عامل‌های اقتصادی و روان‌شناختی نیز از بسیاری جهات قابل تعمق است.

نتیجه‌گیری

از ارکان نظام‌های تحقیق هدفمند، به‌ویژه در مطالعات اجتماعی و فرهنگی، اعمال شیوه‌های مناسب تحقیق است. در این بین، استفاده از نگرش سیستمی مبتنی بر توجه به اجزای تشکیل‌دهنده سیستم، بیش از هر نگرشی مورد توجه قرار می‌گیرد. مطالعه‌ی پدیده‌ی مهاجرت از روستا به شهر، زمانی از ارزش و اعتبار علمی برخوردار می‌شود که بتواند از روش سیستمی نهایت استفاده را ببرد. در این شیوه، پیوند متقابلی بین اجزای حاصل شده و تأثیر هر یک از عامل‌ها در اجزا، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و آن‌گاه با استفاده از روش استقرایی، تعمیم‌پذیری مناسبی از نتیجه‌های تحقیق به دست می‌آید. [طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۱۰۱].

این تحقیق، با شناخت و بررسی عامل‌های مؤثر در مهاجرت جوانان روستایی که به صورت مطالعه‌ی موردی در رابطه با مهاجرت جوانان روستای ایبانه به شهر تهران صورت پذیرفت، سعی داشته است که ضمن توجه به مؤلفه‌های تأثیرگذار اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی، شیوه‌ی متفاوتی را در مطالعات مربوط به مهاجرت ارائه کند.

پس از آزمون فرضیات و تجزیه و تحلیل اطلاعات به نظر می‌رسد، مهاجرت جوانان، به‌عنوان پدیده‌ای جمعیتی در روستای ایبانه، رفتاری تصادفی نبوده است و نقش عامل‌های اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و روان‌شناختی، به ترتیب اولویت، در آن مؤثر بوده‌اند.

منابع

۱. خوانساری ایبانه، زین‌العابدین (۱۳۷۸). ایبانه و فرهنگ مردم آن. انتشارات

گنجینه‌ی هنر. تهران.

- خلیلی، ولی‌الله (۱۳۸۱). روزنامه‌ی همشهری. شماره ۶۵.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت. انتشارات سمت. تهران.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹). «تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا / شهری»، فصلنامه‌ی روستا و توسعه. سال ۴، شماره‌ی ۳ و ۴.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰). «بازشناسی عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت جوانان روستایی». وزارت جهاد سازندگی، گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی. قزوین.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت. انتشارات نوید. شیراز.
- کسرائیان، نصرالله؛ و عرشی، زیبا (۱۳۸۰). ایبانه. انتشارات یساولی. تهران.
- گلدسته، اکبر و همکاران (۱۳۷۷). راهنمای کاربران (Spss 6). انتشارات حامی.
- ماهر، فرهاد (۱۳۷۲). «مهاجرت و قانونمندی‌ها و دیدگاه‌ها بانگاهی جامعه‌شناختی». فصلنامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال ۱. شماره‌ی ۱.
- Balan Jorge (1991). Demographic trends and migratory movements from Latin America and caribbean, OCDE international conference on migration, Rome.
- Bilsborrow, E. Richard (1996). migration, urbanization and Development: Direction and Issues. united Nations population. fund publisher.
- Morrill, R. (1994) specific Migration and Regional Diversity. Environment and planning. Vol. 26.
- Douglass, Massey (1993). Theories of international Migration. A Review and Appraisal. Population Development Review. Vol. 19. No.3.



نگاهی به شکل‌گیری و توسعه‌ی شهر هشتپیر

و پیامدهای مکانی - فضایی آن در جلگه‌ی تالش

شهرام امیرانتخابی هشتپیری
دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید بهشتی

در تالش شده است .

طرح مسأله

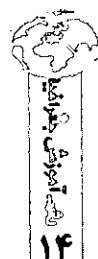
ویژگی‌های جغرافیایی شهر هشتپیر
هشتپیر در مدار ۵۵-۴۸ درجه ی طول شرقی و ۳۸-۳۷ درجه ی عرض شمالی در غرب دریای خزر و شمال غربی گیلان واقع است . این شهر در کوهپایه‌های جلگه‌ی ساحلی تالش و در دهانه‌ی دره‌ی گرکانرود قرار دارد، به طوری که پیشکوه‌های جنگلی رشته کوه تالش، از شمال غربی، کوه هره دشت، و جنوب غربی، کوه سیاه داوان، بر شهر اشراف دارند . عرض جلگه در این مکان ۶ کیلومتر است و بستر سیلابی و کبیر گرکانرود، با ایجاد پادگانه‌ی آبرفتی، شهر را از نظر توپوگرافی به سه بخش تقسیم می‌کند: ۱. بخش میانی شهر در بستر کبیر رودخانه ۲. شمال پادگانه‌ی آبرفتی گرکانرود در دامنه‌های کوه هره دشت ؛ ۳. اراضی جنوب پادگانه‌ی آبرفتی . ارتفاع شهر از سطح دریاهای آزاد ۵۴ متر است که به علت مجاورت با کوهستان و نزدیکی به دریا، در مرز آب و هوای معتدل و مرطوب و مدیترانه‌ای واقع شده است . میانگین گرمای سالانه شهر ۱۵ درجه ی سانتی گراد است که میانگین تیر ماه ۲۴/۶، و دی ماه ۶/۹ درجه ی سانتی گراد برآورد شده است . میانگین بارش سالانه ۱۱۱۱ میلی متر و تبخیر سالانه ۶۷۱ میلی متر محاسبه شده است [گنجی، ۱۳۷۲].

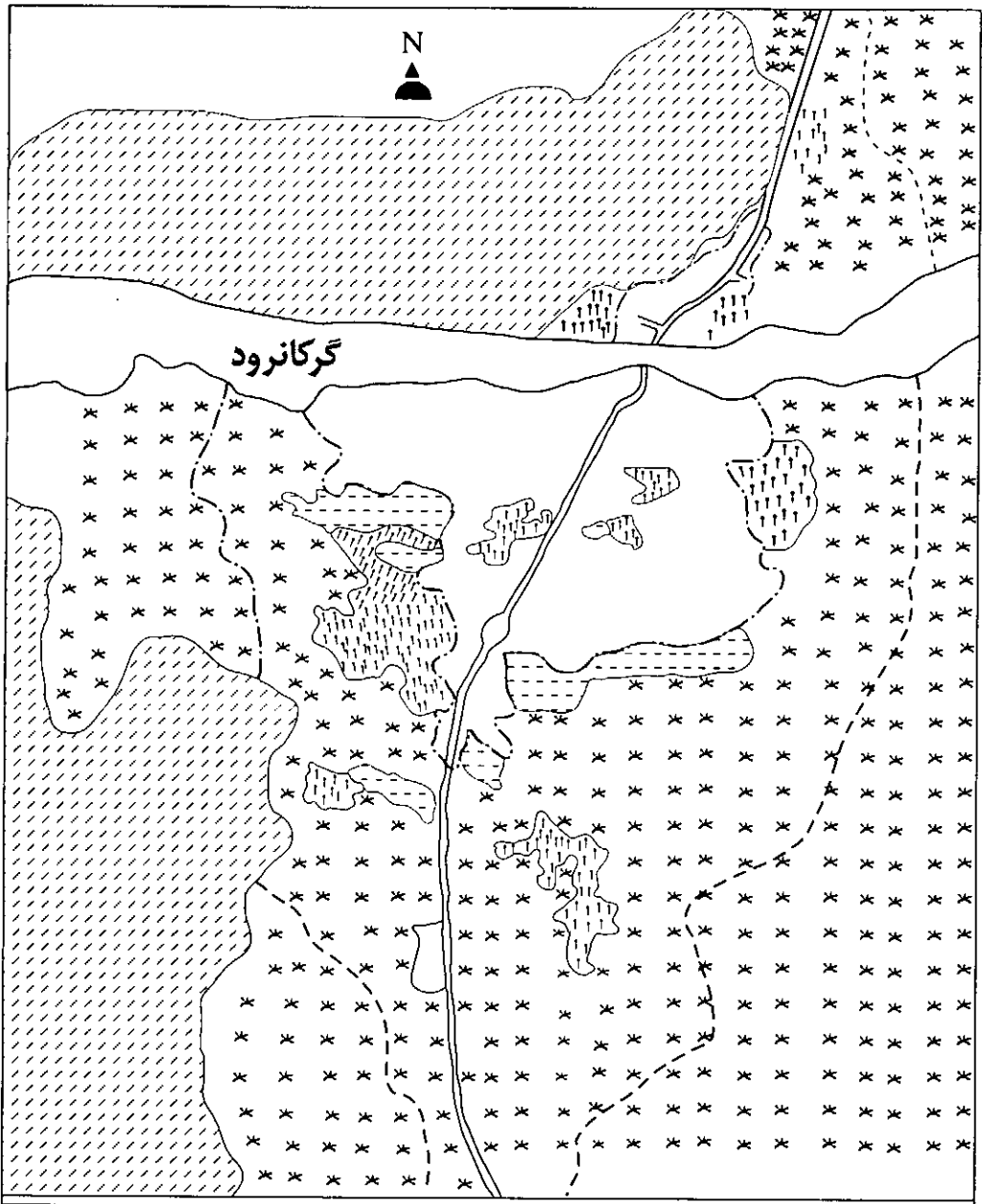
پیشینه‌ی شهر هشتپیر

شهرنشینی در جلگه‌ی تالش از پیشینه‌ی چندانی برخوردار نیست و شهرهایی مانند آستارا و لنکران، به عنوان مهم‌ترین و قدیمی‌ترین شهرها در انتهای شمالی جلگه‌ی تالش شکل گرفتند که از دوره‌ی صفویه، مرکز تالش محسوب می‌شدند [مرعشی، ۱۳۶۴: ۲۴۲-۱۷۴؛ ۴۵-۳۹۱ و ۴۷۱]، تا این که در خلال جنگ‌های ایران و روسیه در اوایل سده‌ی ۱۹ میلادی و انعقاد قراردادهای گلستان (۱۸۱۳م) و ترکمنچای (۱۸۲۸م)، این بخش تالش از ایران جدا شد و به دستور فتحعلیشاه قاجار، در بخش باقیمانده‌ی تالش که فاقد مراکز شهری بود، خان نشین‌های گرکانرود، اسالم، تالش‌دولاب، شاندرمن و ماسال (موسوم به خمسه‌ی طوالش) ایجاد شد [امیر احمدیان، ۱۳۸۰: ۳۵ و ۳۶]. که مقر حکومت این خان نشین‌ها شهرهای آینده‌ی تالش

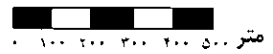
شهرنشینی، به ویژه به شکل نوین آن، در بیش‌تر نواحی کشور ما پدیده‌ای نو به شمار می‌رود. به همین علت نیز، ابعاد و پیامدهای زیست محیطی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی آن به درستی سنجیده نشده است. تا اوایل دوره‌ی پهلوی، تعداد و جمعیت شهرهای ایران بسیار اندک بود [زنجانی، ۱۳۷۱]. اما تحولاتی مانند ارتباط با جهان غرب و ظهور اندیشه‌های نوین سیاسی، شکل‌گیری سرمایه‌داری تجاری، و تحولات پدید آمده به دنبال جنگ دوم جهانی و نهضت ملی شدن نفت، و بالاخره اصلاحات ارضی و انقلاب اسلامی، روی این موضوع تأثیر گذاشتند [سوداگر، ۱۳۶۹]. به ویژه طی چهار دهه‌ی اخیر، با روند شتابان مهاجرت‌های روستایی، شاهد افزایش تعداد شهرها و رشد سریع جمعیت شهرنشین بوده‌ایم [زنجانی، ۱۳۶۹]. اما ادامه‌ی این روند، به ویژه در جلگه‌های حاصلخیز خزری که دارای پتانسیل‌های غنی کشاورزی، جنگل، و منابع طبیعی و گردشگری است، پیامدهای زیست محیطی و اقتصادی اجتماعی نگران‌کننده‌ای را به دنبال دارد. بنابراین، گسترش فیزیکی شهرها به درون محدوده‌های جنگلی، باغ‌ها و شالیزارها، و نیز تبدیل روستاها به شهرهای خدماتی، یا الحاق به بافت شهرهای در حال گسترش، این ثروت‌های ملی را به طور جدی تهدید می‌کند.

متأسفانه در طرح‌های جامع و تفصیلی شهرهای منطقه نیز به این مسأله‌چندان توجه نشده است، حال آن که در کشورهای صنعتی، از اواخر سده‌ی ۱۹ میلادی، به مقابله با این روند پرداخته‌اند. مثلاً «جنش باغ- شهر که از سال ۱۸۹۸ در انگلستان برپا شد، زمینه‌ساز برنامه‌های فضایی با تأکید بر عرصه‌های طبیعی و روستایی بود. در آن زمان رشد نامتناسب اقتصادی شهرهای بزرگ کانون اصلی انتقاد بود و این جنبش خواستار برنامه‌ریزی برای هدایت و رشد و گسترش شهرها و حفظ عرصه‌های روستایی پیرامونی آن‌ها شد» [سعیدی، ۱۳۷۶: ۱۴۸]. پیدایش و گسترش زمانی مکانی شهر هشتپیر (تالش) در کوهپایه‌های جلگه‌ی ساحلی تالش، نمونه‌ی روشنی برای تبیین این مسأله است. زیرا تکوین و گسترش این شهر نوین‌یاد باعث تغییرات اکولوژیکی، اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی قابل ملاحظه‌ای





نقشه گسترش هشتپر در زمین های کشاورزی ۸۰-۱۳۵۵



- محدوده شهر ۱۳۵۵
- باغ ها
- اراضی بایر
- کوهستان های جنگلی
- محدوده شهر ۱۳۸۰
- شالیزار

که معادل ارگ در دیگر نقاط کشور است. مؤلف کتاب «تاریخ گیلان و دیلمستان» به مکان هایی مانند هشتپر لاهیجان، هشتپر رانکوه، هشتپر لمسر، هشتپر تنکابن و هشتپر کیسم اشاره می کند [مرعشی، ۱۳۶۴: ۱۷۴-۲۴۲، ۳۹۱-۴۵۰، ۴۷۱].

چهار دهه، بعد نصرت اله خان سردار امجد، نوه ی بالاخان، در اواسط دوره ی ناصرالدین شاه قاجار عمارت اطاق سرا را با معماری

را پی ریزی کرد. در این میان، بلوک گرکانرود به علت نزدیکی به مرز روسیه، مهم ترین و وسیع ترین بخش تالش بود. در آن زمان، «مرکز گرکانرود، آبادی هشتپر و والی آن بالاخان است که فرمانده قشون تالش محسوب می شود و سراسر این ایالت به طور موروثی به وی به تیول واگذار شده است [خودزکو، ۱۳۵۷: ۸]. در واقع، واژه ی هشتپر نیز در گیلان به معنی مرکز و مقر حکومتی و نظامی ولایات بوده است



اروپایی بنا کرد که نماد و سمبول هشتمین شد. هشتمین و سایر مراکز حکومتی در تالش از ساحل دریا فاصله داشتند و به همین خاطر، مراکز بازاری و بنادر کوچکی مانند سفارود، آلالان، گرکانرود و حویق، در مصب رودهای تالش ایجاد شدند که اهالی تالش از این طریق با بنادر قفقاز داد و ستد می‌کردند [رهنمائی، ۱۳۸۰: ۱۵]. بنابراین در قرن ۱۹ میلادی، مراکز سیاسی و اقتصادی تالش از یکدیگر جدا افتادند و به همین خاطر، شهر تمام عیاری در این ناحیه شکل نگرفت. از این رو، تا نهضت مشروطه هشتمین به عنوان مرکز سیاسی تالش از بازار ساحلی گرکانرود فاصله داشت. [بازار نزدیک دریا شامل ۶۰ دکان و در حدود ۱۵ کلبه‌ی چوبی است و محل اقامت خان‌ها در هشتمین می‌باشد] [پیشین]. در سال ۱۲۸۶ ش، بر اثر وقایع انقلاب مشروطه، عمارت اطاقسرا و ابنیه‌ی پیرامون آن به آتش کشیده شد. به حکومت خان‌های گرکانرود پایان داده شد و هشتمین تا سه دهه بعد محلی متروکه بود. در عوض، بازارهای ساحلی نقش اداری ناحیه را نیز بر عهده گرفتند؛ به طوری که در قانون تقسیمات کشوری سال ۱۳۱۶، بازار سفارود مرکز بخش خمسه طوالش شد.

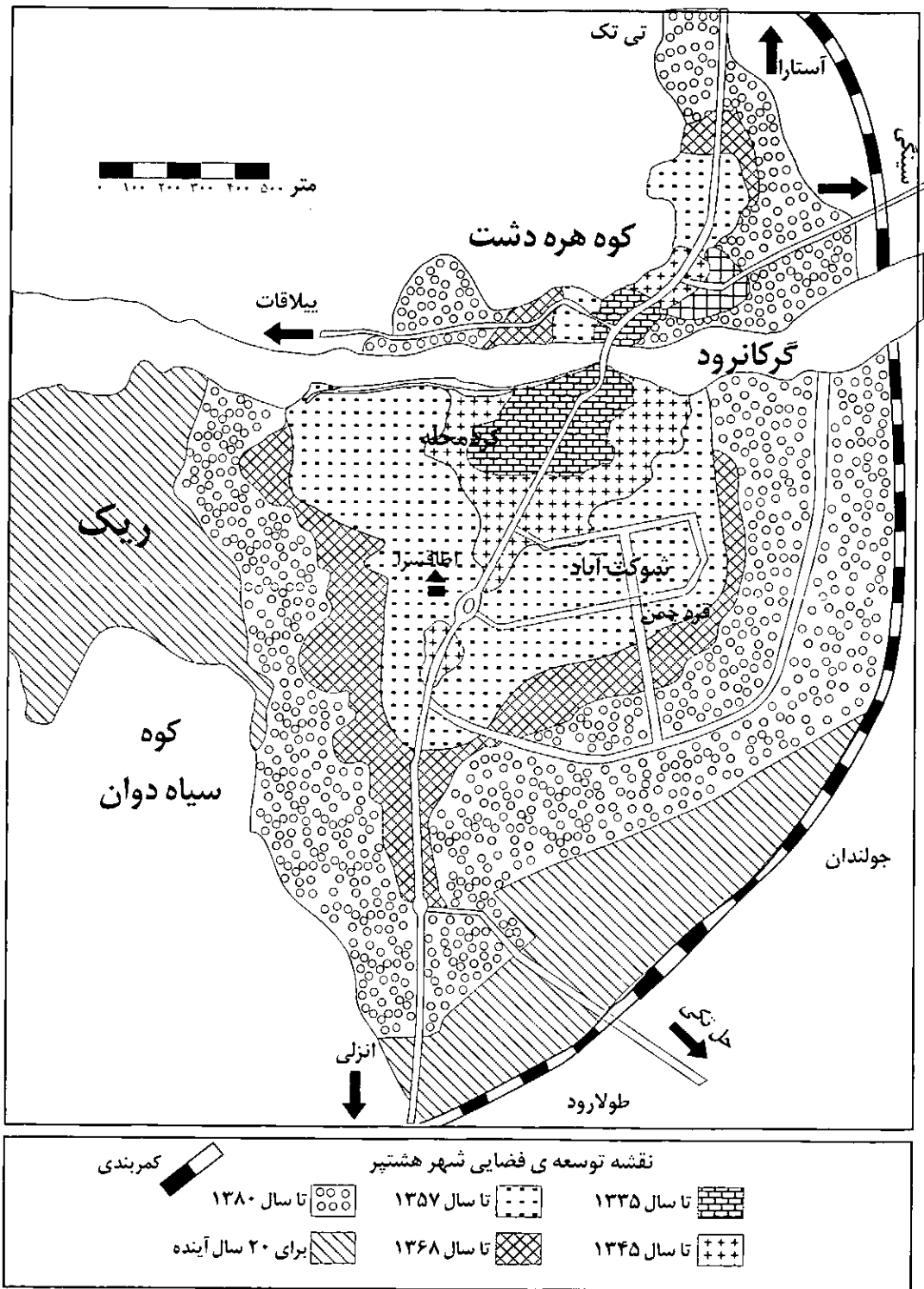
پس از اشغال ایران به دست ارتش شوروی در جریان جنگ دوم جهانی دوم (شهریور ۱۳۲۰)، روس‌ها جاده‌ای بین انزلی و آستارا از میان تالش احداث کردند تا تدارکات جنگی متفقین را از جنوب ایران به جبهه‌ی جنگ آلمان، راحت‌تر انتقال دهند. در این ارتباط، ساختن پل روی گرکانرود در نزدیکی هشتمین، موجب برتری موقعیت مکانی آن نسبت به بازار ساحلی گرکانرود شد و به همین خاطر، بازاریان شهر گرکانرود را رها کردند و در دو سوی پل جدید هشتمین مستقر شدند؛ به طوری که طی ۴ سال، بازار ساحلی کاملاً متروک شد و ادارات دولتی آن جا نیز به هشتمین منتقل شدند. به دنبال این تحول مرکز شهرستان خمسه‌ی طوالش که در ۲۲ مرداد ۱۳۲۳ به شهرستان تبدیل شده بود، در ۱۸ آذر ۱۳۲۴ از سفارود به هشتمین انتقال یافت [رایبوی، ۱۳۵۷: ۹۸]. زیرا سفارود در حاشیه‌ی جنوب شرقی شهرستان قرار داشت که با توجه به وسعت شکل و امتداد طولی طوالش، پاسخگوی نیازهای اداری شهرستان جدید نبود. با این حال تا اواخر دهه‌ی ۱۳۲۰، هشتمین قصبه محسوب می‌شد و فرهنگ جغرافیایی کشور هشتمین را چنین معرفی می‌کرد: «... قصبه، مرکز فعلی شهرستان طوالش... بیش از ۱۵ سال نیست که احداث گردیده. فعلاً مرکز ادارات کشوری مانند فرمانداری، دارایی، ژاندارمری، شهربانی، بهداری، ثبت اسناد و سایر ادارات است. بیمارستان ۲۵ تختخوابی دارد و دبستان دولتی در شرف بناست و ۳۰ باب دکاکین در طرفین جاده قرار دارد که روز به روز به اهمیت آن افزوده می‌شود. سکنه‌ی فعلی آن در حدود ۲۰۰۰ نفر است [صلاح عربانی، ۱۳۷۳: ۹۸]. با این حال

هشتمین مرکزیت شهرستان وسیعی را عهده دار شده بود و در شعاع ۷۵ کیلومتری آن، هیچ نقطه‌ی شهری دیگری وجود نداشت.»

سال‌های آغازین شکل‌گیری و توسعه‌ی شهر از ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۵ هسته‌ی اولیه شهر از یک ردیف دکان و خانه‌های چوبی طبقه بالا و یا پشت آن تشکیل شده بود که در دو سوی پل و امتداد جاده‌ای احداثی روس‌ها مستقر شده بود. اندکی بعد، گسترش و تنوع فعالیت‌های بازار، کوچه‌های مسگران و گل‌سرخ [خیابان شهید افزای کنونی] را به وجود آورد و به تدریج بافت شهری در امتداد جنوبی جاده و به سمت شرق گسترش یافت. اما محدوده‌ی شمالی پل به خاطر موانع توپوگرافیک [کوه هره دشت]، توسعه‌ی فیزیکی چندانی نیافت. شهر جدید به سرعت پذیرای مهاجران شد. آذربایجانی‌ها که از قرن پیش مهاجرت به منطقه‌ی تالش را آغاز کرده بودند، اکنون در هشتمین حضور فعال و چشمگیر داشتند. فقیرترین آن‌ها که عمدتاً از روستاهای کردنشین خلخال بودند، در انتهای غربی شهر، کرد محله را ایجاد کردند. گرچه خیابان آذر آبادگان در محور این محله احداث شد، اما بافت نامتناسب اجتماعی اقتصادی و کالبدی کرد محله از آغاز، همواره آن را نشانه‌ی «پائین شهر» و بخش نامنظم و ناهنجار شهر ساخت. در سرشماری آبان ماه ۱۳۳۵، جمعیت هشتمین به ۳۳۵۴ نفر رسید [سرشماری عمومی...، ۱۳۳۵]. که نسبت به سال ۱۳۲۸، در حدود ۹/۸ درصد رشد سالانه داشت. این افزایش بیش‌تر ناشی از ورود دو گروه از مهاجران بود:

۱. کارمندان ادارات کشوری و لشکری که از رشت و سایر شهرهای گیلان به هشتمین مأمور شده بودند.
۲. امواج تازه‌تر مهاجران آذری که به خاطر اقلیم سرد، افزایش جمعیت، فقر و بی‌کاری متوجه این سوی رشته‌کوه‌های تالش شده بودند [زنجان‌ی و امانی] تا از ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی این شهر استفاده کنند.

در سرشماری ۱۳۳۵، هشتمین جزو ۱۳ شهری بود که به خاطر مرکزیت شهرستان، از تعریف جمعیتی شهر [حداقل ۵۰۰۰ نفر] معاف شد [زنجان‌ی، ۱۳۷۰: ۸]. در این دوره، به جز مغازه‌ها و ادارات دولتی، هشتمین فاقد امکانات و مشخصات دیگر شهری بود. پیرامون شهر را باغ‌ها و شالیزارها فرا گرفته بودند و شهر تنها در شمال غربی به کوهستان منتهی می‌شد. اجرای قانون اصلاحات ارضی در اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰، برخی مالکان را واداشت، املاک خود را به فضاهای بایر و غیر کشاورزی تبدیل کنند تا ضمن حفظ آن‌ها، در آینده این اراضی را به حریم و فضای شهر بیفزایند و از فروش املاک سود ببرند. با این حال تا اوایل دهه‌ی ۴۰، قلمروی شهر از بستر



مرحله‌ی توسعه‌ی کالبدی و کارکردی شهر از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ در سرشماری سال ۱۳۴۵، جمعیت هشتیر به ۵۸۶۷ نفر رسید. براین اساس در دهه‌ی بین دو سرشماری ۲۵ و ۴۵، نرخ رشد سالانه‌ی جمعیت به ۵/۸ درصد رسید [سرشماری عمومی...، ۱۳۴۵]. و اگرچه به ملاک جمعیتی شهر نائل آمد، اما هنوز روستا-شهری بیش نبود. از سوی دیگر، نسبت جنسی ۱۱۹/۲ نفر در این سال، نشانه‌ی مهاجرت

کبیر رودخانه فراتر نرفت و به همین خاطر، سیلاب‌های گرگانرود چند بار به شهر آسیب‌های جدی رساند که شدیدترین آن‌ها در سال‌های ۱۳۲۵، ۱۳۳۵ و ۱۳۴۳ رخ داد و تقریباً تمام معابر شهر را فرا گرفت و به بسیاری از خانه‌ها آسیب زد. سرانجام در اواسط دهه‌ی ۱۳۵۰، با احداث سد و دیواره‌ی بلندی در حاشیه‌ی گرگانرود، شهر مدت‌ها از خطر سیل رهایی یافت.

جوانان و مردان بدون خانواده به این شهر است که در دهه ی بعدی با همان آهنگ ادامه داشت، به گونه ای که در سرشماری سال ۱۳۵۵، جمعیت شهر به ۱۰۴۴۴ نفر رسید. در دهه ی ۴۵-۵۵، نرخ رشد طبیعی جمعیت ۲/۹ درصد بود، اما رشد سالانه ی آن بر ۵/۹ درصد بالغ شد. بنابراین، ۳ درصد از رشد جمعیت ناشی از مهاجرت پذیری بود. با این حال، نسبت جنسی جمعیت به ۱۱۴/۸ نفر کاهش یافت [گزارش مقدماتی سرشماری...، ۱۳۵۵]. که حاکی از ورود تأخیری و تدریجی خانواده ی مهاجران است، زیرا بیش تر مهاجران در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال قرار داشتند.

در این دوره، توسعه ی شهر عمدتاً در مسیر جاده و محدوده های دو سوی آن، و به موازات ساحل جنوب غربی گرگانرود بود. خیابان سد ساحلی و سعدی در شمال و جنوب کرد محله احداث شد. در امتداد جنوبی جاده، نخست مکان های تجاری، اداری و آموزشی به شکل گسسته، پیرامون میدان ورودی شهر ایجاد شدند. سپس عمارت اطاقسرا و فضاهای پیرامون آن بازسازی شد و به فضاهای بهداشتی درمانی و آموزشی تبدیل گردید و خیابان های پاسداران، شهرداری و مفتوح هم در جنوب غربی این محدوده در میان باغ ها احداث شدند. اما در شرق جاده، اراضی وسیع شوکت آباد با طراحی دقیق و کاربری ارضی حساب شده، در محدوده ی بین خیابان های خرمشهر و طالقانی فعلی به شهر ملحق شدند که بیش تر کاربری های اداری، آموزشی و مسکونی داشتند و ادارات دولتی شامل: فرمانداری، شهربانی، دارایی، دادگستری، مخابرات، دخانیات، بانک کشاورزی، آبیاری، آموزش و پرورش، بیش تر مدرسه های دولتی و بیمارستان ۵۰ تختخوابی، در آن استقرار یافتند. بخش مسکونی این منطقه ی شهری را ردیفی از خانه های ویلایی با معماری جدید تشکیل می داد که عمدتاً متعلق به کارمندان دولت و فرهنگیان بود.

در پایان این مرحله، مساحت شهر به شش کیلومتر مربع بالغ شده بود. توسعه ی فیزیکی، کالبدی و کارکردی شهر در این مرحله با نقش های محلی و منطقه ای آن تناسب داشت، زیرا هشتر مرکزیت داشت و پهناورترین شهرستان استان با ۳۶۷۲ کیلومتر مربع وسعت بود که محدوده ی اداری آن تا نزدیکی شهرهای آستارا، انزلی و صومعه سرا ادامه داشت و شامل ۵۶۰ آبادی بزرگ و کوچک و سه شهر کوچک می شد [مقایسه کنید با شهرستان های آستارا و انزلی که به ترتیب ۲۸۸ و ۳۳۰ کیلومتر مربع وسعت دارند]. علاوه بر این، برخی از سازمان های دولتی شهرستان، مانند آبیاری و هنگ ژاندارمری، شهرستان های اطراف را نیز پوشش می دادند. از طرف دیگر، سواحل طولانی، زیبا، و بکر، کوه های جنگلی، و بیلافتات خوش آب و هوای تالش، از پتانسیل گردشگری فراوانی برخوردار بود.

دوره ی رشد شتابان فیزیکی، دهه ی اول پس از انقلاب اسلامی در سال های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به خاطر مسائل اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی، امکانات و تسهیلات شهری رشد چندانی نکرد، اما تداوم روند مهاجرت موجب گسترش فیزیکی بیش تر شهر شد، به طوری که باغ های شهری و شالیزارهای وسیعی پیرامون شهر، به زیر ساخت و ساز محله های مسکونی رفت [نگاه کنید به نقشه ها ۲ و ۳] و مساحت شهردار در سال ۱۳۶۴ به ۸/۷۵ کیلومتر مربع رساند [مساحت و مختصات جغرافیایی...، ۱۳۶۴]. جمعیت شهر نیز در سال ۱۳۶۵ بر ۲۴۱۸۲ نفر بالغ شد که حاکی از رشد سالانه ی ۸/۸ درصد، طی دهه ی ۶۵-۵۵ بود که در سال ۶۵، تنها ۵/۹ درصد ساکنان شهر متولد شهرهای دیگر بودند [سرشماری عمومی...، ۱۳۶۵]. و بیش تر بومیان در گروه های سنی زیر ۲۰ سال قرار داشتند و به همین خاطر در سال مذکور، شهرستان تالش به همراه گنبد کاووس، کم ترین جمعیت کهنسال را دارا بود [نظری، ۱۳۶۸: ۱۴۵]. اما نسبت جنسی جمعیت به ۱۰۲/۵ درصد رسید که در مقایسه با دهه های پیشین، کاهش چشمگیری یافت. علت این امر مهاجرت های خانوادگی به شهر و مهاجرت عده ای از مردان و جوانان به شهرهای دیگر است.

در طول دهه ی مذکور، ۴۳/۷ درصد مهاجران از نقاط روستایی شهرستان تالش و دیگر شهرستان های گیلان، و ۳۲/۵ درصد از آذربایجان شرقی بودند. [پیشین]. به طور طبیعی، دو برابر شدن جمعیت طی این دهه، به گسترش فیزیکی شهر از همه ی جهات منجر شد. بدین ترتیب که: در شرق، اراضی وسیع زراعی قره چمن به سرعت زیر ساخت و سازهای مسکونی قرار گرفت. در جنوب، شهر در امتداد جاده ی انزلی از پمپ بنزین تا سه راه تکی گسترش یافت و بولوار در این محدوده احداث شد. در نتیجه، شالیزارها و باغ های بین این بولوار، عمارت اطاقسرا و کوه سیاه دوان، کاملاً به محله ی مسکونی تبدیل شدند و پادگان هنگ ژاندارمری به زیر این کوه منتقل گردید. در شمال غربی، شهر به رشد خطی خود ادامه داد و به محدوده ی روستای تی تک رسید و ورزشگاه پوریای ولی در انتهای آن قرار گرفت.

مرحله ی گسترش شهری هشتر پس از جنگ تحمیلی

به دنبال پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوره ی سازندگی، در هشتر نیز برخی فعالیت های عمران شهری آغاز شد. در تابستان ۱۳۶۸، در بخشی از محوطه ی عمارت اطاقسرا پارک کوچکی احداث کردند و سال بعد نیز دو قطعه زمین بایر در قره چمن به پارک تبدیل شد؛ در حالی که تا این زمان ساکنان شهر تنها تفریحگاه خود را در خیابان سد ساحلی [کنار رودخانه] یافته بودند. اما عملیات احداث پارک دیگری در بستر گرگانرود، به دلیل هراس از بازگشت سیل، به طور ناتمام رها گردید؛ زیرا منحنی دبی ۲۰ ساله ی رودخانه نوسانات قابل توجهی را

در حجم تخلیه‌ی سالانه‌ی آن نشان می‌داد. به گونه‌ای که در سال‌های پربابی ۴۲ و ۴۷، به حدود ۴۱۸ میلیون متر مکعب رسید که انحراف زیادی را از میانگین این دوره [۲۴۲/۵ میلیون متر مکعب] نشان می‌دهد [رهنمائی: ۱۴۵].

در این مرحله نیز، گسترش فیزیکی بیش از پیش مشخصه‌ی اصلی تحولات شهر است؛ هر چند که اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت در آغاز همین دوره بر روند رشد طبیعی جمعیت مؤثر بود. چون در سرشماری سال ۱۳۷۰، جمعیت هشتمین به ۲۹۲۲۱ نفر رسید که حاکی از نرخ رشد سالانه‌ی ۳/۹ درصد بین سال‌های ۷۰-۶۵ است [سرشماری عمومی...، ۱۳۷۰]. در سرشماری سال ۱۳۷۵، جمعیت شهر ۳۳۶۴۰ نفر اعلام گردید. در نتیجه، رشد سالانه‌ی جمعیت در این دوره‌ی ۵ ساله، ۲/۹ درصد و نسبت جنسی به ۱۰۱/۴ نفر کاهش یافت [سرشماری عمومی...، ۱۳۷۵]. در طول این سال‌ها، به طوری سابقه‌ای، علاوه بر مهاجرت‌های برون‌شهرستانی، مهاجرت از روستاهای تالش به داخل شهر افزایش یافت که این امر حاکی از افزایش تعداد جوانان تحصیلکرده‌ی روستایی است که دیگر جایی در اقتصاد کشاورزی روستاها ندارند و پس از تشکیل خانواده و به دست آوردن ارثیه‌ی خود، ساکن شهر می‌شوند. علاوه بر این، الحاق روستاهای اطراف به شهر نیز تأثیرات جمعیتی خاص خود را به همراه داشته است. بنابراین، توسعه‌ی فیزیکی شهر تا پایان این مرحله بدین گونه خلاصه می‌شود:

الف) در جهت شرق: با احداث خیابان کمربندی و طرح جاده‌ی کمربندی بزرگ‌تری در محیط خارجی این محدوده، بخش وسیعی از اراضی کشاورزی و باغ‌های روستاهای سوره پشت و حیاب، در داخل شهر قرار گرفتند.

ب) در ساحل شمالی گرکانرود: شهر در چهار جهت گسترش یافت: ۱. در امتداد جاده‌ی قدیمی منتهی به بندر متروکه‌ی گرکانرود [شمال شرقی]، محدوده‌ی شهری به روستای سینکی رسیده است؛ ۲. در محدوده‌ی بین جاده‌ی کمربندی و خیابان فردوسی [ادامه خیابان اصلی و جاده‌ی آستارا] و پیرامون گورستان شهر، اراضی و شالیزارهای روستای شیلو به محدوده‌ی شهر پیوست؛ ۳. در دامنه‌ی شرقی کوه هره دشت و دره‌ی شمالی آن [اطراف ورزشگاه پوریای ولی]، محدوده‌ی شهر به داخل جنگل‌ها پیش رفته و تمام محدوده‌ی روستای تی تک را به داخل شهر کشانده است. ۴. در ساحل شمال غربی رودخانه و جبهه‌ی جنوبی کوه هره دشت. به موازات جاده، بیلاقات محدوده‌ی شهری گسترش یافته روستای کوهپایه‌ای هره دشت به شهر ضمیمه شد.

ج) در محدوده‌ی غربی: تا مدت‌ها شهر به چاله میدان در کرد محله منتهی می‌شد. اما در سال‌های اخیر، به موازات ساحل جنوبی رودخانه،

شهر در امتداد جاده‌ی منتهی به روستای ریک به صورت دهلیزی پیش رفته و مکان موسوم به کاروانسرا در برگرفته است و به تدریج شالیزارها و باغ‌های متصل به ضلع غربی شهر بین این محله و دامنه‌های کوه سیادوان در جنوب شرقی، به زیر ساخت و سازهای شهری می‌رود.

د) در جنوب: در امتداد جاده‌ی انزلی، محدوده‌ی شهری از سه راه تکی به سمت شالیزارها و اراضی روستاهای ترشابر و طولارود پیشروی کرده و پایانه‌ی مسافری شهر در آن احداث شده است. اخیراً

جدول ۱. نرخ رشد جمعیت شهر هشتمین طی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن

سال سرشماری	جمعیت	رشد سالانه‌ی جمعیت	
		دوره	درصد
۱۳۲۸	۲۰۰۰	۲۸-۳۵	۹/۸٪
۱۳۳۵	۳۳۵۴	۳۵-۴۵	۵/۸٪
۱۳۴۵	۵۸۶۷	۴۵-۵۵	۵/۹٪
۱۳۵۵	۱۰۴۴۴	۵۵-۶۵	۸/۸٪
۱۳۶۵	۲۴۱۸۲	۶۵-۷۰	۳/۹٪
۱۳۷۰	۲۹۲۲۱	۷۰-۷۵	۲/۹٪
۱۳۷۵	۳۳۶۴۰	-	-

نیز با استقرار دانشگاه پیام نور تالش، هنرستان فنی و ساختمان هلال احمر در کنار جاده، عملاً محدوده‌ی شهر، مرکز دهستان طولارود را در نور دیده است.

ویژگی‌های بافت کنونی شهر و توسعه‌ی آینده آن

با تمرکز و تراکم شدیدتر کاربری‌های گوناگون در مجاورت خیابان اصلی و منطقه‌ی مرکزی و قدیمی شهر، گسترش فیزیکی سال‌های اخیر شهر به سمت بافت‌های حاشیه‌ای، و الحاق برخی از روستاها به شهر، عملاً دو بافت شهری متفاوت ایجاد شد. از منطقه‌ی مرکزی شهر به سمت شمال شرق و جنوب، از تراکم بافت شهری کاسته و به بافتی متخلخل، و در اراضی حاشیه‌ای به بافتی روستایی، تبدیل می‌شود که معمولاً واحدهای مسکونی در درون قطعات بزرگ کشاورزی و یا باغ‌ها ساخته شده‌اند، به طوری که ۵۰ درصد سطح کل شهر را در محدوده‌ی قانونی موجود، باغ‌ها و قطعات بزرگ کشاورزی تشکیل می‌دهند [طرح جامع و تفصیلی شهر هشتمین، ۱۳۷۵]. در نتیجه، گسترش افقی شهر بسیار بیش‌تر از رشد جمعیت است. در واقع، با ایجاد اراضی بایر و فضاهای خالی، زمینه برای جذب جمعیت و ساخت و سازهای جدید فراهم می‌آید. در حالی که توسعه‌ی عمودی و آبارتمان‌نشینی نیز در شهر شکل نگرفته است؛ به طوری که در سال ۱۳۷۳، از تعداد ۶۲۰۰ واحد مسکونی، ۵۷۲۰ واحد (۹۲/۳٪) یک

طبقه و ۴۴۰ واحد (۷/۱٪) دو طبقه و ۴۰ واحد (۰/۶٪) بیش از دو طبقه بودند. در همین سال، ۵۱/۳ درصد ساختمان‌ها بیش از ۱۰۰ متر زیربنا داشتند [پیشین].

نکته‌ی بسیار مهم در گسترش فیزیکی شهر این است که به ازای تخریب باغ‌ها، شالیزارها و جنگل‌های پیرامون شهر، هیچ نقش صنعتی، تولیدی، آموزشی و گردشگری بدان افزوده نشده و تنها بخش خدمات و خرده‌فروشی به طور بی‌رویه گسترش یافته است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۳، با داشتن ۲۴۸۰ واحد تجاری و خدماتی، برای هر سه خانوار یک واحد، و هر پنج خانوار یک خرده‌فروشی وجود داشت [پیشین]. البته به نظر می‌رسد، مسافران تابستانی و حوزه‌ی نفوذ شهر تا حدودی توجیه‌کننده‌ی رشد بخش خدمات است، اما به دلایل زیر نمی‌توان این توجیه را پذیرفت.

۱. شکل طولیل شهرستان تالش مانع از شکل‌گیری نظام خدمات رسانی فراگیر بر اساس سلسله مراتب اداری شهرستان شده است و مراکز خدماتی کوچک کنار جاده انزلی و آستارا، مانند اسالم، خلیفه آباد، جوکندان، لیسار، خطبه سرا، حویق و چوبر، از مراجعه‌ی مستقیم به هشتر کاسته‌اند [بازن، ۵۴۱].

۲. تبدیل بخش‌های رضوان شهر و ماسال به شهرستان در سال ۱۳۷۶، و ایجاد بخش‌های مستقل در اسالم و لیسار، از نقش اداری، سیاسی و خدماتی هشتر کاسته است.

۳. شکوفایی و رشد بندر انزلی و بندر مرزی آستارا از نظر اقتصادی [به خاطر بازارچه‌ی مرزی و منطقه‌ی آزاد تجاری]، آموزشی و گردشگری، همچنین گسترش شهرهای پره سر و رضوانشهر در فاصله‌ی بین هشتر و انزلی، مراجعه به هشتر را محدودتر ساخت؛ به طوری که حوزه‌ی نفوذ واقعی شهر به زحمت ۴۰ روستای پیرامون آن را پوشش می‌دهد.

۴. پیشروی آب دریای خزر در سال‌های ۷۰-۶۹ و به زیر آب رفتن سواحل زیبا و حاشیه‌ی جنگلی گردشگرپذیر آن، در کنار نبود امکانات و تسهیلات گردشگری در شهر، تأثیر حضور گردشگران را در بخش خدماتی شهر هنوز جدی‌نساخته است و تنها مسافران عازم بازارچه آستارا و آب معدنی اردبیل گاه در شهر توقفی می‌کنند.

نگاهی به طرح جامع شهر

هر چند که در طرح جامع شهر که در سال ۱۳۷۵ تدوین شد، هدف ساماندهی آبی شهر در محدوده‌ی کنونی پیش‌بینی شده و سعی گردیده است، از گسترش محدوده‌ی کنونی جلوگیری شود، اما الحاق برخی روستاهای مجاور به شهر در سال‌های اخیر، سبب پیدایش فضای خالی شد. تعیین کاربری برای این گونه اراضی و تأمین ساختارهای خدماتی مناطق الحاق شده به شهر ضروری است. در طرح جامع، ۲۷۰ هکتار

به کاربری‌های شهری اضافه شده که شامل: ۲۵ درصد مسکونی، ۲۵ درصد خدماتی، ۳۰/۵ درصد فضای سبز و پارک و ۱۹/۵ درصد شبکه‌های شهری است. در محدوده‌ی بافت شهری، افزایش تراکم برای استفاده‌ی بیش‌تر از ظرفیت‌های آن پیشنهاد شده است، اما در بخشی از بافت شهری که زمین دارای حرکت و جا به جایی بوده، افزایش تراکم توصیه نشده است. در ابتدای طرح جامع، شهر به هفت محله تقسیم شد که جمعیت کل آن ۳۸۳۵۰ نفر است [طرح جامع ...،

جدول ۲. مشخصات شهر هشتر در طرح جامع آینده‌ی شهر (افق ۱۳۹۵)

ناحیه	تعداد محله	تعداد جمعیت	تراکم ناخالص نفر-هکتار	تراکم خالص نفر-هکتار
یک	۶	۱۹۵۰۰	۸۰	۱۹۴
دو	۸	۲۵۵۰۰	۹۰	۲۰۴
سه	۲	۱۰۰۰۰	۶۴	۹۰
جمع	۱۶	۵۵۰۰۰	۷۰۵	۵۵۰۰۰

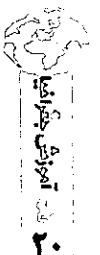
۱۳۷۵]. در انتهای دوره‌ی ۲۰ ساله (۱۳۹۵ ش، شهر از ۵۵۰۰۰۰ نفر جمعیت، ۷۰۵ هکتار وسعت، ۳ منطقه و ۱۶ محله به شرح جدول ۲ خواهد بود.

با نگاهی به نقشه‌ی توسعه‌ی شهر [نقشه‌های ۱ و ۲] و گسترش آینده‌ی آن در طرح جامع در می‌بایم که گسترش شهر به سوی فضاهای روستایی-کشاورزی و حتی جنگلی و کوهپایه‌ای پیرامون شهر ادامه خواهد یافت. علت تداوم این روند علاوه بر مهاجرت، اقدامات تعاونی‌های مسکن است که به موازات گسترش دیوانسالاری اداری، در صدد احداث شهرک کارمندان و یا واگذاری زمین در اراضی پیرامون شهر به کارمندان خود هستند. به هر حال، روندهای مکانی-زمانی موجود، توسعه‌ی آبی شهر را تا حدود زیادی به این شرح مشخص می‌سازد.

۱. در غرب: شهر نهایت توسعه‌ی خود را در داخل دره‌ی کرگانرود خواهد داشت؛ به طوری که اراضی کشاورزی روستای ریک تا دهانه‌ی سراگا [دهانه‌ی دره‌ای که محل پیوستن آخرین شاخه‌ی کرگانرود است]، در محدوده‌ی توسعه شهر قرار می‌گیرد.

۲. در جنوب شرقی: در امتداد جاده‌ی ساحل تکی و شرق جاده‌ی انزلی، شالیزارهای زیادی در محدوده‌ی بین روستاهای جولندان و طولارود به شهر ملحق خواهد شد؛ به گونه‌ای که در آینده‌ای نه چندان دور، در امتداد جاده‌ی انزلی، با الحاق اراضی اطراف دانشگاه پیام نور، هنرستان صنعتی و هلال احمر، محدوده‌ی شهر به بخش اسالم خواهد رسید و از سوی دیگر، در امتداد جاده‌ی دریا حرکت خواهد کرد.

۳. در شرق: که فضای یکدست و یکپارچه‌ای از شالیزارها به



عمق ۵ کیلومتر تا دریا کشیده است، بازترین عرصه برای گسترش شهر خواهد بود. به ویژه با عبور کمربندی شهر از این قسمت، جاده‌ی ترانزیتی آستارا و اردبیل به این سمت منتقل می‌شود که به افزایش قیمت زمین‌ها و به اصطلاح مرغوبیت آن‌ها از نظر کاربری مسکونی و تجاری منجر خواهد شد. بدین ترتیب، علاوه بر اراضی روستای سوره پشت، اراضی کشاورزی روستاهای بلوطه، حیاب و میانکوه نیز به بافت شهری افزوده خواهند شد و چه بسا که با در نظر دیدن تمام این محدوده، هشتمین به شهری ساحلی تبدیل شود.

۴. در شمال شرقی: در امتداد جاده‌ی منتهی به مصب گرکانرود، فضای خالی بین روستای سینکی و شهر در حال پر شدن است.

۵. منتهای شمالی: با پیوستن جاده‌ی کمربندی به ابتدای جاده‌ی آستارا، محدوده‌های پیرامون هتل جدید تالش و روستای تی تک، با ساخت و سازهای شهری پر می‌شود و محدوده‌ی شهر به روستای تره خواهد رسید.

نتیجه‌گیری

جلگه‌ی باریک تالش همچون سایر بخش‌های منطقه‌ی خزری از ظرفیت‌های زیست-محیطی منحصر به فردی در عرصه‌ی جغرافیایی ایران برخوردار است. اما گسترش شهر نشینی طی دهه‌های اخیر، عرصه‌های زیستی، کشاورزی، جنگل، کوهپایه و بستر رودخانه را به زیر ساخت و سازهای نامتناسب شهری برده است. رویش و گسترش شهر هشتمین نمونه‌ای قابل تعمیم برای تمام منطقه‌ی خزری است. این مکان نه چندان قدیمی، توسط حکومت محلی تالش، بر اثر حوادث جنگ دوم جهانی، احیا شد و با جذب مهاجران شهرستان‌های اطراف، گسترشی غالباً فیزیکی یافته و نقش شهر بیش از اندازه خدماتی است. در حالی که با توجه به موقعیت آن، نقش‌های متناسب‌تر و بهتری را می‌توان به هشتمین سپرد. در این جا باید به این پرسش برنامه‌ریزان شهری پاسخ بدهیم که رشد و گسترش شهر تا کجا؟ و به چه قیمتی؟ آیا تا جایی که عرصه‌های زیستی استثنایی شمال کشور تخریب شوند؟ یا به قیمت کاهش سطح زیر کشت برنج؟ مسلماً تا زمانی که اهمیت کشاورزی و محیط طبیعی منطقه خزری بخوبی درک نشود و ارزش و سود فعالیت‌های کشاورزی در برابر بورس بازی زمین شهری همچنان رنگ ببازد، امید به بهبود اوضاع نمی‌رود. به ویژه به خاطر بی‌آوردیم که صاحبان این اراضی از دهه‌ی ۱۳۴۰ برای توسعه‌ی کشاورزی و جامعه‌ی روستایی، از رهگذر اصلاحات ارضی مالک زمین شدند.

زیرنویس

۱. گرکانرود مهم‌ترین رودخانه‌ی منطقه‌ی تالش است و از میان شهر هشتمین می‌گذرد. وسعت حوضه‌ی آبریز آن ۵۲۲ کیلومتر مربع است که نام خود را به

بزرگترین بخش [بلوک] تالش داده است. ضمناً، بازار ساحلی مصب این رودخانه نیز گرکانرود نام گرفت و بالاخره امروزه طبق آخرین تقسیمات کشوری، گرکانرود تنها به بخشی در شمال شهرستان تالش به مرکزیت لیسار اطلاق می‌شود که خارج از حوضه‌ی آبریز رودخانه‌ی گرکانرود قرار دارد.

منابع

۱. امیر احمدیان، بهرام. تالش ولایتی تاریخی. فصل‌نامه‌ی تحقیقات تالش. شماره‌ی اول. پائیز ۱۳۸۰.
۲. بازن، مارسل. تالش منطقه‌ای قومی در شمال ایران. ترجمه‌ی مظفر امین فرشچیان. آستان قدس رضوی. مشهد.
۳. خودزکو، الکساندر. سرزمین گیلان. ترجمه‌ی سیروس سهامی. انتشارات پیام. ۱۳۵۷.
۴. رایبونی، ه. ل. ولایات دارالمرزایران. گیلان. ترجمه‌ی جعفر خماسی زاده. طاعتی. رشت. ۱۳۵۷.
۵. رهنمایی، محمد تقی. کجایی تالش. فصل‌نامه‌ی تحقیقات تالش. شماره‌ی اول. پائیز ۱۳۸۰.
۶. رهنمایی، محمد تقی. مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی (۴). جغرافیا.
۷. زنجانی، حبیب اله و امانی، مسعود. تقویم تاریخی دموگرافیک ایران. ج ۱.
۸. زنجانی، حبیب اله. مجموعه‌ی مباحث و روش‌های شهرسازی. جمعیت. ۱۳۶۹.
۹. زنجانی، حبیب اله. مجموعه‌ی مباحث و روش‌های شهرسازی (۱). جمعیت. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری. ۱۳۷۰.
۱۰. زنجانی، حبیب اله. جمعیت و شهرنشینی در ایران. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. ۱۳۷۱.
۱۱. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۳۵. وزارت کشور. شماره‌ی ۱۰۵. شهرستان تالش.
۱۲. سرشماری عمومی نفوس و مسکن، آبان ماه ۱۳۴۵. مرکز آمار ایران. شهرستان طالش.
۱۳. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵. مرکز آمار ایران. شهرستان تالش.
۱۴. سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۰. مرکز آمار ایران. شهرستان تالش.
۱۵. سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵. مرکز آمار ایران. شهرستان تالش.
۱۶. سعیدی، عباس. مبانی جغرافیای روستایی. ست. ۱۳۷۶.
۱۷. سوداگر، محمدرضا. رشد روابط سرمایه داری در ایران؛ مرحله‌ی گسترش. شعله‌ی اندیشه. ۱۳۶۹.
۱۸. صلاح عربانی، ابراهیم. گیلان در تقسیمات کشوری، کتاب گیلان. ج ۱، گروه پژوهشگران ایران، وزارت ارشاد. ۱۳۷۲.
۱۹. طرح جامع و تفصیلی شهر هشتمین. وزارت مسکن و شهرسازی. ۱۳۷۵.
۲۰. گنجی، محمد حسن. آب و هوای گیلان در کتاب گیلان. ج ۱. به کوشش اصلاح عربانی و دیگران. وزارت ارشاد. ۱۳۷۲.
۲۱. گزارش مقدماتی نفوس و مسکن ۱۳۵۵. مرکز آمار ایران. شهرستان طالش.
۲۲. مرعشی، سیدظهورالدین. تاریخ گیلان و دیلمستان. به تصحیح منوچهر ستوده مؤسسه اطلاعات. ۱۳۶۴.
۲۳. مساحت و مختصات جغرافیایی شهرهای کشور. مرکز آمار ایران. ۱۳۶۴.
۲۴. مؤسسه‌ی مطالعه و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران. وقایع سال ۱۲۹۷.
۲۵. نظری، علی اصغر. جغرافیای جمعیت ایران. گیتاشناسی. تهران. ۱۳۶۸.
۲۶. فرهنگ جغرافیایی ایران. ج ۲. استان یکم. ستاد ارتش. ۱۳۲۸.

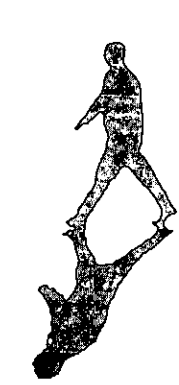




بررسی علت‌های مهاجرت مردم از شهر دارابگرد

به مکان فعلی شهر داراب از دیدگاه ژئومورفولوژی

دکتر اصغر ضرابی
دانشیار گروه - جغرافیا، دانشگاه اصفهان
صمد فتوحی
دانشجوی دکتری جغرافیا، گرایش ژئومورفولوژی، دانشگاه اصفهان



چکیده

به وجود آمدن شهرها و علت‌های رشد و توسعه‌ی آن‌ها در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، متفاوت است. شهر مکانی است که به اقتضای توپوگرافی محل، به اشغال انسان‌ها درمی‌آید. در انتخاب مکان جغرافیایی شهر، شرایط زمانی، تاریخی و امکانات تکنیکی، نقشی به سزا دارند. ژان باستیه، در مکانیابی شهر، بیش‌تر به عامل‌های طبیعی مکان می‌اندیشد. زمانی، نقش دفاعی شهر، با ساختن آن روی ارتفاعات منفرد، کف دشت‌ها، بر پوزه‌ی تخته‌سنگ‌ها، بر جزیره‌های ساحلی و یا کناره‌ی خلیجی، محقق می‌شد. در مناطق خشک و نیمه خشک، آب یکی از عامل‌های ارزشمند در مکانیابی شهر به حساب می‌آید. چه بسا مکان جغرافیایی شهر، به هنگام انتخاب، برای انسان‌ها ارزش خاصی داشته است، اما پس از آن‌که شهر نقش و وظیفه‌ی خود را به سبب عامل‌هایی تغییر داده، مکان جغرافیایی سابق نیز از درجه‌ی اعتبار افتاده و شهر به مکان دیگری جابه‌جا شده است. یکی از ویژگی‌های شهر، این است که مکان‌هایی با جمعیت کم‌تر در اطراف خود به وجود می‌آورد و ممکن است، آن مکان‌ها در طول تاریخ، به دلیل افول قدرت در مکان اولیه‌ی شهر شروع به رشد کنند و به تدریج، مکان اولیه تخلیه، و مکان‌های حاشیه‌ی آن، به دلیل داشتن امتیازات طبیعی، اقتصادی، نظامی و یا دیگر امتیازات، مهم شوند [فرید، ۱۳۶۸: ۵۴-۵۱].

در این مقاله سعی شده است، علت‌های جابه‌جایی و مهاجرت مردم از شهر قدیمی «دارابگرد» به مکان فعلی، از دیدگاه ژئومورفولوژی، مورد بررسی قرار گیرند و مزیت‌های ژئومورفولوژیکی مکان فعلی شهر داراب روشن شوند.

کلید واژه‌ها: ژئومورفولوژی، دارابگرد، خندق، دولومیت، تشکیلات تبخیری، پدولوژیک، هیدرولوژیک، تشکیلات آهکی، جهرم، سازند ساچون، سازند رازک، اراضی طغیانی.

اشاره

در شهرستان داراب، آثاری از شهری قدیمی دیده می‌شوند که در کتاب‌های گوناگون تاریخی، به نام «دارابگرد» و یا «دارابگرد» معرفی شده است. این شهر از نظر موقعیت، در پنج کیلومتری جنوب شهر فعلی داراب، قرار گرفته است [اداره‌ی جغرافیایی ارتش، ۱۳۶۷، ج ۱۱۳: ۲۶-۲۵].

دارابگرد را دارا بنا کرده و از این رو او را دارابگرد گویند؛ یعنی که «داراگرد». در حوالی آن، سوری نو ساخته هست، مانند سور شهر «جور» و نیز خندقی کرده‌اند که آب چشمه و آنچه از حوالی و نواحی و اطراف آن شهر، از زمین می‌تراود، در آن خندق می‌افتد. و در میانه‌ی آن خندق، گیاه‌های خشک هست. اگر آدمی یا چهارپایی در میانه‌ی آن آب رود، چون آن گیاه او را معارض شود و مشاهده افتد، البته میسر نشود و ممکن نباشد، و از آن جا به سلامت به کنار بیرون نتواند آمد، مگر به سختی و مشقت و رنج صعوبت. این شهر، توسط داراب این بهمن ابن اسفندیار، میان سال‌های ۳۳۶ تا ۳۳۰ ق. م ساخته شد و اردشیر بابکان میان ۲۲۰ تا ۲۲۴ میلادی بر دارابگرد فرمانروایی کرد. طرح و نقشه‌ی دارابگرد، از اصول شهرسازی قدیم آسیای غربی اقتباس شد، و نقشه و طرح اردوگاه‌های نظامی در ارتش آشوری را به خاطر می‌آورد [سعیدیان، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۱۱].



شهر دارای سه قسمت «کهندژ»، «شارستان» و «ریض» است. کهندژ، روی قلعه‌ای منفرد که سر از دشت برآورده ساخته شده است. شارستان و ریض علاوه بر خندق، دارای حصار و برج‌هایی نیز بوده‌اند که اکنون خرابه‌های آن‌ها به صورت توده‌ای از گل، در حاشیه‌ی خندق دیده می‌شوند. شهر فعلی داراب، در ۵ کیلومتری شمال شهر قدیمی دارابگرد و در دامنه‌ی کوه «نورو» ساخته شده است. ارتفاع متوسط شهر از سطح دریا ۱۱۲۰ متر و در طول جغرافیایی ۵۴ درجه و ۳۳ دقیقه و عرض جغرافیایی ۲۸ درجه و ۴۵ دقیقه قرار گرفته است. رود «رودبال» از ۵ کیلومتری شهر داراب می‌گذرد. سپس وارد استان هرمزگان می‌شود و با رود «کل» به خلیج فارس می‌ریزد.

میان سال‌های ۴۴۰-۴۴۸ق، عده‌ای از مردم دارابگرد این شهر را ترک کردند و در جنب «آتشکده‌ی آذرخش»، شهر دیگری به نام «جنت» ساختند، تا این‌که در سال ۷۸۶ق به محل کنونی داراب کوچیدند و شهر داراب فعلی را بنا کردند [سعیدیان، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۱۱]. در این مهاجرت و ترک دارابگرد، رفتن به شهر جنت و پس از تقریباً ۳۳۸ سال اقامت در آن

شهر، بازگشت به مکان فعلی داراب، نکات مبهمی وجود دارد.

در هیچ منبع تاریخی دلیل صریح و روشن این مهاجرت مشخص نیست و ما هیچ سند و مدرک تاریخی نداریم که به طور مشخص، علت‌های از بین رفتن شهر دارابگرد را نمایان کرده باشد و ذکر کند که مردم شهر دارابگرد به شهر جنت نقل مکان کرده و سپس

به مکان فعلی داراب آمده‌اند. احتمال این نیز وجود دارد که مردم شهر دارابگرد، مستقیماً به مکان فعلی آمده باشند.

در این مقاله سعی شده است، دلایل مهاجرت مردم شهر دارابگرد به مکان فعلی (شهر داراب) از دیدگاه ژئومورفولوژی بررسی شود. در این راستا، از نقشه‌های توپوگرافی با مقیاس ۱/۵۰۰۰۰، نقشه‌ی ژئومورفولوژی تهیه شد و با توجه به نقشه‌ی ژئومورفولوژی و نقشه‌ی زمین‌شناسی داراب و با استفاده از نرم‌افزار «Surfer»، نقشه‌ی سه‌بعدی داراب تهیه گردید. سپس به بررسی علت‌های جذب جمعیت مکان فعلی داراب و تخلیه‌ی شهر دارابگرد از دیدگاه ژئومورفولوژی پرداخته شد.

بحث

ابتدا لازم است، به توصیف شهر دارابگرد از دیدگاه بعضی از تاریخ‌نویسان پردازیم تا بتوانیم، از لابه‌لای متن‌های تاریخی، بعضی از ویژگی‌های ژئومورفولوژی دارابگرد را استخراج کنیم. سپس آن را

با توجه به نقشه‌ی ژئومورفولوژی تهیه شده و نقشه‌ی زمین‌شناسی، محک می‌زنیم و صحت و سقم آن را نیز مشخص می‌کنیم.

این بلخ‌ی درباره‌ی این شهر می‌گوید: «دار این بهمن بنا کرده است. شهری است مدور چنان‌که به پرگار کرده‌اند و حصاری محکم در میان شهر و خندقی کی به آب معین برده‌اند و چهار دروازه بدین حصار است و اکنون شهر خراب است و هیچ نمانده است، جز این دیوار و خندق. این شهر را حصاری است جدید و آباد، چون حصار «جور» و خندقی نیز دارد که به سبب زهاب‌ها و چشمه‌های متعدد، آب‌های فراوان در آن گرد آید» [رستگار فسایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۰۹].

اصطخری نیز شهر را این‌گونه توصیف کرده است: «حصار جدیدی که بسیار خوب مانده است، شهر را احاطه کرده که به حصار جور می‌ماند. از آن گذشته، دور آن خندقی است که آب‌های موجود در قشر زمین و آب چشمه‌ها آن را پر می‌کند. در آب گیاهانی است که به محض این‌که آدم یا اسبی وارد آن شود، به دور آن می‌پیچد. بنابراین گذشته از آب کاری عملی نیست و فقط با تلاش زیاد امکان این هست که آدم جان خود را نجات

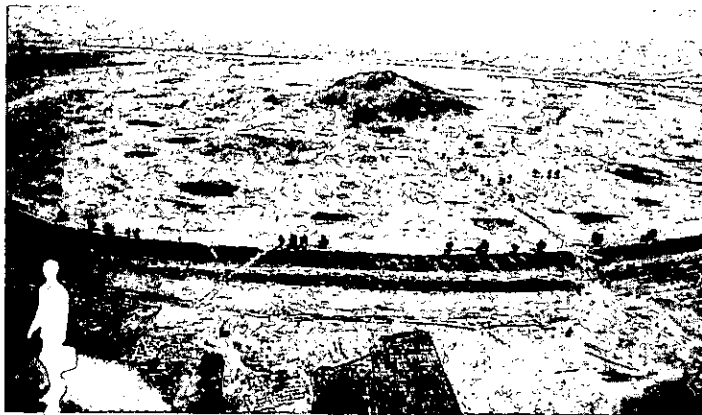
دهد. شهر چهار دروازه دارد. در وسط آن کوهی است سنگی، به صورت یک گنبد که هیچ ارتباطی با سایر رشته‌کوه‌ها ندارد. مردم خانه‌های خود را از گل می‌سازند و در زمان ما از بناهای فارسیان (قدیم) چیز زیادی نمانده است. آب را کد خندق دور این قلعه، گویا به بهداشت شهر سخت زیان می‌رسانده است. اصطخری

دارابگرد را ناسالم‌ترین شهر منطقه‌ی گرمسیری می‌داند و آب دارابگرد را نیز بدترین آب موجود در فارس می‌شمرد» [شواتس، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۳۱-۱۳۰].

این حوقل در مورد شهر دارابگرد می‌گوید: «دارابجرد به معنی دارابگرد است و آن شهری است دارای بارو و خندق. از زمینش آب جوشد و در آن گیاهی است که به شناگر پیچد، چنان‌که موجب غرقه شدن گردد» [سعیدیان، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۵۴].

در کتاب «آثار العجم»، نوشته‌ی فرصت‌الدوله‌ی شیرازی در توصیف شهر می‌آید: «در وسط حقیقی این جلگه، قلعه‌ی کوهی واقع شده که در آن غار و شکفت‌های خیلی عمیق است و چاه آب نیز در آن کوه حفر نموده‌اند [فرصت شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۵۴].

در آغاز قرن ششم، قسمت عمده‌ی شهر دارابگرد، به قول فارسنامه‌ی ابن بلخی خراب شد، اما قلعه‌ی مستحکمی که در وسط شهر بود، باقی ماند. پیرامون شهر چمنزارهایی معروف به مرغزار

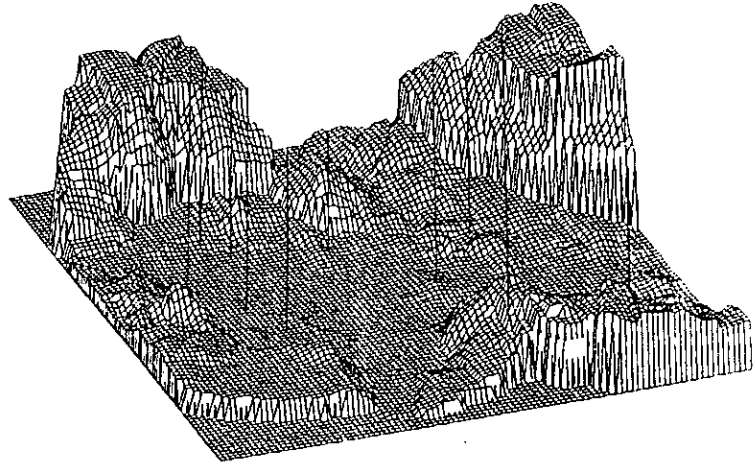


تصویر ۱. شهر تاریخی دارابگرد

دارابگرد بود و در نزدیکی آن کوهی بود از نمک به هفت رنگ که از آن جا نمک می آوردند [لسترنج، ۱۳۷۷. ج ۱: ۳۱۰].

موقعیت جغرافیایی شهر دارابگرد در دشت داراب، در نقشه‌ی سه بعدی شماره ۱ دیده می شود.

اکنون از این شهر قدیمی، به جز آثار خندق، حصار اطراف آن، بناهای تخریب شده و مقداری سفال شکسته، چیزی دیده نمی شود.



نقشه‌ی ۱. نقشه‌ی سه بعدی داراب

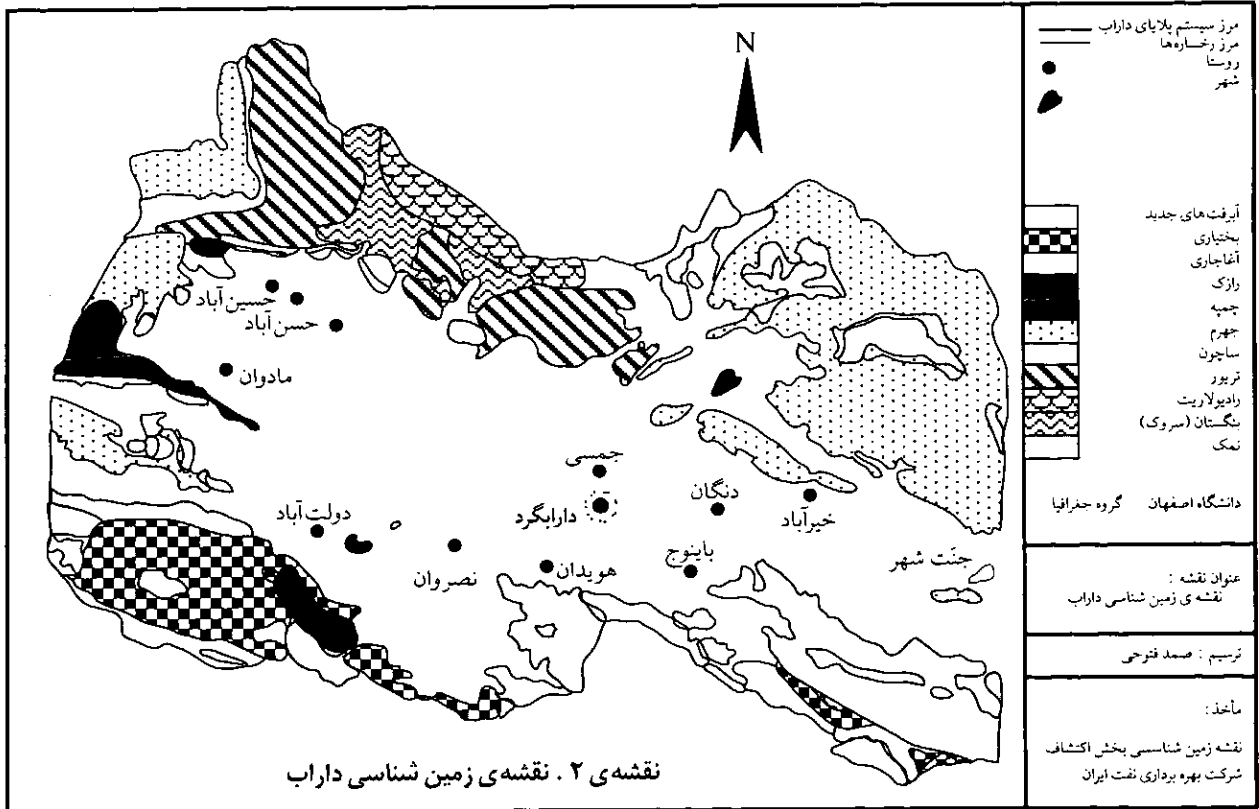
این شهر قدیمی، در دشت همواری ساخته شده که کوهی به صورت منفرد از آن سر بر آورده است. برای حفاظت از شهر مجبور به کندن

خندقی در اطراف آن شده اند. این ارتفاع منفرد، دو قله دارد که ارتفاع قله‌ی بلندتر از پایه‌ی آن حدود ۵۰ متر است و آثار بنا و ساختمان روی آن دیده می شود. در حقیقت این قسمت، کهندژ یا ارگ را تشکیل می دهد که به وسیله‌ی حصار از شارستان جدا می شده است. همان طور که در نقشه‌ی زمین شناسی دیده می شود، کوه منفرد در وسط شهر دارابگرد، از جنس «دولومیت های» سیاه رنگ و بدبوست و از تشکیلات تبخیری، پدید آمده است.

این تشکیلات تبخیری فاقد آبخوان هستند و یا آبخوان هایی با کیفیت بسیار بد را به وجود می آورند که قابل استفاده برای شرب نیستند. وجود لایه‌ی رسی دریاچه‌ای در نزدیکی سطح زمین باعث شده است، آب سفره‌ی آب زیرزمینی، بسیار بالا باشد، به طوری که آب خندق اطراف شهر دارابگرد به صورت خودجوش، از آب های زیرزمینی بوده است. در نتیجه اگر می خواستند با استفاده از حفر چاه و از داخل شهر، آب شرب خود را تأمین کنند، با کیفیت بد آب مواجه می شدند، چون با سازند زمین شناسی دولومیت و تشکیلات تبخیری روبه رو بوده اند که مقدار آب آن بسیار کم و کیفیت آن بد است.

استفاده از آب خندق نیز به دلیل بالا بودن سطح آب زیرزمینی و راکد بودن در درون خندق، از کیفیت بدی برخوردار بود و گذشته از آن، چون خندق خارج از حصار و برج ها قرار داشته است، در مواقعی که شهر محاصره می شده، امکان استفاده از آب خندق وجود نداشته است.

فقط از دو طریق می توانستند آب مورد نیاز برای شرب خود را تأمین کنند: یا مانند آنچه در ارگ بم دیده می شد، یعنی از طریق جمع آوری



مرز بیستم پلایای داراب
مرز رخصاوه ها
روستا
شهر

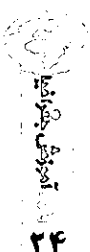
آبرفت های جدید
بختیاری
آغاچاری
رازک
چمبه
سناچون
تریور
رادیلاریت
بنگستان (سروک)
نمک

دانشگاه اصفهان گروه جغرافیا

عنوان نقشه :
نقشه‌ی زمین شناسی داراب

ترسیم : همد فتحی

مأخذ:
نقشه زمین شناسی بخش اکتشاف
شرکت بهره برداری نفت ایران



آب باران از پشت بام خانه‌ها و هدایت آن به داخل منبعی درون زمین که باز هم در سال‌های خشک، به علت کمبود آب دچار مشکل می‌شدند، و یا انتقال آب از چشمه‌ها و قنات‌ها به داخل شهر که به نظر می‌رسد، چون منبع تأمین آب به خارج از شهر انتقال می‌یافته، در هنگام محاصره و قطع آب، شهر سقوط می‌کرده است. شیب زمین از دارابگرد به طرف مخروط افکنه‌ی رودبال بسیار ناچیز و حدود ۴/۰ درصد است و امکان حفر قنات با شیب بسیار کم، به طوری که مظهر قنات در داخل شهر دارابگرد باشد؛ وجود نداشته باشد.

گفته شد که نقشه‌ی شهر و طرح آن که به صورت دایره است، برای شهرها سابقه‌ی تاریخی دارد. در ایران دوره‌ی پارتیان و ساسانیان، طرح دایره‌شکلی برای شهرها معمول بود که مکان‌های مهم حکومتی و کاخ‌ها را در مرکز خود داشت و سپس فضاها را مسکونی، حلقه‌وار بر گرد مرکز قرار می‌گرفتند. این شهرها جنبه‌ی دفاعی داشته‌اند و دلیل مهم ساخت چنین شهرهایی، نبود امنیت کافی در منطقه بوده است [فرید، ۱۳۶۸، ج ۱: ۹۹].

عامل نبود امنیت کافی، وجود کوه منفرد وسط شهر که می‌توانسته به صورت دژی تسخیرناپذیر درآید و علاوه بر آن، خندق دور شهر که می‌توانست سایر عوامل طبیعی را تحت تأثیر خود قرار دهد، در مجموع عواملی بودند که شهر دارابگرد را به وجود آوردند. پس از آن که نقش و وظیفه‌ی شهر تغییر پیدا کرد، مکان جغرافیایی سابق از درجه‌ی اعتبار افتاد و شهر به مکان دیگری که مکان فعلی داراب است، منتقل شد. تاریخ دقیق این انتقال، به درستی روشن نیست.

اصطخری، فسا را بزرگ‌ترین شهر کوره‌ی دارابگرد دانسته است و پس از اصطخری، ابن بلخی در اوایل قرن ششم، دارابگرد را خراب توصیف کرده است و معلوم می‌شود که از همان قرن چهارم هجری و در زمان اصطخری، دارابگرد راه انحطاط را پیموده است [نهجیری، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۵۹]. از کتاب‌های تاریخی، این گونه برداشت می‌شود که در اثر ناامنی، چپاول، غارتگری، جنگ و خونریزی و شیوع بیماری‌های گوناگون، مردم شهر دارابگرد مکان خود را ترک، به شهر جنت و سپس به مکان فعلی (شهر داراب) نقل مکان کردند. در حالی که اگر ناامنی و چپاول و غارتگری و جنگ و خونریزی عامل انتقال بوده، هیچ مکانی، چنین موقعیت مستحکمی برای دفاع نداشته است. وجود قلعه‌ی وسط شهر و برج‌های دیده‌بانی، خندق اطراف آن، دیوارها و حصارهای بین خندق و شهر، دشت صاف و هموار و بدون عارضه‌ی اطراف خندق که کار را بر دشمن دشوار می‌کرده است، بهترین موقعیت دفاعی را به شهر بخشیده بوده، در حالی که مکان دوم (شهر جنت)، و مکان فعلی، هر دو از موقعیت دفاعی ضعیفی برخوردار بودند.

در جابه‌جایی مردم شهر دارابگرد از مکان اولیه به شهر جنت، هیچ منبع و سند تاریخی معتبری وجود ندارد که به طور روشن ذکر کند، مردم شهر دارابگرد، پس از مهاجرت از آن شهر، به شهر جنت نقل مکان کردند. اطلاعات در مورد این مکان بسیار ناچیز است و کتاب

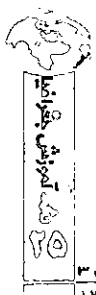
«شهر من داراب»، مکان شهر جنت را جنب آتشکده‌ی آذرخش ذکر کرده [آزما، ۱۳۷۱، ج ۱: ۹۵] که در نقشه‌ی ژئومورفولوژی مشخص شده است. ولی به هر حال، موقعیت دفاعی این دو مکان با مکان اولیه‌ی شهر دارابگرد قابل مقایسه نیست؛ زیرا موقعیت دفاعی مکان اولیه، بسیار قوی بوده است.

یکی از ویژگی‌های هر شهری، ایجاد مکان‌هایی با جمعیت کم‌تر در اطراف خود است. امکان دارد در طول تاریخ، به دلیل ضعیف شدن نقش شهر در مکان اولیه، مکان‌های با جمعیت کم‌تر اما با ویژگی‌های طبیعی و اقتصادی بهتر، شروع به رشد کنند و تبدیل به شهر شوند. مکان فعلی داراب، همین وضعیت را نسبت به شهر دارابگرد داشته است و یک سلسله ویژگی‌های طبیعی، عامل جذب جمعیت به این مکان شده‌اند؛ همان طوری که در نقشه‌ی ژئومورفولوژی دیده می‌شود.




















شهر فعلی در محل تلاقی دو مخروط افکنه، یکی مخروط افکنه‌ی «تنگ کتویه» و دیگری مخروط افکنه‌ی یکی از شاخه‌های رودبال قرار گرفته است. در مناطق خشک، مخروط افکنه‌ها مطمئن‌ترین منابع آب را تشکیل می‌دهند. ساختار مخروط افکنه‌ها بدین صورت است که در قسمت‌های رأس خود، رسوبات درشت‌دانه و نفوذپذیر را تشکیل می‌دهند و به تدریج به طرف قاعده‌ی آن، رسوبات ریزدانه‌تر و بالاخره در پیشانی مخروط افکنه، رسوبات بسیار ریزدانه می‌شوند و همانند سدی خاکی، آب نفوذیافته در قسمت‌های بالای مخروط افکنه را نگه می‌دارند. درحقیقت، مخروط افکنه‌های مخزن‌های بزرگ آب زیرزمینی را در مناطق خشک به وجود می‌آورند. در این صورت، هرگاه کارشناس منابع آب زیرزمینی بخواهد در منطقه‌ای ناشناخته محل حفر چاهی را معین کند، مطمئن‌ترین جا برای او مخروط افکنه‌ها هستند [ولایتی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۹۷].

آب موجود در مخروط افکنه‌ها، هم از دسترس تبخیر محفوظ هستند و هم در معرض آلودگی قرار نمی‌گیرند. گذشته از منابع آب غنی، خاک مخروط افکنه‌ها، به خاطر این که به وسیله‌ی سیلاب‌ها آورده شده‌اند و رسوبات سیلابی هستند، بسیار حاصل‌خیزند و درحقیقت، نشستگاه شهر، به وسیله‌ی عوامل پدولوژیک^۲، ژئومورفولوژیک^۱، و هیدرولوژیک^۳ به هم پیوند خورده است.

کیفیت آب رودها از قسمت سرچشمه، جایی که از برف تغذیه می‌کند و یا از طریق چشمه‌ها غنی می‌شود، به طرف پائین رود تغییر می‌یابد. عبور رودخانه از سازندهای شور و سازندهایی که مواد قابل انحلال در آب داشته باشند، باعث بد شدن کیفیت آب می‌شود. یکی از رودهای مهم شهرستان داراب، رویال است. این رودخانه از دو چشمه‌ی «هشیرود» و «پنهاوه» تغذیه می‌کند و مسیری حدود ۷۰ کیلومتر را در داخل کوهستان می‌پیماید و از پنج کیلومتری شهر فعلی داراب، وارد دشت داراب می‌شود. اختلاف ارتفاع این رودخانه از بلندترین نقطه تا محل ورود به دشت، نزدیک به ۱۳۰۰ متر است. آب آن نیز قبل از ورود به دشت کیفیت خوبی دارد، ولی وجود تشکیلات شور و



راهنما

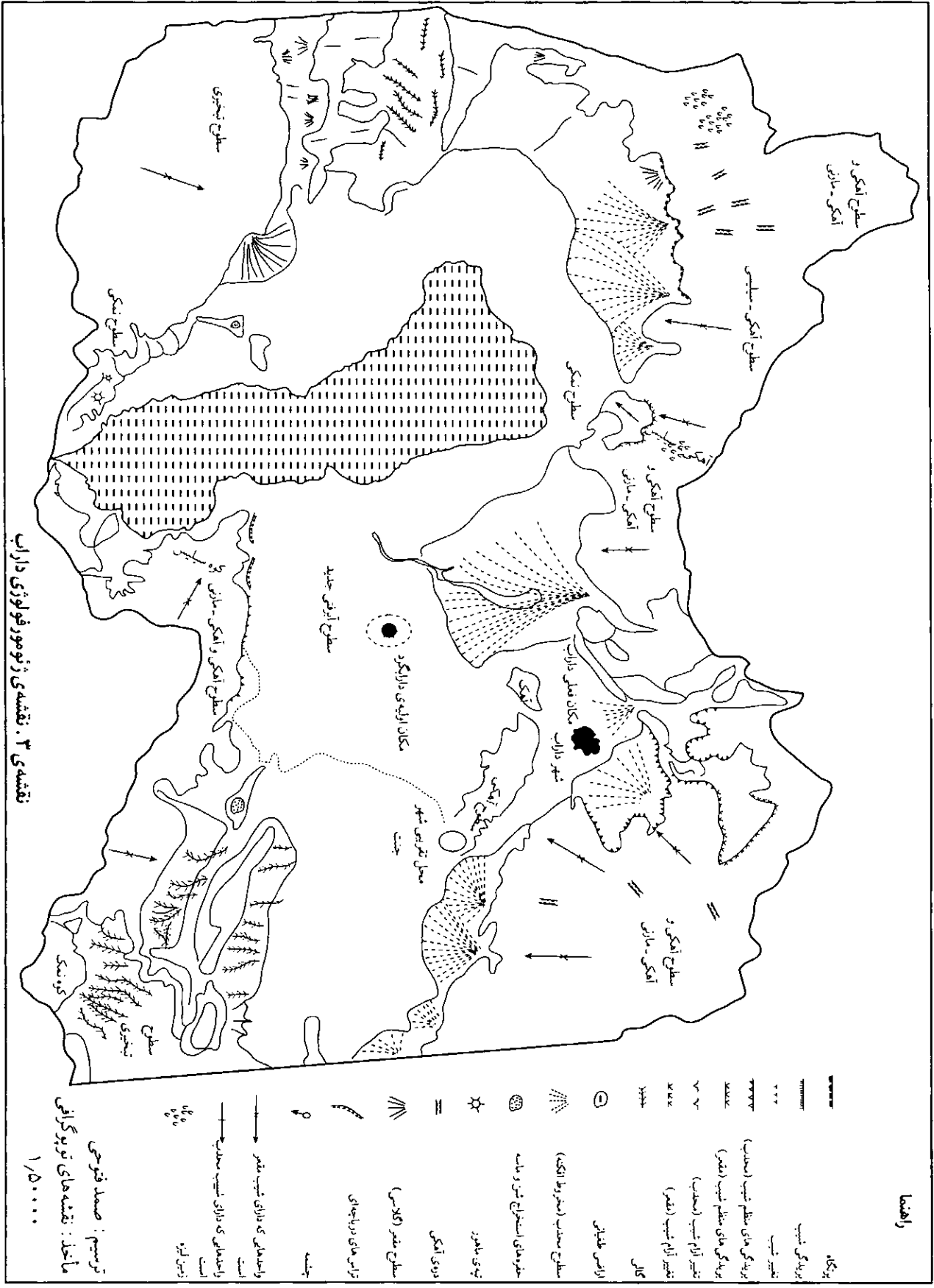
-  پرگار
-  پرده‌گی شیب
-  شیب شیب
-  ژبرده‌گی های منظم شیب (محدب)
-  ژبرده‌گی های منظم شیب (مفرق)
-  شیب آرام شیب (محدب)
-  شیب آرام شیب (مفرق)
-  گال
-  رازسی طیارسی
-  سطح محدب (مفرق و افکن)
-  خطوطی استخراج شیب و دانه
-  تپه یا مورز
-  دری آفگی
-  سطح منفر (افکن)
-  ترازی های دریاچه‌ای
-  چشمه
-  واسطی که دارای شیب منفر است
-  واسطی که دارای شیب محدودیت است
-  زمین آبرو

ترسیم : صمد قوسی

مآخذ : نقشه های توپوگرافی

۱/۵۰۰۰۰

نقشه‌ی ۳ . نقشه‌ی ژئومورفولوژی داراب



رسوبات ریز دریاچه‌ای کف دشت باعث می‌شود، املاح قابل حل در آب افزایش یابد و کیفیت آب را تغییر دهد.

شهر فعلی داراب در محلی واقع شده است که بتواند، از آب رودبال بهترین استفاده را بکند؛ یعنی محل تلاقی کوهستان و دشت، جایی که هنوز کیفیت آب تغییر نکرده است. در کشورهای خشک و نیمه خشک مانند ایران، در گذشته نیز همچون امروز، آب کمیاب بود. از سوی دیگر، تنها کشوری می‌توانست بر چنین مشکلی فایز آید و بر منابع عظیم زیرزمینی دست یازد که شرایط زمین‌شناسی-ژئومورفولوژی و تکنیک برای آن مهیا بود؛ تمام آن شرایط در ایران بیش از هزار سال پیش فراهم بوده است. به همین دلیل، ایرانیان قدیم مبتکر قنات شدند و فن آن را از این کشور به کشورهای دیگر منتقل کردند [ولایتی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۸۱]. شرایط طبیعی مناسب برای حفر قنات عبارتند از: شرایط اقلیمی، هیدروژئولوژیکی (زمین‌شناسی) و توپوگرافیکی (شکل ظاهری زمین) که هر سه، در مکان فعلی شهر داراب فراهم بوده‌اند [گوبلو، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۲].

وجود آب زیرزمینی در مخروط افکنه‌ی رودبال، به خاطر رسوبات درشت‌دانه‌ی آن است که آب را به راحتی در خود نفوذ می‌دهند. تغذیه‌ی این مخروط افکنه، هم از طریق رودخانه‌ی رودبال و هم از طریق نزولات جوی انجام می‌شود. آمار متوسط ۲۸ ساله‌ی بارش از ۱۱ ایستگاه موجود در منطقه نشان می‌دهد که بیش‌ترین مقدار بارش متعلق به ایستگاهی است که در رأس

این مخروط افکنه قرار گرفته و به نام ایستگاه «گوزون» معروف است. توده‌های هوای مرطوب، به محض برخورد با جبهه‌ی کوهستانی، بیش‌ترین میزان بارش را فرمی‌ریزند و این برخورد، در محل تلاقی دشت و کوهستان انجام می‌گیرد [فتوحی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰۱]. شرایط توپوگرافی مخروط افکنه نیز برای حفر قنات مناسب بوده و شیب ۱/۵ درصدی مخروط افکنه، اجازه‌ی استخراج آب را از آب‌های زیرزمینی به وسیله‌ی حفر قنات فراهم کرده است. به همین خاطر، سه رشته قنات در این مخروط افکنه حفر شده‌اند که مظهر آن‌ها، در مکان فعلی شهر داراب بوده است.

۱. قنات اکبرآباد: مظهر این قنات که از کوه‌های ایجاب تا شهر داراب کشیده شده، در مکان فعلی شهر داراب بوده و در حال حاضر نیز مخروطه است.

۲. قنات معین‌آباد: از «تنگ شهباز» واقع در رودبال تا شهر کشیده شده، مظهر آن در محل کنونی شهر داراب بوده و باغ‌هایی را آبیاری

می‌کرده است.

۳. قنات خیرآباد: این قنات از تنگ رودبال تا شهر داراب کشیده شده و از آب این قنات برای به حرکت درآوردن آسیاب آبی «خیرآباد» استفاده می‌شده است [آزما، ۱۳۷۱، ج ۱: ۹۵].

علاوه بر قنات‌های حفر شده در مخروط افکنه‌ی رودبال، در محل تنگ کتویه، در شمال شرقی شهر داراب در کوه نورو، یک چشمه‌ی گسلی دیده می‌شود که در مسیر خود ۱۵ آسیاب آبی را به گردش درمی‌آورده و سرانجام در محل کنونی شهر داراب، به مصرف شرب و آبیاری باغ‌های شهر می‌رسیده است. در حال حاضر، آب این چشمه به مصرف شرب و آبیاری باغ‌های روستای تنگ کتویه می‌رسد.

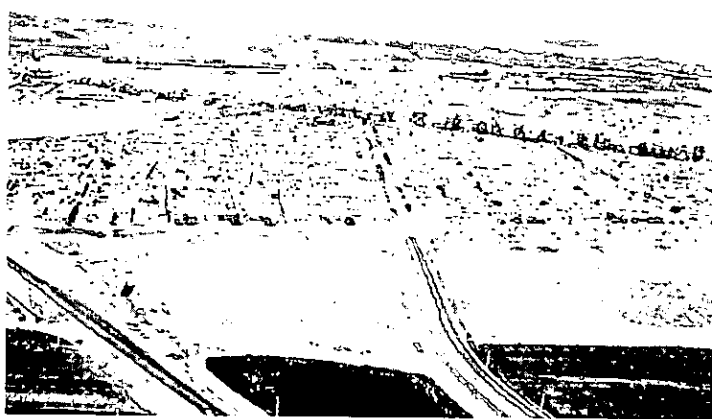
یکی دیگر از ویژگی‌های محل فعلی داراب، قرار گرفتن در کنار تشکیلات آهکی جهرم است (نقشه‌ی ۳). قاعده‌ی این سازند از دولومیت‌های توده‌ای قهوه‌ای‌رنگ، سپس دولومیت دانه متوسط و در بالا آهک دولومیتی با میکروفسیل‌ها، تشکیل شده است [خسروتهرانی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۹۵-۲۹۴]. این سازند، با سازند «ساجون» هم شیب

و با سازند «رازک» حالت دگرشیبی دارند [درویش‌زاده، ۱۳۷۰، ج ۱: ۶۵۲]. توان کارستی شدن این سازند، از سایر سازندهایی که شهرستان داراب را دربرگرفته‌اند، بیش‌تر است و آب‌خوان آهکی آن نیز اهمیت ویژه‌ای دارد.

مکان فعلی شهر داراب در نقطه‌ی تماس بین دو ناحیه‌ی مورفولوژیکی، یعنی کوهستان و دشت، و دو ناحیه‌ی پدولوژیکی، یعنی خاک‌های

حاصلخیز مخروط افکنه‌ای و خاک‌های رسی دریاچه‌ای کف دشت قرار گرفته است. انتخاب چنین موقع جغرافیایی به منظور انجام مبادلات تولیدات متنوعی است که از دو ناحیه‌ی گوناگون به آن شهر می‌رسد و دوام حیات اقتصادی آن را سبب می‌شود. این مکان برای ساکنان آن موقعیتی را فراهم می‌آورده است، بتوانند روی خاک‌های ریزبافت رسی دریاچه‌ای، غلات به عمل آورند و در خاک‌های درشت‌بافت و مرتفع کوهستانی، گردو، بادام، انجیر و انگور کشت کنند.

لسترنج در کتاب «جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی» در مورد داراب می‌گوید: «در آغاز قرن ششم، قسمت عمده‌ی شهر دارابگرد، به قول فارس‌نامه‌ای آن بلخی خراب شد، اما قلعه‌ی مستحکمی که در وسط شهر بود، باقی ماند. پیرامون شهر چمنزارهایی بود معروف به مرغزار دارابگرد و در نزدیکی آن، کوهی بود از نمک به هفت رنگ که از آنجا نمک می‌آوردند.» [لسترنج، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۱۰]. از مطالب ذکر شده توسط لسترنج نتیجه می‌گیریم، آب‌های



تصویر ۲. مکان فعلی شهر داراب

زیرزمینی دشت داراب بسیار بالا بوده و حالت «پلایایی» داشته‌اند؛ یعنی در فصل‌های سرد آب‌دار و در فصل‌های گرم، خشک بوده‌اند. فردوسی در کتاب شاهنامه، در مورد ساختن شهر دارابگرد می‌گوید:

ز پستی برآمد به کوهی رسید
یکی بی‌کران زرف دریا بدید
بفرمود کز روم وز هندوان
بیارند کار آزموده گوان
بجویند ز آن آب دریا دری
رسانند رودی به هر کشوری
چو بگشاد داندند از آب بند
یکی شهر فرمود بس سودمند
چو دیوار شهر اندر آورد گرد
ورا نام کردند دارابگرد

فردوسی عنوان می‌کند، قبل از ساختن شهر دارابگرد، دریای بزرگی سراسر آن را پوشانده بوده است [الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۲۹]. همان‌طور که در نقشه‌ی ژئومورفولوژی دیده می‌شود، تراس‌های دریاچه‌ای، در حاشیه‌ی این دشت در ارتفاع ۱۱۰۰ متری نشان‌دهنده‌ی دریاچه‌ای بسته بوده‌اند که از کوتاه‌ترین نقطه‌ی آن، یعنی «تنگ خسویه» تخلیه شده است [فتوحی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۰۰]. وجود مرغزاری که لسترینج عنوان می‌کند، ناشی از حالت پلایایی [playa] بودن آن است. این اراضی طغیانی، در گذشته وسعت بیش‌تری داشته‌اند و بالا بودن سطح آب زیرزمینی، مشکلات زیادی را برای مردم شهر دارابگرد ایجاد می‌کرده است. از جمله، حاج میرزا حسن حسینی فسایی در کتاب «فارسنامه‌ی ناصری» ذکر می‌کند: «در جلگه‌ی داراب، مرغزار و چمن‌های نیکو باشد که در زمستان و تابستان سبز و خرم بمانند. گله و رمه‌ی این بلوک، همیشه بر سبزه چریده و چمیده‌اند. زمین کشتش نمناک است، خصوصاً در سال‌های تر و از این است که بزرگان فارس گفته‌اند عمل داراب بر خلاف همه‌ی فارس است که در سال تر محصولاتش از نمناکی زمین ضایع شود و در خشک‌سالی پروارند.» [حسینی فسایی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۷-۱۳۰۶]. ساکنان با انتقال و جابه‌جایی شهر از دارابگرد به مکان فعلی، از مشکلات ناشی از رطوبت و حالت پلایایی و بالا بودن بیش از حد آب زیرزمینی نجات پیدا می‌کردند.

نتیجه‌گیری

در انتخاب مکان جغرافیایی شهر، عوامل زمانی و تاریخی و امکانات تکنیکی نقشی به سزا دارند. شهر دارابگرد در سال‌های ۳۳۶ تا ۳۳۰ ق. م. ساخته شد. انتخاب مکان جغرافیایی شهر در گرداگرد قله‌ای منفرد که سر از دشت برآورده بود، به همراه خندق گرد دور شهر نشان می‌دهد. که شهر، نقش دفاعی و نظامی داشته است. ناامنی باعث به وجود آمدن شهری شد که بر فراز قله‌ی منفرد کف دشت، همچون درزی تسخیرناپذیر تا سال‌های ۴۴۰ تا ۴۴۸ پا بر جا ماند، ولی به خاطر تغییر نقش شهر و دافعه‌های طبیعی آن نظیر، مشکلات آب شرب و آلوده

بودن آن، بالا بودن سطح آب زیرزمینی، نبود امکان حفر قنات به خاطر شیب بسیار کم دشت و ریزشی بودن خاک [بهینا، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۵]، دور بودن از منابع آب، نبود امکان حفر چاه در داخل شهر به خاطر تشکیلات تخییری داخل شهر و کیفیت بد آب، جمعیت آن آرام آرام شهر را ترک کردند و به مکان فعلی داخل شهر داراب جذب شدند؛ مکانی که در نقطه‌ی تماس کوهستان و دشت، خاک حاصلخیز مخروط افکنه و خاک رسی دریاچه‌ای قرار گرفته است؛ جایی که می‌توانست، هم از آب چشمه‌ی تنگ کتویه استفاده کند، هم از حفر قنات بهره‌بردار، هم باغ‌هایش را به وسیله‌ی آب رودبال مشروب کند و هم آسیاب‌هایش را به وسیله‌ی آب به گردش درآورد و بتواند، و از محصولات دشت و نیز کوهستان استفاده کند، و نقطه‌ی تماس دو فرهنگ متفاوت باشد.

زیرنویس

۱. دانشیار گروه - جغرافیا، دانشگاه اصفهان.
۲. دانشجوی دکتری جغرافیا، گرایش ژئومورفولوژی، دانشگاه اصفهان.
3. Pedologic 4. Geomorphologic 5. Hydrologic

منابع

۱. آزما، حسین. شهر من داراب. پرواز. شیراز. ۱۳۷۱.
۲. اداره‌ی جغرافیایی ارتش. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران. داراب. ج ۱۳. ۱۳۶۷.
۳. الهی قمشه‌ای، حسین محی‌الدین. شاهنامه‌ی فردوسی. تصحیح ناهیدفرشاد مهر. نشر محمد. بر اساس نسخه‌ی مسکو و مقابله با نسخه‌ی ژول مول. تهران. ۱۳۷۷.
۴. بهینا، عبدالکریم. قنات‌سازی و قنات‌داری. مرکز نشر دانشگاهی تهران. ۱۳۷۹.
۵. حسینی فسایی، حاج میرزا حسن. فارسنامه‌ی ناصری. ج دوم. تصحیح و تحشیه: منصور رستگار فسایی. امیرکبیر. ۱۳۷۸.
۶. تهرانی، خسرو. چینه‌شناسی ایران. دانشگاه تهران. ۱۳۶۷.
۷. درویش‌زاده، علی. زمین‌شناسی ایران. امیرکبیر. تهران. ۱۳۷۰.
۸. رستگار فسایی، منصور. فارس‌نامه‌ی ابن بلخی. سازمان چاپ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۷۴.
۹. سعیدیان، عبدالحمین. شناخت شهرهای ایران. انتشارات علم و زندگی. ۱۳۸۳.
۱۰. شوائس، پاول. جغرافیای تاریخی فارس، ترجمه‌ی کیکاوس جهاننداری. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی. ۱۳۷۲.
۱۱. فتوحی، صمد. تحلیل سیستم‌های ژئومورفیک در پلایای داراب. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان. ۱۳۷۷.
۱۲. فرید، یداله. جغرافیا و شهرشناسی. انتشارات دانشگاه تبریز. ۱۳۶۸.
۱۳. فرصت شیرازی، محمدنصیر. آثار عجم. تصحیح رستگار فسایی. ج اول. چاپ سپهر. ۱۳۷۷.
۱۴. گوبلو، هانری. قنات، فنی برای دستیابی به آب. ترجمه‌ی ابوالحسن سروقده مقدم. استان قدس رضوی. ۱۳۷۱.
۱۵. لسترینج، گی. جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه‌ی محمود عرفان. انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۷۷.
۱۶. نهجیری، عبدالحمین. جغرافیای تاریخی شهرها. انتشارات مدرسه. ۱۳۸۰.
۱۷. ولایتی، سعداله. حریم منابع آب و کاربرد آن در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. انتشارات خراسان. ۱۳۷۱.
۱۸. ولایتی، سعداله. جغرافیای آب‌ها. خراسان. ۱۳۷۴.

نگاهی به مفاهیم راهبردی و جغرافیای راهبردی ایران

حسن پیردشتی
دبیر جغرافیا - آمل

چکیده

یکی از مفاهیمی که امروزه کاربرد وسیعی دارد، مفهوم «راهبرد» است. این اصطلاح در گذشته بیش تر کاربرد نظامی داشت و در جنگ‌ها استفاده می‌شد اما امروزه مفاهیم بسیار وسیع‌تری را در برمی‌گیرد و در چارچوب راهبردهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیستی و نظامی، بر سیاست‌های امنیتی بیش تر کشورها تأثیر می‌گذارد؛ سیاست‌های امنیتی نیز در محدوده‌ی فضای جغرافیایی و در قالب جغرافیای راهبردی شکل می‌گیرند. پس می‌توان گفت، جغرافیای راهبردی نقش عوامل جغرافیایی را در تدوین راهبردهای اقتصادی، سیاسی، امنیتی، نظامی و... و در راستای سیاست‌های امنیتی مورد بحث قرار می‌دهد.

جنگ کرده بود. دولت مردان آمریکایی نیز هیچ‌گاه از توانایی راهبردی ایران غافل نبوده‌اند. یکی از هدف‌های مهم آن‌ها در اشغال افغانستان، عراق و حضور نظامی در منطقه‌ی خلیج فارس، دستیابی به مناطق راهبردی جدید و به چالش کشیدن برتری راهبردی ایران در منطقه است. پس برای دفاع از کیان و تمامیت ارضی و همچنین حفظ برتری راهبردی ایران در منطقه و سطح جهان لازم است، جغرافیای راهبردی ایران به خوبی مورد مطالعه و شناسایی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: راهبرد، ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی، جغرافیای راهبردی ایران.

اشاره

علم جغرافیا پایه‌ی مطالعات اساسی هر کشور، و جغرافیای راهبردی یکی از نمودهای عینی این علم در بستر جهان است که منافع ملی، حیات ملی و امنیت ملی کشور را تأمین می‌کند. در جغرافیای راهبردی، موقعیت جغرافیایی جایگاه خاصی دارد و می‌توان آن را زیربنای راهبرد به حساب آورد. جنگ‌های جهانی اول و دوم اهمیت این پدیده را به اثبات رسانده‌اند، چنان‌که یکی از عوامل اساسی پیروزی قشون آلمان در جنگ علیه فرانسه، اطلاعات جغرافیایی بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که استفاده از موقعیت جغرافیایی، بر تصمیمات سیاسی اثر می‌گذارد و جهت‌گیری ویژه‌ای به آن‌ها می‌دهد.

موقعیت راهبردی فضای جغرافیایی ایران در طول تاریخ، همواره توجه اقوام و ملت‌های گوناگون و قدرت‌های بزرگ را برای دستیابی و سیطره بر آن به خود جلب کرده و این امر، مشکلات و نابسامانی‌های زیادی را برای مردم ایران فراهم کرده است.

در قرن گذشته و طی جنگ جهانی دوم، شاهد اشغال ایران توسط قوای متفقین بودیم که علت اصلی آن را باید موقعیت راهبردی ایران دانست. بعد از جنگ جهانی دوم و به دنبال دوقطبی شدن جهان، هریک از ابرقدرت‌ها به نوعی سعی در کنترل فضای راهبردی ایران داشتند. همچنین، دولت عراق برای رهایی از بن بست جغرافیایی و بهره‌گیری از توان راهبردی ایران، حدود هشت سال ملت ما را درگیر

جغرافیای راهبردی که یکی از شاخه‌های جغرافیاست، می‌کوشد با استفاده از عوامل جغرافیایی، راهبرد هر کشور را تدوین و آینده‌نگری کند تا از این طریق، امنیت ملی که با امنیت منطقه‌ای پیوند دارد، حاصل شود و در برخورد با جهان، به گونه‌ای دست به اقدام بزند که حیات و منافع ملی حفظ شود [کامران، ۱۳۷۴: ۱۰].

موقعیت راهبردی و جغرافیایی ایران در طول تاریخ موجب شده است که کشور ما همواره مورد تهاجم اقوام و ملل گوناگون قرار گیرد.



از جمله‌ی این ویژگی‌های جغرافیایی عبارتند از: قرار داشتن ایران به عنوان پل ارتباطی بین شرق و غرب عالم، منطقه‌ی حایل بین اقوام صحراگرد شمال و شرق با جوامع متمدن غرب در قرن‌های گذشته، منطقه‌ی حایل در جنگ سرد بین آمریکا و شوروی، دروازه‌ی ورود به هند (مستعمره‌ی انگلیس) و منطقه‌ی حایل بین اشغالگران روسیه و انگلیس، پل پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم، و تنها راه عبور مطمئن برای ارسال کمک‌های تسلیحاتی و غذایی متفقین به قوای روسیه در جنگ جهانی دوم و نیز رقابت دولت‌های محور و متفق بر سر ایران به خاطر اهمیت راهبردی آن و قرارگیری بر سر منابع عظیم انرژی نفت و گاز، یعنی قفقاز در شمال و خلیج فارس در جنوب. به علاوه، ایران امروزه تنها راه عبور خط لوله‌ی نفتی مطمئن و ارزان قیمت قفقاز و آسیای مرکزی به سواحل خلیج فارس و دریای عمان و نیز همسایه‌ی مناطق بحرانی عراق و افغانستان و موارد زیاد دیگر است.

تجربه‌های تاریخی، گویای آن است که ما باید جایگاه جغرافیایی خود را در حوادث منطقه‌ای و جهانی دریابیم و بدانیم که حوادث بین‌المللی هر چند هزاران کیلومتر دور از مرزها و حتی قاره‌های دیگر رخ دهند، می‌توانند دیر یا زود و خواسته و ناخواسته، کشور ما را نیز در مناقشات بین‌المللی درگیر کنند. به ویژه این که زمینه‌های تنش بین‌المللی نیز به نزدیک مرزهای ما و منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج فارس تغییر مکان یافته‌اند و اگر این منازعات بین‌المللی طولانی شوند، کشور ایران اهمیت ژئواستراتژیک خواهد یافت. در آن صورت، اعلام بی‌طرفی هم مفهوم خود را از دست می‌دهد. همان‌طور که در جنگ جهانی دوم شاهد بوده‌ایم، با توجه به اعلام بی‌طرفی، کشورمان توسط قوای متفقین اشغال شد. به دلیل اهمیت مسائل ژئواستراتژیکی و جغرافیای راهبردی ایران و برای بررسی بهتر آن لازم است، ابتدا در مورد «مفهوم راهبرد» و تاریخچه‌ی آن اطلاعات مختصری ارائه شود. به همین منظور در این مقاله ضمن بررسی واژه‌ی راهبرد و مفاهیم آن، به بررسی مفهوم جغرافیای راهبردی پرداخته می‌شود و در ادامه جغرافیای راهبردی ایران و نقش آن در هدف‌ها و راهبردهای قدرت‌های بزرگ در ۱. جنگ جهانی اول؛ ۲. جنگ جهانی دوم؛ ۳. جنگ سرد؛ ۴. بعد از جنگ سرد؛ ۵. بعد از حادثه‌ی یازده سپتامبر، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه نیز، رابطه‌ی بین موقعیت جغرافیایی ایران با تلاش‌های قدرت‌های بزرگ جهانی و رقابت آن‌ها در مورد ایران بیان می‌شود.

تاریخچه‌ی تفکرات راهبردی

اولین متفکر بزرگی که به اندیشه‌های راهبردی شکل داد سن تسو بود که در زمانی بین سال‌های ۳۲۰ تا ۴۰۰ قبل از میلاد، اولین رساله‌ی خود را با عنوان «هنر جنگ» به رشته‌ی تحریر درآورد. ۱۳

مقاله‌ی کوچک او در تمام دوران، حتی در مقایسه با آنچه کلاس ویتز ۲۲ قرن بعد نوشت، در ردیف بهترین آثار قرار دارند. نمونه‌ی دیگر از پیشینیان، اسکندر مقدونی است که او را می‌توان اولین نمونه از استراتژیست‌های غربی معرفی کرد. اسکندر کاملاً درک کرده بود که جنگ همیشه دارای دو جنبه است: جنبه‌ی فیزیکی و جنبه‌ی روانی. اولی با جان سروکار دارد و دومی به اندیشه می‌پردازد.

بعد از تفکرات راهبردی اسکندر که در طول سال‌ها استفاده می‌شدند، طی دوران بربریت، در پیشرفت تفکرات راهبردی وقفه‌ای مشاهده می‌شود و بیش از هزار سال چراغ تفکرات راهبردی خاموش می‌ماند. تاخت و تازهای پرحادثه‌ی بربرها، فتوحات اولیه‌ی مسلمانان و مغول‌ها و اکثر جنگ‌های قرون وسطا، به ویژه جنگ‌های صلیبی، هیچ کدام در الگوهای راهبردی ابتکار و نوآوری آموزنده‌ای به وجود نیاوردند، تا این که در قرن شانزدهم، حکما با ارتباط دادن عملیات نظامی و سیاست‌ها در مقیاس وسیع، رسماً راهبرد را از تاکتیک جدا و شروع به درک تفاوت‌های این دو کردند.

دو استراتژیست بزرگ، نیکولو ماکیاوولی و فردریک کبیر، در دوره‌ی رنسانس و دوره‌ی پس از آن ظهور کردند. نیکولو ماکیاوولی نظریه پرداز سیاسی - نظامی بود که مقالاتش در مورد منابع قدرت، کاربردها و محدودیت‌های آن، به دیکتاتورهای سنوات بعد خدمت کرد و خصوصاً الهام بخش آنان شد. فردریک کبیر رانیز شاید به سبب راهبرد خطوط مواصلاتی داخلی اش به یاد می‌آیند. بعد از آن‌ها هنری جومین و کارل فن کلاس ویتز از استراتژیست‌های معروف هستند. در حالی که جومین در جست‌وجوی یافتن سیستمی نظری برای پیروزی در جنگ‌ها بود، کلاس ویتز برای شناخت ماهیت بسیاری از جنگ‌ها تلاش می‌کرد. او با به جای گذاردن اثرش برای استراتژیست‌های نسل‌های بعد، بیش از آنچه آرزو می‌کرد، موفق شد. حتی کسانی که امروزه رساله‌ی تاریخی او را به نام «درباره‌ی جنگ» برای اولین بار می‌خوانند، از وسعت و تنوع مطالب آن تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

تکامل مفهوم راهبرد از زمان مرگ کلاس ویتز (۱۸۳۱) به بعد، برخلاف دوران گذشته، بیش از آنچه دستخوش نظرات افراد باشد، دستخوش تحولات ناشی از وقایع بوده است. جنگ‌های داخلی آمریکا و فرانسه و پروس، از اولین مناقشات مهمی بودند که تدابیر جدید را که بر اهمیت فزاینده‌ی عوامل سیاسی - اقتصادی و مفاهیم ارتباط درونی زمان - فاصله تأکید داشته‌اند، آزمایش و ارزیابی کردند.

آلفرد ماهان که شاید اولین نظریه پرداز شایسته‌ی آمریکایی در زمینه‌ی راهبرد باشد، با نوشتن کتاب «نقوذ قدرت دریایی»، اثری فناپذیر از خود به جا گذاشته است. می‌توان گفت، هیچ کتاب دیگری تا این حد بر راهبرد دریایی اثر نگذاشته است [کالیتز، ۱۳۸۳:

۱۲-۹]. سر هلنورد مکیندر (۱۸۹۰) بدون شک باهوش ترین و بانفوذترین متفکر انگلستان بود که در سال ۱۸۹۰ اظهار داشت: «موازنه‌ی قدرت جغرافیایی بر ضد بریتانیا متمایل شده است و روند کنونی نشان می‌دهد، قدرت دریایی جهان که هم‌اکنون رهبری آن را بریتانیا به عهده دارد، در آینده به خطر خواهد افتاد.»

نظریه‌ی مکیندر اولین بار در سال ۱۹۰۴ به عنوان محور جغرافیایی تاریخ مطرح شد. مکیندر قاره‌های اروپا و آسیا و آفریقا را بزرگ‌ترین جزیره‌ی جهانی می‌شمرد و عقیده داشت، کلید جزیره‌ی جهانی، ناحیه‌ی «هارتلند»^۱، به معنی سرزمین قلب یا محور، است. وی هارتلند را ناحیه‌ی وسیعی می‌دانست که از اقیانوس منجمد شمالی تا نزدیکی کناره‌های آبی این منطقه ادامه دارد. اطراف هارتلند را دو ناحیه فرامی‌گرفت: «لال داخلی، یا حاشیه‌ای»، شامل سرزمین‌هایی که پشت به خشکی اروپا و در کنار آب قرار دارند و قابل دسترسی قدرت دریایی هستند و جالب این جاست که حداکثر این حاشیه قلمروی شبه جزایر است و نقش ژئواستراتژیک دارد. «لال خارجی» نیز به طور کلی جزیره است و شامل بریتانیا و ژاپن و استرالیا می‌شود.

در آن زمان ماهان و مکیندر جهان را مبتنی بر رویارویی بین دو قدرت دریایی و خشکی می‌دانستند، اما در زمان جنگ دوم جهانی، مبارزان‌های هوایی آشکارا اهمیت خودشان را نشان داد و اکنون هر طرحی که تحرک هوایی را در محاسباتش نمی‌آورد، در راهبرد جهانی غیرعقلانی و شکست خورده تلقی می‌شود. بروز نظریاتی درباره‌ی نقش حیاتی نیروی هوایی در راهبرد جهانی، طرفداران زیادی را به همراه داشت. از میان آن‌ها الکساندر دوسورسکی، از طرفداران توانمند این نظریه بود که اولین کتاب خود را به نام «پیروزی از طریق نیروی هوایی» در دفاع از این نظریه نوشت. سپس در سال ۱۹۵۰ عقایدش را در کتابی به نام «قدرت هوا، کلید بقا» منتشر کرد. وی عقیده داشت: «مبارزان اصلی جهان بعد از ۱۹۴۵، دورتادور قطب شمال، رودروی هم قرار خواهند گرفت و نیز کوتاه‌ترین مسیر هوایی بین دو نیمکره مسیری خواهد بود که با استفاده از دایره‌ی عظیمه از قطب عبور خواهد کرد و این دو دایره، در مناطق وسیعی از اوراسیا و آمریکای شمالی روی هم افتاده است.»

دوسورسکی این منطقه را «منطقه‌ی تصمیم» نامید و معتقد بود، سرنوشت جنگ احتمالی بین آمریکا و روسیه را منطقه‌ی تصمیم تعیین می‌کند. با پیدایش راهبردهای نظامی (زمینی، دریایی، هوایی) که ناشی از روی کارآمدن قدرت‌های جهانی بود واژه‌ی «ژئواستراتژی» مطرح شد که موضوع آن «تعیین قلمرو جغرافیایی راهبردهای نظامی به منظور هدایت صحیح عملیات نظامی بود. ژئواستراتژی در حقیقت علم کشف روابطی است که بین یک راهبرد و محیط جغرافیایی وجود

دارد. واژه‌ی ژئواستراتژی از نیمه‌ی دوم قرن بیستم عملاً در راهبردهای نظامی جهانی جای گرفت و امروزه تحولات نظامی، سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی در ارتباط مستقیم با ملاحظات ژئواستراتژیک قرار دارند [عزتی، ۱۳۷۳: ۴].

حال پس از بررسی تاریخچه‌ی تفکرات استراتژیکی ضرورت دارد، به مفهوم و سابقه‌ی اصطلاح استراتژی پرداخته شود و پس از آن ارتباط میان جغرافیا و استراتژی یا راهبرد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

تعریف و مفاهیم راهبرد

استراتژی، که به فارسی راهبرد معنا شده است، از کلمه‌ی استراتگوس^۲ به معنای فرماندهی لشکری و کشوری، مشتق شده است. در زمان جنگ‌های ایران و روم کسی که در رأس ده‌هنگ پیاده‌نظام قرار می‌گرفت، استراتگوس نام داشت. از آن‌جا که این فرماندهان نظامی گاهی اوقات در امور کشوری هم مسؤولیت خاصی داشتند، فرماندهان کشوری نیز محسوب می‌شدند. فونی که یونانیان و رومیان برای پیروزی در جنگ به کار می‌بردند، در حقیقت نوعی حیل‌ه‌ی نظامی بود که «استراتژم» نامیده می‌شد. به همین علت، قدیمی‌ترین تعریفی که از واژه‌ی راهبرد می‌توان یافت این است که: راهبرد یعنی هنر فرماندهان در زمینه‌ی تدبیرها و حیل‌ه‌های نظامی و فرماندهی جنگ.

پس از انقلاب کبیر فرانسه که ناپلئون به قدرت می‌رسد و جنگ‌هایی را با موفقیت به پایان می‌برد، برای اولین بار از تاکتیک وسیع و راهبرد عملیات سخن به میان می‌آید و راهبرد چنین تعریف می‌شود: علم حرکات و طرح‌های نظامی، با دانش جنگ و تهیه‌ی طرح‌ها و خط مشی واحدهای نظامی [عزتی، ۱۳۷۰: ۴]. تعریف‌های دیگری نیز در زمینه‌ی راهبرد آمده‌اند: «راهبرد عبارت است از یک فکر و اندیشه و خط مشی به منظور هدایت مجموعه فعالیت‌هایی در مقیاس جهانی» [sonyder، ۱۹۹۸: ۴]، «راهبرد دانش سیاستمداران است. بدون آن نمی‌توان به رموز کار دولت‌های بیگانه و تدابیر اغیار پی برد و نمی‌توان کشور خویش را خردمندانه اداره کرد» [Quinn، ۱۹۸۰: ۱۰].

«پنتاگون» و «انجمن مطالعات عالی نظامی ایالات متحده‌ی آمریکا»، در سال ۱۹۶۳ میلادی راهبرد را چنین تعریف کرده‌اند: «فن و هنر توسعه و استعمال قدرت‌های سیاسی-اقتصادی فرهنگی و نظامی، به طوری که هنگام جنگ و صلح به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی، از سیاست‌های ملی و افزایش احتمالات و نتیجه‌های مطلوب برای کسب حداکثر پیروزی و حداقل شکست به کار گرفته شود [بدیعی، ۱۳۸۳: ۳۱۶]. «مفهوم راهبرد به طور عام عبارت

است از الگو یا طرحی که به هدف‌های مهم، سیاست‌ها و مراحل عملکردهای یک سازمان یکپارچگی ببخشد، به طوری که در نهایت به ارتباط کل سازمان بینجامد.

استراتژیست‌ها، دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی راهبرد به مفهوم خاص دارند: به عقیده‌ی هارت راهبرد عبارت است از: هنر توزیع و به کارگیری ابزار نظامی برای دستیابی به هدف‌های سیاسی. هدلی بول راهبرد را به کارگیری نیروی نظامی برای نائل شدن به هدف‌های سیاسی معین می‌داند. گری استدلال می‌کند که راهبرد روابط بین قدرت نظامی مقاصد و سیاسی است. آندره بوفر مدعی است که راهبرد هنر دیالکتیک و اراده‌ی متخاصم در استفاده از زور برای رفع اختلافاتشان است. تعریف دیگری از راهبرد، آن را هنر به کارگیری تمام عناصر قدرت یک ملت یا ملت‌ها برای تأمین مقاصد یک ملت و یا هنر به وجود آوردن اتحاد(ها) و انعقاد و پیمان‌ها در زمان صلح و جنگ می‌داند [عزتی، ۱۳۷۳: ۸۷].

تعریف و مفاهیم جغرافیای راهبردی

با نگاهی ژرف به پدیده‌های گوناگون انسانی و طبیعی درخواهیم یافت که اساس و مبدأ همه‌ی تغییر و تحولات، محیط جغرافیایی بوده است. بنابراین، امروزه اساس راهبردها بر جغرافیا استوار است. این پیوند و ارتباط از بدو پیدایش جوامع بشری وجود داشته است، ولی امروزه به شکلی پیچیده و تا حدودی نامرئی جلوه می‌کند. با نگاهی به پراکنش جغرافیایی همه‌جانبه‌ی کشورهای توسعه یافته، به این نتیجه می‌رسیم که سیاست‌های امنیتی بیش‌تر این کشورها، نمایانگر توافقی بین سه پدیده‌ی مهم است که اصطلاحاً آن را «مثلث استراتژیک» می‌نامند که ارکان سه‌گانه‌ی آن عبارتند از: منافع، قابلیت‌ها و تعهدات.

منافع: مهم‌ترین و بارزترین خطر برای امنیت ملی هر کشور، خطر تجاوز نظامی از طریق اعمال زور است. هدف جغرافیای راهبردی آن است که ملتی را به ادامه‌ی بهره‌مندی از منابع در دسترس که برای اقتصاد آن مورد نیاز و ضروری است، در صورت بروز خطر مطمئن سازد. این منابع می‌تواند شامل دو گروه اصلی منابع مولد انرژی و منابع معدنی باشد و البته منابع غذایی را نیز باید به آن افزود. قابلیت‌ها: قدرت نظامی هر کشور از اهمیت خاص برخوردار است که موجب امنیت و ثبات در کشور می‌شود و می‌تواند با هجوم به کشورهای دیگر، فرصت به دست آوردن قابلیت‌ها را از آن‌ها سلب کند. تعهدات: درک این مطلب که متحدان چه کسانی باشند و قلمرو این اتحاد تا کجاست، مسأله‌ی بسیار مهمی است. اگر کشورها با توجه به مبانی ژئوپلیتیکی خود در جهت تحکیم تعهدات و پیمان‌هایی با همسایگان دور و نزدیک برآیند، بسیاری از مشکلات آن‌ها حل

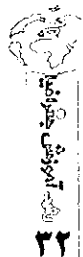
خواهد شد، ولی اگر در برقراری این تعهدات و پیمان‌ها توجه لازم مبذول نشود، احتمال درگیری و بی‌ثباتی می‌رود [عزتی، ۱۳۷۳: ۸۸]. با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت، جغرافیای راهبردی در حقیقت درباره‌ی نقش عوامل جغرافیایی در تدوین راهبردها بحث و بررسی می‌کند. در این راستا مناطق راهبردی محور کار خواهند بود و از آن‌جایی که این مناطق در دنیا برخلاف نقاط راهبردی محدود هستند، بنابراین تفکرات راهبردی در چارچوب خاص جغرافیایی می‌تواند ماده‌ی اولیه‌ی مطالعات جغرافیایی راهبردی باشد. برخی از محققان دستیابی به یک راهبرد از طریق عوامل جغرافیایی را جغرافیای راهبرد نزدیک نامیده‌اند. لوین گر یکی از استراتژیست‌های معروف معاصر، نقش اصلی را در سیاست خارجی کشورها، به جغرافیا می‌دهد و موقعیت و فضا و منابع را از عوامل تعیین‌کننده‌ی آن می‌داند و می‌گوید: «جغرافیای راهبردی مهم‌ترین عامل در سیاست‌های خارجی کشورهاست، زیرا پایدارترین عامل از بین دیگر عوامل به شمار می‌رود.

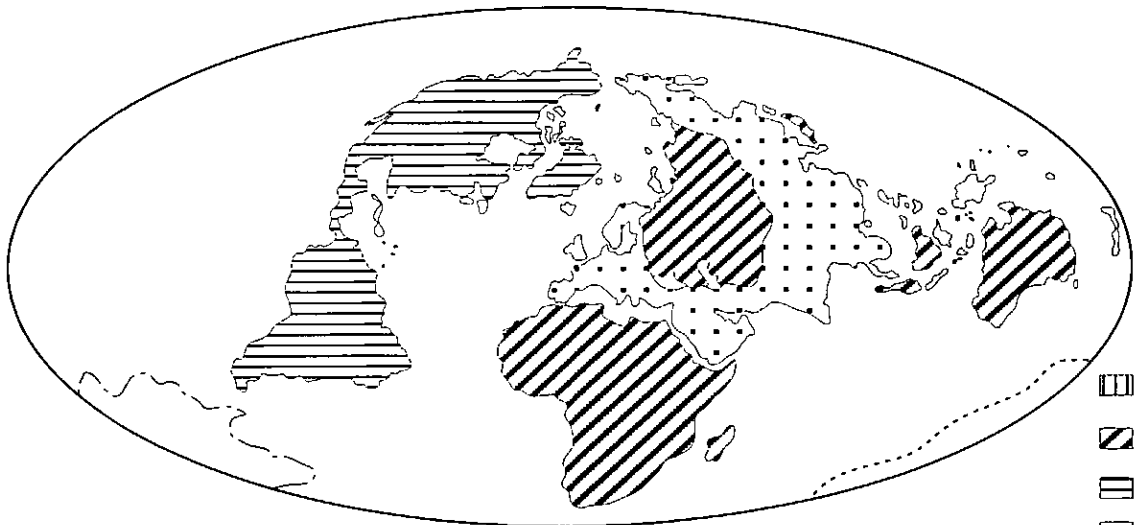
بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی ایران

قبل از بررسی جغرافیای راهبردی ایران، لازم است ابتدا موقعیت ژئوپلیتیکی ایران بررسی شود. در تعریف ژئوپلیتیک آمده است: «ژئوپلیتیک به بررسی تأثیر پدیده‌های جغرافیایی بر ساختارها و نمادهای سیاسی حکومتی و غیر حکومتی و تحولات آن‌ها و خصوصیات روابط با دیگر دولت‌ها می‌پردازد» [عزتی، ۱۳۷۳: ۸]. عوامل مؤثر بر مسائل راهبردی، از جمله تحولات نظامی و سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی هستند که در ارتباط مستقیم با آن قرار دارند. تحولات ژئوپلیتیکی بیش از دیگر زمینه‌ها با اصول مبانی راهبرد ارتباط دارند.

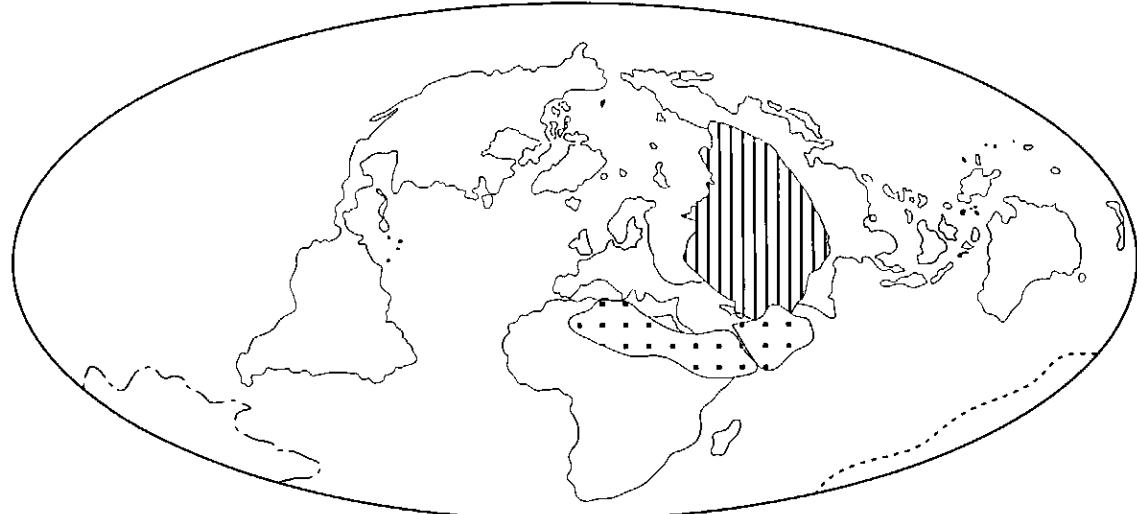
اهمیت ارتباط جایگاه ایران با نظریات ژئوپلیتیکی از آن جا روشن می‌شود که کشور ما از طریق خلیج فارس و دریای عمان به دریای آزاد راه دارد و دارای موقعیت گذرگاهی است. علاوه بر این، بخش‌های شمالی ایران در «سرزمین قلب یا محور» قرار دارند و سرتاسر فلات ایران نقش حاشیه‌ای سرزمین قلب را عهده‌دار است. اتصال مرزهای شمالی ایران به سرزمین بری و موقعیت جغرافیایی خلیج فارس نیز ارزش ژئوپلیتیکی خاصی به آن داده است. خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز در نظریات ریملند، از موقعیت ژئوپلیتیکی برخوردارند و محل اصطکاک دو قدرت زمینی و دریایی را فراهم کرده‌اند.

بر همین اساس در اوایل قرن بیستم، ایران نقش حایل بین روسیه و انگلستان را بازی می‌کرد و محل رقابت قدرت‌های جهانی به شمار می‌رفت. پس از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظام دوقطبی، بر اهمیت این جایگاه افزوده شد و همین موقعیت پس از پایان جنگ

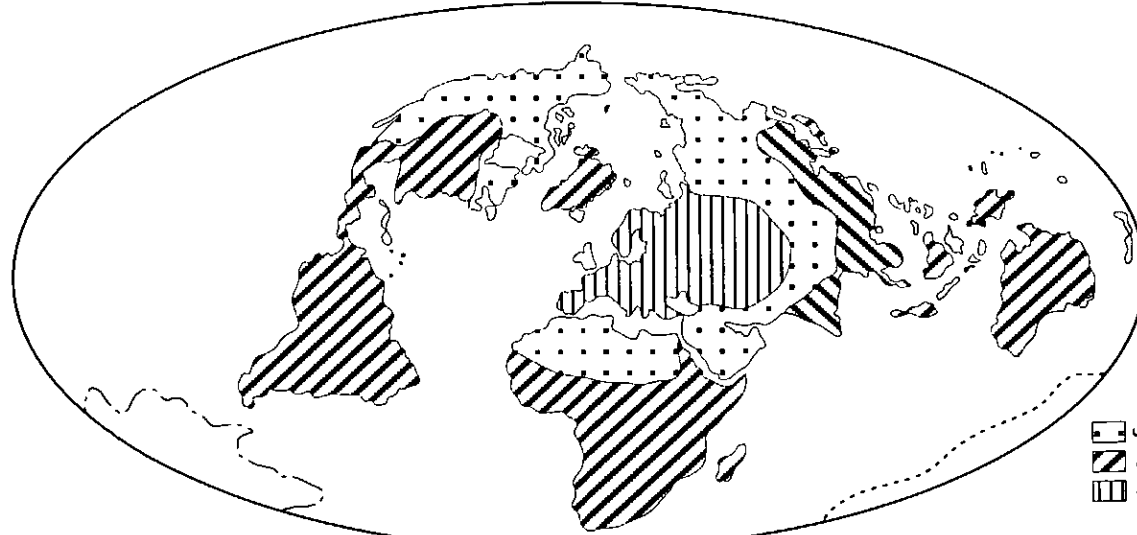




نقشه‌ی ۱. نظریه‌ی اسپایکمن در مورد کشور‌های حاشیه



نقشه‌ی ۲. جهان از دیدگاه مکیندر در سال ۱۹۰۴



نقشه‌ی ۳. جهان از دیدگاه مکیندر در سال ۱۹۴۳ منبع: استراتژی، تألیف: دکتر عزتی، ۱۳۷۳

جهانی دوم باعث شد، قوای شوروی از خاک ایران خارج نشوند و برای اولین بار آمریکا متأثر از همین موضوع، مقابل شوروی موضع سختی اتخاذ کند. همین امر یکی از عوامل مؤثر در عقب نشینی قوای شوروی از ایران بود. در حقیقت، این حادثه اختلاف نظر آمریکا و شوروی را در امور بین‌المللی آشکار ساخت.

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران طبق نظریه‌های ژئوپلیتیک کلاسیک می‌تواند به شرح نقشه‌های ۱، ۲ و ۳ باشد [حافظ‌نیا: ۱۳۷۹، ۵]:

الف) نظریه‌ی «قدرت دریایی» ماهان

طبق این نظریه، ایران گذرگاه دسترسی قدرت بری روسیه به سمت جنوب و اقیانوس هند است. به همین خاطر ماهان پیشنهاد می‌کند که اگر قدرت دریایی می‌خواهد روسیه را عقب براند، باید روی ایران سدی ایجاد کند تا مانع از نفوذ روسیه به سمت جنوب بشود. البته چنین طرز تفکری در اندیشه‌ی سیاستمداران انگلیسی در منطقه وجود داشت. آن‌ها تحرکات نظامی و راهبردی روسیه را زیر نظر داشتند و به عنوان قدرت برتر دریایی، همیشه از بالکان تا پامیر مراقب روسیه بودند و در مقابل اقدامات روسیه برای گذر از خطوط مرزی تعیین شده، شدیداً واکنش نشان می‌دادند.

ب) نظریه‌ی هارتلند مکیندر

طبق این نظریه، هارتلند منطقه‌ی وسیعی است که از اقیانوس منجمد شمالی در شمال کوه‌های هیمالیا آغاز می‌شود و ارتفاعات ایران در جنوب غرب و ارتفاعات مغولستان در جنوب شرقی آن قرار دارد. از شرق نیز به سبیری غربی و از غرب به رودخانه‌ی «ولگا» محدود می‌شود. هارتلند دو ناحیه دارد:

۱. هلال داخلی یا حاشیه‌ای، شامل سرزمین‌هایی که پشت به خشکی اوراسیا و در کنار آب قرار دارند و قابل دسترسی قدرت دریایی هستند (موقعیت ساحلی).
۲. هلال خارجی، کل جزیره است و شامل بریتانیا، ژاپن و استرالیا می‌شود.

در نظریه‌ی مکیندر، ایران به دو قسمت تقسیم می‌شود: بخش شمالی ایران حاشیه‌ی جنوبی هارتلند را تشکیل می‌دهد و بقیه‌ی ایران در قلمرو هلال داخلی قرار می‌گیرد (نقشه‌های ۲ و ۳).

ج) نظریه‌ی ریلمند اسپایکمن

اسپایکمن اصالت را به سرزمین حاشیه می‌دهد و کشورهایی را که از موقعیت دوگانه‌ی بری و بحری برخوردارند، دارای اهمیت استراتژیکی می‌داند. طبق این نظریه ایران در بخش مرکزی جدار نازک ریلمند قرار می‌گیرد. نقشه‌ی ۱.

جغرافیای راهبردی ایران

ایران به خاطر موقعیت جغرافیایی، از گذشته در مسیر ارتباط تمدن‌ها و ملت‌ها و اقوام گوناگون و در حدفاصل مناطق جغرافیایی واقع بوده است. همین ویژگی، برقراری ارتباط با ایران و عبور از فضای آن را اجتناب‌ناپذیر کرده است. برقراری ارتباط با ایران و عبور از فضای آن، هم در گذشته و هم در حال حاضر بیش‌تر با دو هدف اصلی انجام می‌پذیرفته است: اول، هدف اقتصادی - اجتماعی که برای تأمین آن، کالا، مواد، افکار و اندیشه‌ها، انسان‌ها و وسایل حمل و نقل از مسیر ایران عبور می‌کردند و از آن به عنوان نقش ارتباطی ایران یاد می‌شود که از گذشته تاکنون اهمیت و وضعیت پایداری داشته است. دوم، عملیات نظامی که با هدف تصرف ایران و نیز تصرف سرزمین‌های ماورای ایران انجام می‌گرفته است و می‌توان از آن به موقعیت نظامی و راهبردی هم یاد کرد.

موقعیت راهبردی موقعیتی است که بالقوه قدرت کنترل جهانی را به دارنده‌ی آن بدهد. به عبارت دیگر، نقطه‌ای باشد که بتواند به عنوان مرکز ارتباطی و یا تمرکز نیروهای نظامی و استحکامات دفاعی مورد استفاده قرار گیرد [حافظ‌نیا، ۱۳۷۱: ۱۰۴]. تمام خاک یک کشور یا بخشی از آن، تحت شرایط خاص ممکن است اهمیت نظامی داشته باشد. بدین معنی که از این مناطق می‌توان بر دریا و خشکی از نظر دفاعی اشراف داشت و به نقاط مورد نظر حمله کرد [میرحیدر، ۱۳۷۱: ۱۰۴]. سرزمین ایران در طول تاریخ، همواره عامل ارتباط دهنده و بستر ساز تعامل میان کانون‌های تمدن‌گروه‌های انسانی منطقه بوده است و تاکنون از اهمیت نقش پیونددهندگی ایران کاسته نشده است. پیش‌بینی می‌شود این کارکرد در آینده نیز پایدار باشد [حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۴۲].

نقش سیاسی - نظامی ایران یا به طور کلی جغرافیای راهبردی ایران در عصر جدید تحول قدرت و نظم جهانی که از اواخر قرن پانزدهم آغاز می‌شود، به تناسب تحول در ساختار قدرت جهانی در روابط قدرت‌های صاحب نفوذ در نظم جدید، دچار تحول کارکردی شده است. از این‌رو آن را در شش دوره بررسی می‌کنیم: جغرافیای راهبردی ایران: ۱. از قرن پانزدهم تا جنگ جهانی اول؛ ۲. در جنگ جهانی اول؛ ۳. در جنگ جهانی دوم؛ ۴. در دوران جنگ سرد؛ ۵. در بعد از جنگ سرد؛ ۶. بعد از حادثه‌ی یازده سپتامبر.

۱. جغرافیای راهبردی ایران از قرن پانزدهم تا جنگ جهانی اول
سرزمین ایران در طول تاریخ گذشته‌ی خود، همواره با تهاجم اقوام بیگانه روبه‌رو بوده است. در اواخر قرن پانزدهم که هم‌زمان با قدرت گرفتن کشورهای اروپایی بوده است، موقعیت و فضای

جغرافیایی ایران توجه قدرت های بزرگ اروپایی را به خود جلب کرد و این کشور به صورت فضای حایل میان دولت های رقیب درآمد. هر یک از آن ها به نحوی سعی می کردند، ایران را در راهبرد خود وارد سازند و در امور آن دخالت کنند. در قرن نوزدهم، ایران بیش ترین آسیب را از رقابت روسیه و انگلستان متحمل شد. حفاظت از منطقه ی نفتی خلیج فارس، محور ارتباطی انگلیس به هند، و مستعمره ی هند در برابر رقیبانی چون فرانسه و آلمان در روسیه، هدف های راهبردی انگلستان از تسلط بر ایران بود. هدف های راهبردی که روسیه از طریق ایران تعقیب می کرد، عبارت بودند از: خلاصی از وضعیت بد جغرافیایی آن کشور و دسترسی به اقیانوس ها، به ویژه آب های گرم اقیانوس هند که در آموزه های پتر کبیر نیز مشاهده می شود. از این رو، همواره میان این دو قدرت کشمکش و رقابت وجود داشت. روسیه به دنبال نفوذ به سوی جنوب بود و انگلستان از تحقق آن ممانعت می کرد. در این دوره، خلأ قدرت مرکزی در ایران تشدید شد و رقابت قدرت های جهانی بر سر ایران و دخالت های آنان در امور ایران افزایش یافت. در این دوره که از عصر صفویه آغاز می شود، بنیاد عقب افتادگی ایران از فرایند توسعه پایه گذاری شد و ایران به تدریج در نظام بین المللی جایگاه خویش را از دست داد [حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۷۳].

۲. جغرافیای راهبردی ایران در جنگ جهانی اول

از سال ۱۸۷۱ میلادی، آلمان به صورت امپراتوری جدید و مقتدری در صحنه ی سیاسی اروپا و جهان ظاهر شد [ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۰]. این موضوع تعادل قوا را در اروپا و جهان برهم زد. آلمان خود را با مشکل کمبود فضا مواجه می دید و هدف های توسعه طلبانه ای را تعقیب می کرد. از آن جا که دو قدرت انگلیس و روسیه رقیب آلمان به شمار می آمدند، آلمان راهبرد کاهش قدرت رقیبان را برگزید. دولت آلمان در تحلیل های راهبردی خود، ارزش ژئواستراتژیک بالایی برای محور اصلی آلمان - هندوستان قائل بود. از جمله فعالیت های آلمانی ها در این محور، تلاش برای جلب دوستی ایران بود. گسترش نفوذ آلمان در این محور عملاً تضعیف قدرت انگلستان و روسیه را در ایران، بین النهرین، خلیج فارس، اقیانوس هند و شبه قاره ی هند به دنبال داشت و ارتباط انگلستان و مستعمراتش را در آسیا قطع می کرد. به طور کلی، نگرش راهبردی آلمان به ایران در جنگ جهانی اول را می توان بدین شکل بیان کرد:

- ایران در مسیر هدف راهبردی نظامی آلمانی ها قرار داشت و می توانست به جبهه ی دوم آلمان (در آسیا) علیه روسیه و انگلستان تبدیل شود و پایگاهی برای تهاجم به هندوستان باشد؛
- ایران از شمال و جنوب در مجاورت دو حوضه ی بزرگ نفتی قرار

داشت. حوضه ی قفقاز (باکو) در شمال که انرژی محرکه ی ماشین جنگی روسیه را تأمین می کرد و حوضه ی نفتی خوزستان و خلیج فارس در جنوب که نیاز ماشین جنگی و ناوگان انگلستان را برآورده می ساخت.

در مقابل، انگاره های انگلیس از کنترل و تصرف ایران عبارت بودند از:

- جلوگیری از تکمیل محور ارتباطی آلمان - هندوستان و به تبع آن افزایش ضریب امنیتی دروازه ی هندوستان؛
 - تضمین استمرار استفاده از منابع نفتی خوزستان؛
 - کاهش احتمال درگیری نیروهای انگلیسی در منطقه؛
 - جلوگیری از افزایش فشار بر جبهه ی جنوبی روسیه، به عنوان متحد انگلستان.
- از نظر روس ها نیز کنترل ایران نتیجه های زیر را به دنبال داشت:
- پیشگیری از حضور دشمن در مرزهای جنوبی روسیه و کاهش آسیب پذیری این کشور؛
 - جلوگیری از خطر تقسیم نیروهای روس و درگیری آن ها در دو جبهه ی غرب و جنوب؛
 - تضمین بهره برداری از منابع نفت قفقاز و جلوگیری از تسلط آلمان بر این منابع.

انگاره های راهبردی طرفین درگیر در جنگ سبب شد، با وجود صدور اعلامیه ی بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول (اول نوامبر ۱۹۱۴)، کشور ایران از چهار طرف مورد هجوم طرف های درگیر قرار گیرد. روس ها از سمت شمال، انگلیسی ها از جنوب و جنوب شرق و عثمانی ها به عنوان متحد آلمان از سمت غرب و شمال غرب وارد کشور شدند [حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۶۲ و ۶۳].

۳. جغرافیای راهبردی ایران در جنگ جهانی دوم

دولت ایران هم زمان با شروع جنگ جهانی دوم (در سپتامبر ۱۹۳۹) با صدور اعلامیه ای رسمی، بی طرفی خود را به دولت های درگیر در جنگ اعلام داشت. این بی طرفی تا دو سال بعد (اوت ۱۹۴۱) رعایت شد، اما قوای متفقین به بهانه ی کوتاهی دولت ایران از اخراج آلمانی ها، ایران را از تمامی جهات مورد هجوم قرار دادند و به اشغال خود درآوردند و بار دیگر بی طرفی ایران را در جنگ نقض کردند. در نگرش راهبردی متفقین، به ویژه انگلیس و شوروی، ایران دارای ویژگی های زیر بود:

- تسلط بر ایران باعث بالا رفتن ضریب امنیتی هندوستان و جلوگیری از دسترسی آلمان به آن می شد؛
- تصرف ایران مانع از دسترسی آلمان ها به منابع نفت قفقاز و خوزستان و خلیج فارس می شد. از طرف دیگر، دسترسی دائمی



۱. تثبیت حضور آمریکا در ایران پس از جنگ جهانی دوم و نزدیک شدن شاه به آمریکا در دوره اشغال نظامی ایران به دست متفقین؛
۲. سیاست ایجاد سد نفوذ آمریکا به دور شوروی که بر پایه‌ی تحلیل نظریه‌ی ریملند اسپایکمن شکل گرفته بود.

منشأ شکل‌گیری سیاست‌های رقابت‌آمیز آمریکا و شوروی بر سر ایران در دوران جنگ سرد را باید در لایه‌ی نظریه‌ی ریملند جست. این نظریه که نیکولاس اسپایکمن ژئوپلیتیسین آمریکایی، آن را در دهه‌ی ۱۹۴۰ پس از جنگ جهانی دوم ارائه کرد، به نقد نظریه‌ی هارتلند مکنیدر می‌پردازد و بیان می‌دارد، اهمیت قلمروی ریملند بیش‌تر از قلمروی هارتلند است، زیرا سرزمین حاشیه (ریملند) از سوی هر دو قدرت دریایی و بری آسیب‌پذیر است. بنابراین، قدرت واقعی جهانی در این منطقه قرار دارد و کسی که فرمانروای آن شود، سررشته‌ی اداره‌ی جهان را در اختیار خواهد داشت. این چارچوب نظری، سیاست کمربند سد نفوذ آمریکا به شوروی بود که با محدوده‌ی جغرافیایی ریملند تطابق داشت. و ایران تقریباً در بخش مرکزی قلمروی هلالی شکل ریملند واقع بود و تنها حایل میان دو قلمروی فضایی-راهبردی آمریکا و شوروی به شمار می‌رفت. علاوه بر این، ایران از منابع سرشار انرژی نفت و گاز و کانی‌ها نیز برخوردار بود. این موقعیت‌ها و امتیازات، موجب توجه بیش‌تر آمریکایی‌ها به ایران شده بود. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خروج ایران از اردوگاه آمریکا، موازنه‌ی قدرت منطقه‌ای میان ابرقدرت‌های دوران جنگ سرد را دگرگون ساخت و آمریکایی‌ها را به واکنش واداشت. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و تأسیس نیروی واکنش سریع، از جمله اقدامات آن‌ها در منطقه بود که عدم موازنه‌ی ناشی از خروج ایران را توازن بخشید [حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۷۹-۷۰].

۵. جغرافیای راهبردی ایران پس از جنگ سرد

با پایان یافتن جنگ سرد، الگوی ارتباط ابرقدرت‌ها با ایران و راهبردهای بری و بحری آن‌ها در ایران دچار تحول شد. خطر تهدید نظامی و ایدئولوژیکی شوروی در شمال از بین رفت و موجب خلأ قدرت در ضلع‌های شمالی و شرقی ایران شد. آمریکا در این دوره فرصت خوبی برای ایفای نقش یک ابرقدرت در جهان به دست آورد. آمریکایی‌ها معتقد بودند که خلیج فارس و منابع نفتی آن برای گرفتن امتیازهای سیاسی و اقتصادی از قدرت‌های دیگر-از جمله اروپایی‌ها- باید در کنترل آمریکا قرار داشته باشد. از دید آن‌ها، دولت‌های ایران و عراق منشأ تهدید منافع آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس بودند. بر این اساس، دولت آمریکا راهبرد مهار دوگانه را طرح کرد که مطابق آن، ایران و عراق از دو جهت اقتصادی و نظامی تحت فشار، تحریم و کنترل قرار می‌گرفتند [امام‌زاده‌فر، ۱۳۷۸: ۱۲]. در مجموع، پایان جنگ

متفقین به مخازن نفت مذکور، رفع نیاز ماشین جنگی آن‌ها به سوخت را تضمین می‌کرد؛

● کنترل ایران می‌توانست قلمروی عملیاتی متفقین در شمال (شوروی) و جنوبی (اقیانوس هند) را به هم متصل کند و یکپارچه سازد و مسیر ارتباطی ایران را در خدمت پشتیبانی از جبهه‌ی روسیه قرار دهد؛

● تصرف ایران، جبهه‌ی جنوبی روسیه را از تهدید نجات می‌داد و موجب نفوذ و تقویت روسیه می‌شد؛

● کنترل ایران می‌توانست به خط نیروهای آلمانی مستقر در ایران که متفقین را تهدید می‌کرد، پایان دهد.

به دلایل زیر، ایران برای تأمین نیازهای تدارکاتی و نیروی انسانی جبهه، مناسب‌ترین مسیر ارزشیابی شده بود:

● ایجاد اتصال میان مناطق عملیاتی متفقین در اقیانوس هند و خلیج فارس با خاک شوروی؛

● دارا بودن شبکه‌ی ارتباطی شوسه و راه‌آهن نوساز که خلیج فارس را به دریای خزر پیوند می‌داد؛

● نزدیکی جبهه‌ی روسیه، به ویژه این که یکی از مراکز مهم تدارکات روسیه را مستعمرات انگلیس نظیر هندوستان و استرالیا تشکیل می‌داد؛

● کارایی مسیر ایران در چهار فصل سال، به خاطر اقلیم خاص موجود در ایران؛

● دور بودن ایران از تیررس حملات زمینی، هوایی، و دریایی آلمانی‌ها.

این موقعیت برجسته، نقش و اهمیت ایران را در تحول موازنه‌ی راهبردی جنگ جهانی دوم آشکار می‌ساخت [حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۶۵ و ۶۶].

۴. جغرافیای راهبردی ایران در دوره‌ی جنگ سرد

دوره‌ی جنگ سرد پس از پایان جنگ جهانی دوم آغاز شد و تا فروپاشی نظام کمونیستی در شوروی در سال ۱۹۹۰ ادامه یافت.

در این دوره، الگوی رقابت جدیدی بر سر ایران شکل گرفت و اولین رویارویی آمریکا و شوروی بر سر مسأله‌ی تخلیه‌ی آذربایجان ایران از نیروهای شوروی شکل گرفت. ترومن رئیس‌جمهور آمریکا، استالین را در صورت خارج نشدن شوروی از آذربایجان به تهاجم با بمب اتمی تهدید کرد. از دید آمریکایی‌ها، ایران به عنوان عامل ثبات منطقه‌ای و محور اصلی دفاع و اجرای راهبرد بازدارندگی آمریکا در منطقه شناخته می‌شد. در واقع، ایران در جنگ سرد به عنوان کارگزار آمریکا در منطقه عمل می‌کرد و در اردوگاه غرب قرار داشت. دلایل اصلی این امر عبارت بودند از:

سرد، نتیجه‌های مثبت و منفی زیر را برای ایران به همراه داشت. نتیجه‌های مثبت: خروج ایران از موقعیت حایل پس از حدود دو قرن و رفع تهدید مستمر تاریخی از سمت شمال؛ بالا رفتن پتانسیل ارتباطی ایران در حوزه‌های حمل و نقل زمینی، دریایی، هوایی، ارتباطات الکترونیکی و خطوط لوله‌ی نفت و گاز؛ ایجاد فرصت جدیدی برای برقراری ارتباط با اروپا از راه قفقاز و دریای سیاه؛ افزایش منزلت ژئوپلیتیک ایران به دلیل مجاورت با دو حوضه‌ی بزرگ نفتی و هیدروکربنی جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر، و نیز یافتن نقش ارتباطی در منطقه؛ پیدایش فضاهای ژئوپلیتیک جدید در قفقاز و آسیای مرکزی و دستیابی ایران به علائق ژئوپلیتیک و توسعه‌ی حوزه‌ی نفوذ آن.

نتیجه‌های منفی: تحول در نظام حقوقی دریای خزر و تأخیر در استقرار رژیم عادلانه که در نتیجه به شکل‌گیری بحران خزر در منطقه انجامید؛ برانگیخته شدن احساسات ناسیونالیستی و طرح ادعاهای قومی منفی و مخمل وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران؛ ازهم گسیختگی منطقه‌ی هارتلند و ایجاد خلأ ژئوپلیتیک در ضلع شمالی ایران و حضور رقیبان جهانی و منطقه‌ای ایران، نظیر آمریکا، اسرائیل، ترکیه و جامعه‌ی اروپا در منطقه؛ گسترش حوزه‌ی نفوذ حضور مستقیم و غیرمستقیم آمریکا در منطقه و کاهش حوزه‌ی نفوذ ایران در ماورای مرزها، به ویژه قلمروهای ژئوپلیتیک شرق و جنوب و شمال ایران [حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۷۱ و ۷۳].

۶. جغرافیای راهبردی ایران بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر تا پیش از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، قواعد بازی بشردوستانه و چندجانبه بود، اما پس از این حادثه، تکرار راهبردی نظامی آمریکا در مقایسه با دوران جنگ سرد، دچار دگرگونی بنیادین شده است. این تحول شامل شیوه‌ی به کارگیری نیروها در سراسر جهان، شرایط استقرار پایگاه‌ها در نقاط جدید، رویگردانی از هم‌پیمانان سنتی و تأکید بر ارزش روابط دوجانبه به جای روابط چندجانبه است [جعفری، ۱۳۸۲: ۴۳]. پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، دولت بوش با بزرگ‌نمایی خطر تروریسم، به شیوه‌ای آشکارتر، چارچوب سیاست خارجی جدید آمریکا را تشریح کرد. در آموزه‌ی بوش سه خطر اصلی برای آمریکا در نظر گرفته شده است: ۱. سازمان‌های تروریستی با دسترسی جهانی؛ ۲. دولت‌های ضعیف با پایگاه‌های تروریستی؛ ۳. دولت‌های سرکش [بزرگمهری، ۱۳۸۳: ۵۱].

از دید ژئواستراتژیک، ایالات متحده مصمم شده است با دست زدن به یک رشته اقدامات نظامی در مورد کشورهایی که در غرب، به «کشورهای سرکش» معروف شده‌اند، نظام جهانی تک‌قطبی مورد نظر خود را تثبیت کند. در این راستا بود که جرج دبلیو بوش طی سخنرانی رسمی خود در کنگره‌ی ۲۹ ژانویه‌ی ۲۰۰۲، موضوع

«محور شیطانی» را اعلام کرد. در این طرح که در سال راهبرد «تهدید و تهدید» ارائه شده بود، ایران، عراق و کره‌ی شمالی را برای اقدامات نظامی خودسرانه هدف گرفت [مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۸].

رویداد ۱۱ سپتامبر شرایطی را پدید آورد که مسأله‌ی «مبارزه با تروریسم»، دخالت در امور داخلی کشورها از راه دخالت در امور داخلی کشورها بی‌اعتنایی به حاکمیت ملی آن‌ها، در دستور کار قرار گرفت [مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۱۰]. در این راستا اگرچه ایالات متحده‌ی آمریکا ایران را مورد حمله‌ی نظامی قرار نداد، اما با حمله به کشورهای عراق و افغانستان و اشغال نظامی این کشورها، به صورت فیزیکی در دو کشور همسایه‌ی شرقی و غربی ایران که مرزهای طولانی با این کشور دارند، بر جغرافیای راهبردی ایران تأثیر فراوانی گذاشت. هرچند حضور آمریکا در شمال ایران یعنی در کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و دریای خزر را نباید نادیده گرفت، اما حضور نیروهای آمریکایی در کشورهای افغانستان و عراق توانسته است، فرصت‌های جغرافیای راهبردی ایران را به چالش بکشد؛ به طوری که این حضور هم دارای منافع و هم تهدیدات و زیان‌هایی است که در این جا به آن‌ها می‌پردازیم.

الف) تهدیدات و زیان‌های حضور آمریکا در افغانستان برای ایران

۱. حضور در یک منطقه‌ی راهبردی مشرف بر خلیج فارس، کشمیر، آسیای مرکزی؛ ۲. نزدیک شدن آمریکا به منابع انرژی در آسیای مرکزی و دریای خزر و کنترل آن‌ها؛ ۳. ایجاد پایگاه‌های نظامی در افغانستان، پاکستان و تهدید مرزهای شرقی ایران؛ ۴. افزایش اهمیت بازیگران فرامنطقه‌ای و تلاش برای کاهش نقش منطقه‌ای ایران؛ ۵. استفاده‌ی آمریکا از افغانستان به عنوان ابزار تشدید روند یکجانبه‌گرایی علیه ایران؛ ۶. امکان انتحال منابع انرژی آسیای مرکزی از طریق افغانستان به چین و خلیج فارس.

ب) منابع و فرصت‌های ایران با حضور آمریکا در افغانستان

۱. کاهش نفوذ پاکستان در افغانستان و شکل‌گیری یک توازن قدرت در شرق ایران در راستای منافع ایران؛ ۲. شکل‌گیری یک دولت در افغانستان که موجب قانونمند شدن روابط ایران و افغانستان می‌شود؛ ۳. کنترل و کاهش میزان کشف مواد مخدر در افغانستان و کاهش معضل امنیتی ایران؛ ۴. برچیده شدن حکومت طالبان به عنوان اصلی‌ترین رقیب ایدئولوژیک ایران در منطقه؛ ۵. جلوگیری از غارتگری و تهاجم به مرزهای شرقی و شمال شرقی؛ ۶. بازگشت آوارگان افغانی به کشورشان و کاسته شدن هزینه‌های اقامت آن‌ها در

ج) تهدید و زیان‌های حضور نظامی آمریکا در عراق

۱. تغییر مسیر فشارهای تبلیغاتی و حملات سیاسی آمریکا از عراق به سوی ایران بعد از فروپاشی حکومت بعثی؛ ۲. تهدیدات امنیتی در مرزهای غربی کشور با حضور نیروهای نظامی آمریکا؛ ۳. تغییر راهبرد روسیه در حمایت از ایران برای معاف شدن از تنبیهات مالی و اقتصادی توسط آمریکا در عراق؛ ۴. فشار اسرائیل و آمریکا برای حمله‌ی نظامی به ایران بعد از فروپاشی رژیم بعثی؛ ۵. تشدید فشار تبلیغاتی آمریکا به ایران برای نفوذ ایران بین جمعیت شیعه که اکثریت را در عراق دارند؛ ۶. کنترل و نظارت بیش‌تر بر تحرکات نظامی و امنیتی ایران از طریق مرزهای غربی.

د) منافع و فرصت‌های ایران با حضور نظامی آمریکا در عراق

۱. جلوگیری از احتمال هرگونه جنگی بین ایران و عراق با از بین رفتن حکومت بعثی و پایان یافتن هرگونه جنگ تبلیغاتی و نژادپرستانه که حکومت بعثی طی چهل سال ضد ایران دامن زده بود؛ ۲. خارج شدن حمله‌ی نظامی به ایران از دستور کار آمریکا؛ ۳. پایان یافتن چهل سال تنش و برخورد در مرزهای غربی و تأمین امنیت این مرزها؛ ۴. جلوگیری و از میان رفتن سیاست‌های تفرقه انداز صدام میان ایران و همسایه‌های عرب؛ ۵. مهار و کنترل گروهک منافقین در خاک عراق و امنیت مرزهای غربی کشور؛ ۶. روی کار آمدن یک دولت در عراق و پرداخت خسارت جنگی به ایران و مبادله‌ی دقیق و کامل همه‌ی اسیران و اجساد همه‌ی شهدای ایران [مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۲۳-۲۱].

نتیجه‌گیری

راهبرد تعریف‌های متعددی دارد. افراد عامی آن را از پیش پافتاده‌ترین کلماتی می‌دانند که تعبیرهای متعددی از آن می‌شود. حتی تعریف افراد متخصص نیز کمبودهایی دارد، زیرا در آن از راهبرد ضرورتاً به عنوان موضوعی خاص نام برده می‌شود. راهبرد در حقیقت از دو سطح آمیخته با هم و در عین حال مشخص، تشکیل شده است: یکی تخیلی و دیگری عینی. آن‌که تخیلی است، به عهده‌ی فلاسفه و نظریه‌پردازان راهبرد است و سطح عینی به طراحان عمل‌کننده مربوط می‌شود. در گذشته کلمه‌ی راهبرد، به «فن و هنر سرداری» اطلاق می‌شد، ولیکن امروزه مفاهیم بسیار وسیع‌تری را دربرمی‌گیرد. راهبرد دیگر در قلمرو انحصاری نظامیان نیست و تنها به هدایت عملیات مسلحانه ختم نمی‌شود. در حال حاضر، اشخاص غیرنظامی نیز مانند نظامیان، موضوع راهبردی را در سطح ملی دنبال می‌کنند. در چارچوب راهبرد ملی، راهبرد کلی سیاسی، (که به مسائل سیاست بین‌المللی و داخلی ارتباط پیدا می‌کند)، راهبرد اقتصادی و راهبرد نظامی به همراه

راهبردهای گوناگون وجود دارند که بر امنیت ملی تأثیر می‌گذارند.

سیاست‌های امنیتی بیش‌تر کشورها بر پایه‌ی سه پدیده‌ی مهم هستند که اصطلاحاً به آن مثلث راهبردی می‌گویند و عبارتند از: منافع، قابلیت‌ها و تعهدات. این پدیده‌های راهبردی نیز بر جغرافیا استوارند. پس می‌توان گفت، جغرافیای راهبردی نقش عوامل جغرافیایی را در تدوین راهبردها مورد بحث قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، دستیابی به یک راهبرد (نظامی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی) از راه عوامل جغرافیایی را راهبرد جغرافیا می‌گویند.

سرزمین ایران در طول تاریخ گذشته‌ی خود، همواره با تهاجم اقوام بیگانه به‌ویژه در محورهای شمال شرقی و شمال غربی روبه‌رو بوده است. موقعیت و فضای جغرافیایی ایران در اوایل قرن شانزدهم، توجه قدرت‌های اروپایی را به خود جلب کرد. این کشور به صورت فضای حایل میان دولت‌های رقیب درآمد. در قرن نوزدهم، ایران بیش‌ترین آسیب را از رقابت روسیه و انگلستان تحمل کرد. هدف‌های راهبردی انگلیس در این زمان، حفاظت از منطقه‌ی نفتی خلیج فارس و کنترل محور ارتباطی انگلیس به هند بود. راهبرد روسیه نیز خلاصی از وضعیت تنگنای جغرافیایی و دسترسی به آب‌های گرم خلیج فارس بود که موجب کشمکش و رقابت روسیه و انگلستان در ایران شده بود.

از مجموعه بررسی‌های مربوط به وضع ایران در جنگ‌های جهانی اول و دوم، این نتیجه حاصل می‌شود که علت عمده‌ی نقض بی‌طرفی ایران در هر دو جنگ به دست نیروها و قدرت‌های درگیر، موقعیت جغرافیایی ایران در صحنه‌ی عملیات جنگ و نقش ژئواستراتژیک آن بوده است. از دید هر یک از طرفین درگیر، ایران می‌توانست موازنه‌ی راهبردی را تغییر دهد. بنابراین می‌توان گفت که تصرف ایران در جنگ جهانی دوم، سهم به‌سزایی در تغییر موازنه‌ی قوا به سود متفقین و پیروزی آن‌ها داشت. به همین دلیل، در پایان جنگ به ایران «پل پیروزی» لقب دادند. در دوره‌ی جنگ سرد ایران و منطقه‌ی خلیج فارس، به صورت هدف مشترک راهبردی دو ابرقدرت آمریکا و شوروی درآمد، ولی نیروی دو ابرقدرت به نوعی توازن فضایی یا تثبیت قلمروهای جغرافیایی رسیده بود. در چارچوب این توازن، مزیت‌های ژئواستراتژیک و ژئوپلتیک ایران نصیب آمریکا شد و شوروی از آن محروم ماند.

در اواخر دوره‌ی جنگ سرد، انقلاب اسلامی، ایران را از دایره‌ی سیطره‌ی نفوذ غرب و آمریکا خارج ساخت و به موقعیت طبیعی واقعی حائل خود بازگرداند. به طوری که ایران موضع ژئوپلتیک منطقی خود را میان دو راهبرد بری و بحری به دست آورد. پس از جنگ سرد، خطر مستمر تهدید از شمال برطرف شد و ایران برای اولین بار از موقعیت حائل میان دو ابرقدرت بیرون آمد. در ضلع شمالی نسبت به همسایگان قفقازی و آسیای مرکزی، از منزلت برتر ژئوپلتیک و اقتدار برخوردار شد، ولی در ضلع جنوبی همچنان با رقیب سرسخت و قدرتمند خود

یعنی آمریکا روبه‌روست. چالش‌هایی که ایران در رقابت با آمریکا پس از جنگ سرد با آن‌ها روبه‌رو بوده است، عبارتند از:

۱. توسعه قلمرو و حوزه نفوذ رقیبان جهانی و منطقه‌ای پیرامون ایران؛ ۲. افزایش جهات و منابع تهدید امنیت ملی؛ ۳. محدود شدن حوزه نفوذ جمهوری اسلامی؛ ۴. توسعه بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر که الگوی رقابت آمریکا با ایران شکل تازه‌ای یافت؛ ۵. قرار گرفتن ایران در فهرست کشورهای یاغی و سرکش؛ ۶. حمله‌ی نظامی آمریکا به افغانستان و تهدید امنیت مرزهای شرقی؛ ۷. سرنگونی رژیم بعثی صدام و حضور نظامی آمریکا در عراق و تهدید امنیت طولانی‌ترین مرز مشترک ایران با کشور همسایه؛ ۸. حضور آمریکا در کشورهای آذربایجان و ترکمنستان (شمال ایران)؛ ۹. احداث پایگاه‌های نظامی جدید در کشور قطر و امارات در جنوب.

موارد بالا از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که جغرافیای راهبردی ایران را دستخوش تغییر و تحول می‌سازند. البته حضور نظامی آمریکا در افغانستان و عراق علاوه بر تهدیدات و زیان‌ها، دارای منافع و فرصت‌هایی برای کشور ایران بوده است که عبارتند از: ۱. از بین رفتن حکومت طالبان به عنوان مهم‌ترین رقیب ایدئولوژیک ایران و کوتاه شدن دست پاکستان، عربستان و امارات متحده به عنوان حامیان حکومت طالبان؛ ۲. امنیت مرزهای شرقی کشور از هجوم غارتگران؛ ۳. بازگشت آوارگان افغانی و همچنین ایجاد دولت قانونی در افغانستان و کاهش مواد مخدر که بیش‌ترین آسیب‌های امنیتی و اقتصادی را متوجه ایران می‌سازند؛ ۴. در عراق نیز از بین رفتن حکومت بعثی موجب کاهش تنش و برخورد در مرزهای غربی شده است و به تبلیغات تفرقه‌انگیز ۴۰ ساله‌ی حکومت بعثی بر علیه ایران پایان داد.

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که جغرافیای راهبردی ایران در طول تاریخ، در حال تغییر و دگرگونی بوده است و عوامل متعددی در آن دخالت داشته‌اند که عبارتند از: تحولات ژئوپلیتیکی در منطقه‌ی جنوب غربی آسیا، دگرگونی در نظام جهانی و منطقه‌ای قدرت، و پدید آمدن فرصت‌های جدید برای برخی از کشورها (قطر، روسیه، انگلیس، آلمان، آمریکا و...) در صحنه‌ی بین‌المللی، برخورد ساده‌لوحانه و ناآگاهانه‌ی دولت ایران نسبت به تحولات ژئوپلیتیکی منطقه و جهان و نیز غفلت و ناآگاهی دولت از تعریف مشخص راهبرد ملی برای بهره‌برداری از فرصت‌های ژئوپلیتیکی، خصوصاً پس از دوران جنگ سرد. حال با حضور نظامی آمریکا در اطراف کشور ایران و راهبرد نظامی اتخاذ شده بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر توسط آمریکا که بیانگر نیت آن‌هاست، اتخاذ راهبرد اصولی و منطقی در راستای جغرافیای راهبردی برای حفظ منابع ملی و تمامیت ارضی ایران، بسیار مهم است.

زیرنویس

1. strategy 2. strategous 3. Heartlands

منابع

- اطاعت، جواد. ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران. تهران. نشر سفیر. چاپ اول. ۱۳۷۶.
- امام‌زاده فرد، پرویز. نظام بین‌الملل و منطقه‌ی خلیج فارس. مجله‌ی سیاست خارجی. سال سیزدهم. شماره‌ی ۱. ۱۳۷۸.
- بزرگمهری، مجید. سیاست خارجی آمریکا به رهبری نو محافظه‌کاران. تهران. اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره‌ی ۲۰۰-۱۹۹۹. ۱۳۸۳.
- بدیعی‌ازنده‌ای، مجید. تحلیل خلأ استراتژی ژئوپلیتیکی در مثلث استراتژیک ایران، پاکستان و افغانستان. رساله‌ی دکترای دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۸۲.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. جغرافیای سیاسی ایران. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۸۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. جغرافیای سیاسی ایران. جزوه‌ی درسی دانشگاه تربیت مدرس. منتشر نشده. ۱۳۷۹.
- جعفری‌ولدانی، اصغر. ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. تهران. ۱۳۸۲.
- قوام، ع. اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ دوم. ۱۳۷۲.
- قیصرمان‌پور، ر. حضور آمریکا در افغانستان و منافع ملی ایران. فصل‌نامه‌ی منطقه‌ای. شماره‌ی ۳.
- شکویی، حسین. جغرافیای کاربردی و مکتب جغرافیایی. مشهد. انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ اول. سال ۱۳۶۴.
- شکویی، حسین. فلسفه‌ی جغرافیا. تهران. گیتاشناسی. چاپ اول. ۱۳۶۴.
- عزتی، عزت‌الله. ژئواستراتژی. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم دانشگاه‌ها. چاپ اول. ۱۳۷۳.
- عزتی، عزت‌الله. جزوه‌ی درس ژئواستراتژی. دانشکده‌ی روابط بین‌الملل. تهران. ۱۳۷۰.
- عزتی، عزت‌الله. ژئواستراتژی. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۷۳.
- کالینز، جان‌ام. استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها). ترجمه‌ی کورش بابندر. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. تهران. ۱۳۸۳.
- ذوقی، ا. ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم. بازننگ. تهران. ۱۳۸۲.
- کامران، حسن. جغرافیای استراتژیک خلیج فارس. رساله‌ی دکترای جغرافیای سیاسی. دانشکده‌ی علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس. ۱۳۷۴.
- مجتهدزاده، پیروز. جهان در سالی که گذشت. اطلاعات سیاسی اقتصادی. شماره‌ی ۱۸۸-۱۸۷. تهران. فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲.
- میرحیدر، دره. مبانی جغرافیای سیاسی. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۷۱.
- نقیب‌زاده، ا. تحولات روابط بین‌المللی از کنگره‌ی وین تا امروز. نشر قومس.
- واته‌رز، ر. دام سلاح هسته‌ای. ترجمه‌ی محمدرضا فتاحی. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. تهران. ۱۳۶۳.
- Craig Sonyder (1998). Contemporary security and strategy. First published, Macmillan press. Ltd, 199. p. 4. Burk Arleigh. Encyclopedia Encarta.
- Jameo Brian Quinn (1980). Strategy for changes. First published. Homewood.

ویژگی‌های هیدرولوژیکی حوضه‌ی آبخیز فیروزکوه

دکتر سیاوش شایان

استادیار گروه جغرافیای طبیعی، دانشگاه تربیت مدرس

هژیر آسا

کارشناس ارشد جغرافیای طبیعی

اشاره

مسأله‌ی مدیریت و استفاده‌ی بهینه از منابع آب، پیوسته ذهن انسان را در همه‌ی نقاط جهان، به ویژه ایران، به خود مشغول کرده است. بشر در طول تاریخ با کمک علوم گوناگون در این راه گام برداشته است. در سال‌های اخیر، حوضه‌ی آبخیز فیروزکوه، به علت ویژگی‌های خاص فیزیوگرافیکی و هیدرولوژیکی و همچنین، فقدان مدیریت صحیح، متحمل صدمات جبران‌ناپذیری شده است.

برای تدوین برنامه‌ای در این راستا، مطالعات متعددی انجام شده است. در پژوهش حاضر، خصوصیات طبیعی منطقه، همچون ساختار زمین‌شناسی، میزان فرسایش سنگ‌ها، دانه‌بندی رسوبات، میزان نفوذپذیری، پوشش گیاهی و بسیاری دیگر مطالعه و بررسی شده و اقلیم و عوامل آن، با توجه به روابط کمی و تجربی، تعیین و مطالعه شده‌اند. همچنین، فیزیوگرافی و شکل کلی زیر حوضه‌ها مطالعه، و بیان آبی منطقه بر اساس روش «تورنت‌آیت» محاسبه شده است. با نگاهی به یافته‌ها ملاحظه می‌شود که این حوضه حدود نیمی از سال کمبود آب دارد، اما در مواقع بارندگی و رطوبت، شاهد سیلاب‌های متعددی در سطح منطقه و حوضه‌ی آبخیز هستیم.

در مقاله‌ی حاضر سعی شده است، با برقراری ارتباط بین عوامل بالا، میان آب ورودی حوضه (بارندگی و ذوب برف) با خروجی‌های آن مقایسه‌ای صورت بگیرد و توصیه‌هایی حفاظتی برای حفظ حوضه‌ی رود، و بستر و کناره‌های آن ارائه شود، تا حفظ و افزایش توانایی‌های محیطی این حوضه‌ی آبخیز و منطقه را در پی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت منابع آب، حوضه‌ی آبخیز فیروزکوه، فیزیوگرافی، مدیریت محیط، ژئومورفولوژی

۱. سرآغاز

کشور ما ایران از جمله کشورهایی است که به علت موقعیت و ویژگی‌های خاص جغرافیایی، به طور مداوم با مشکل آب روبه‌رو بوده است. از این‌رو ایرانیان همیشه به دنبال یافتن راه‌حلی برای رفع این مشکل بوده و هستند؛ چنان‌که عده‌ای از مورخان، ایران را «کشور قنات» نامیده‌اند. در این راه همواره از علوم گوناگون (گیاه‌شناسی، خاک‌شناسی، هواشناسی و اقلیم‌شناسی، زمین‌شناسی و...) به شیوه‌های گوناگون (قنات، چاه،

پیدا کردن سفره‌های آبی، سد و...) استفاده شده است. شکل علمی این علوم امروزه در قالب مهندسی منابع آب، علوم آبخیزداری، منابع طبیعی، محیط‌زیست و جغرافیا دیده می‌شود. همه‌ی این علوم سعی در استفاده‌ی بهینه از منابع آب موجود دارند.

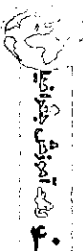
شهرستان فیروزکوه در منتهی‌الیه شرقی و شمال شرقی استان تهران، در ۱۳۵ کیلومتری شهر تهران قرار گرفته است [پازوکی طرودی، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۳]، و تاریخچه‌ای کهن دارد. همچنین، آثار باستانی بسیاری در آن یافت شده است. آثار و محصولاتی که امروزه در این منطقه کشف می‌شوند، سطح بسیار بالایی توانایی محیطی منطقه را نشان می‌دهند. بارندگی آن خوب و خاک آن از تکامل نسبتاً مناسبی برخوردار است. وجود سیلاب‌های مداوم، خصوصاً طی سال‌های اخیر، به توانایی کشاورزی منطقه لطمات بسیاری وارد کرده است. از این‌رو، به بررسی منابع و تدوین الگوهای مدیریتی آبی نیاز دارد.

۲. منطقه‌ی مورد مطالعه

حوضه‌ی آبخیز فیروزکوه، یکی از زیر حوضه‌های آبخیز حبله‌رود، در شمال شرقی این حوضه در استان تهران واقع است و به طور کلی، یکی از زیر حوضه‌های آبریز کویر مرکزی ایران از حوضه‌ی آبریز فلات مرکزی محسوب می‌شود (نقشه‌ی ۱). از نظر تقسیم‌بندی هیدرولوژیکی، این حوضه یکی از واحدهای سراب حوضه‌ی آبخیز حبله‌رود محسوب می‌شود و از شمال، هم‌مرز با استان مازندران و از شرق، هم‌مرز با استان سمنان است. حوضه‌ی فرمانداری آن ۲۳۱۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و از نظر تقسیمات کشوری شامل دو بخش می‌شود:

الف) بخش ارجمند: این بخش نواحی شمالی و شمال غرب را دربرمی‌گیرد و شامل دهستان دو بلوک و قزقنچای است.

ب) بخش مرکزی: شامل نواحی شمال به شرق و جنوب فیروزکوه است که دهستان‌های پشتکوه شهرآباد و حبله‌رود را دربرمی‌گیرد [پازوکی طرودی، ۱۳۸۱: ۱۸-۱۷]. این حوضه با مساحت ۶۳۲ کیلومتر مربع، از طول جغرافیایی $38^{\circ}52'$ تا $53^{\circ}9'$ عرض جغرافیایی تا $25^{\circ}25'$ تا $35^{\circ}57'$ گسترده شده است (نقشه‌ی ۲). حداقل ارتفاع آن ۱۷۰۰ متر و حداکثر ارتفاع آن ۳۵۰۰ متر از سطح دریاست. کشیدگی حوضه‌ی شرقی غربی و جهت رودهای آن متفاوت



جدول ۱. مشخصات پایه ای زیرحوضه های فیروزکوه

حوضه	مساحت (به هکتار)	مساحت (به کیلومتر مربع)	محیط (به کیلومتر k)	طول آبراهه ی اصلی (کیلومتر)	عرض جغرافیایی	طول جغرافیایی
جلیز جند	۱۶۱۲۶٫۷۷	۱۶۱٫۲۶۷	۸۶٫۳۵	۳۳	۳۵°-۵۷'۵۲"-۴۵'	۵۲°-۵۰'۵۲"-۳۸'
آندور	۷۶۶۷٫۷	۷۶٫۶۷	۴۷٫۵۲	۲۰٫۴	۳۵°-۵۴'۵۳"-۴۵'	۵۲°-۵۳'۵۲"-۴۵'
کتالان	۴۸۵۲٫۸	۴۸٫۵۲۸	۳۷٫۳۰۹	۲۲	۳۵°-۵۴'۵۳"-۴۷'	۵۲°-۵۴'۵۲"-۴۸'
گدوک	۵۸۲۷٫۵	۵۸٫۲۷	۳۷٫۷۰۸	۱۴٫۳	۳۵°-۴۷'۵۳"-۳۵'	۵۲°-۵۵'۵۲"-۵۲'
طرود	۸۷۵۹٫۷	۸۷٫۶	۵۱٫۵۳	۲۰	۳۵°-۵۲'۵۳"-۴۵'	۵۳°-۶'۵۲"-۵۲'
گورسفید	۱۱۷۹۳	۱۱۷٫۹۳	۵۴٫۱۵	۲۵٫۱۳	۳۵°-۴۸'۵۳"-۴۳'	۵۳°-۹'۵۲"-۵۴'
مهن	۹۱۲۶٫۸۹	۹۱٫۲۶۹	۴۶٫۲	۱۸	۳۵°-۴۵'۵۳"-۳۷'	۵۳°-۲'۵۲"-۵۳'
فیروزکوه	۱۵۵۵۸٫۱	۱۵۵٫۵۸	۸۳٫۹	۲۷٫۲	۳۵°-۳۷'۵۳"-۲۵'	۵۲°-۵۴'۵۲"-۴۱'
جمع	۶۳۱۸۰	۶۳۱٫۸	کل حوضه ی فیروزکوه ۱۸۱٫۸	۵۲٫۳۳	۳۵°-۵۷'۵۳"-۲۵'	۵۳°-۹'۵۲"-۳۸'

[شایان-آسا، ۱۳۸۴]

است. زیرحوضه های جلیز جند، آندور و کتالان در جهت های شمال و شرق هستند. رودهای گورسفید طرود و گدوک، جهت شمال شرق به جنوب غربی دارند و رود مهن جهت جنوب به شمال دارد (نقشه ی ۳).

بازدیدهای میدانی انجام گرفته و نتیجه گیری نهایی به عمل آمده است.

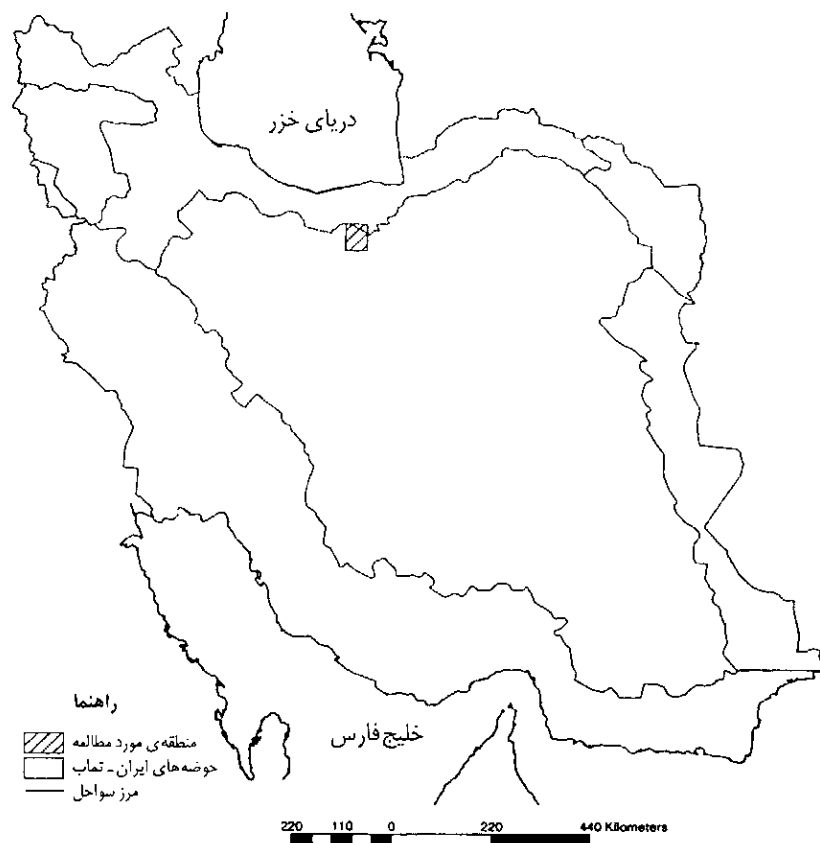
۴. خصوصیات طبیعی حوضه

از نظر زمین شناسی در حوضه ی مورد بررسی، رسوبات دوران

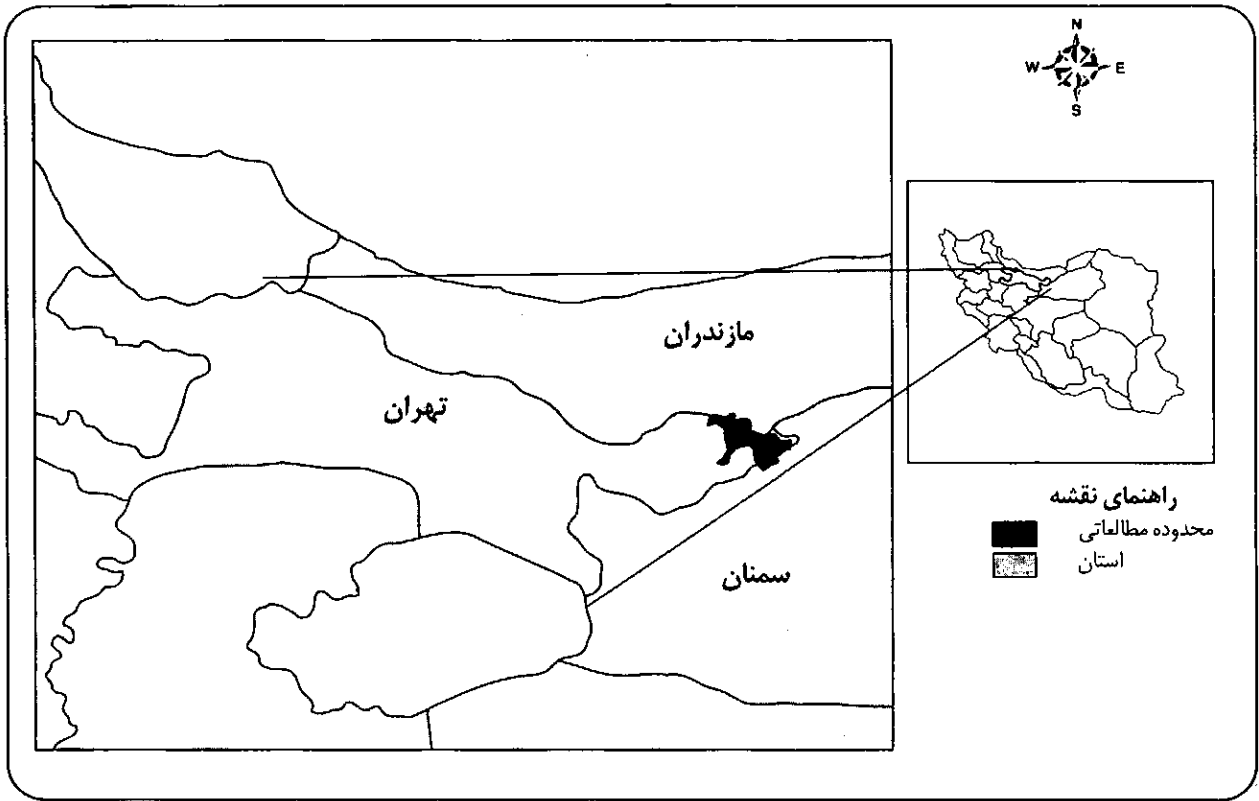
دشت فیروزکوه با موقعیت جغرافیایی ۴۰°-۵۲' و ۵۲°-۵۴' طول شرقی و ۳۵°-۴۲' تا ۳۵°-۵۱' عرض شمالی، ۱۴۱ کیلومتر مربع از مساحت حوضه را دربر گرفته و در مرکز حوضه متمایل به غرب آن قرار گرفته است (نقشه ی ۴). رود فیروزکوه از هر دو محدوده ی کوه و دشت عبور کرده است و نقش مهمی در رژیم آبی هر دو دارد. حوضه ی آبخیز فیروزکوه شامل هشت زیرحوضه است که موقعیت، مساحت و محیط هر یک طبق جدول ۱ نشان داده شده است.

۳. مواد و روش ها

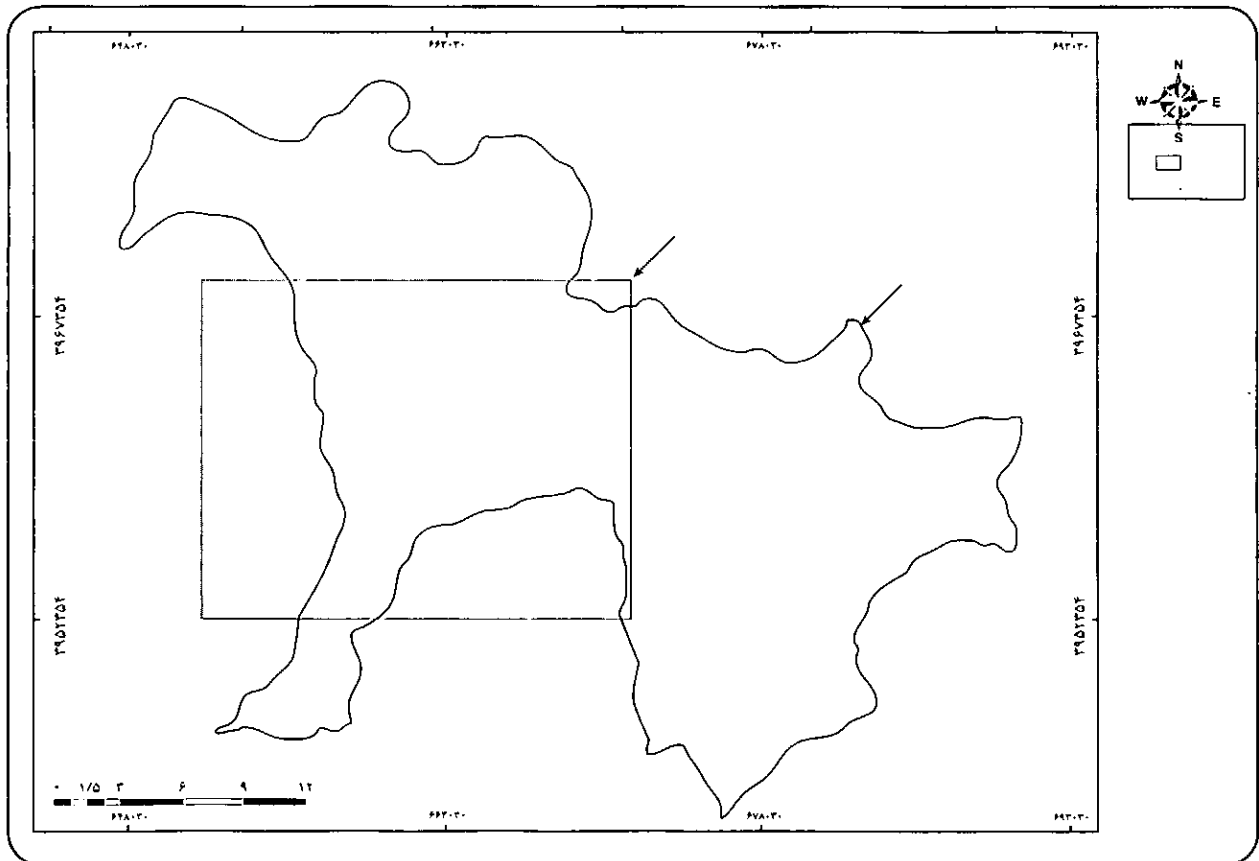
برای مطالعه ی رژیم هیدرولوژیکی حوضه ی فیروزکوه، ابتدا خصوصیات طبیعی آن از نظر ساختار زمین شناختی و سپس عوامل اقلیمی، هیدرولوژیکی و فیزیوگرافیکی بررسی شده اند. گزارش های زمین شناسی، نقشه ها، آمارهای اقلیمی و رژیم آبها دریافت و براساس مدل های اقلیمی محاسبه شده اند، و در نهایت،



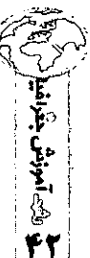
نقشه ی ۱. تقسیم بندی حوضه های آبخیز ایران، از نظر شرکت تماپ و موقعیت حوضه ی مورد مطالعه

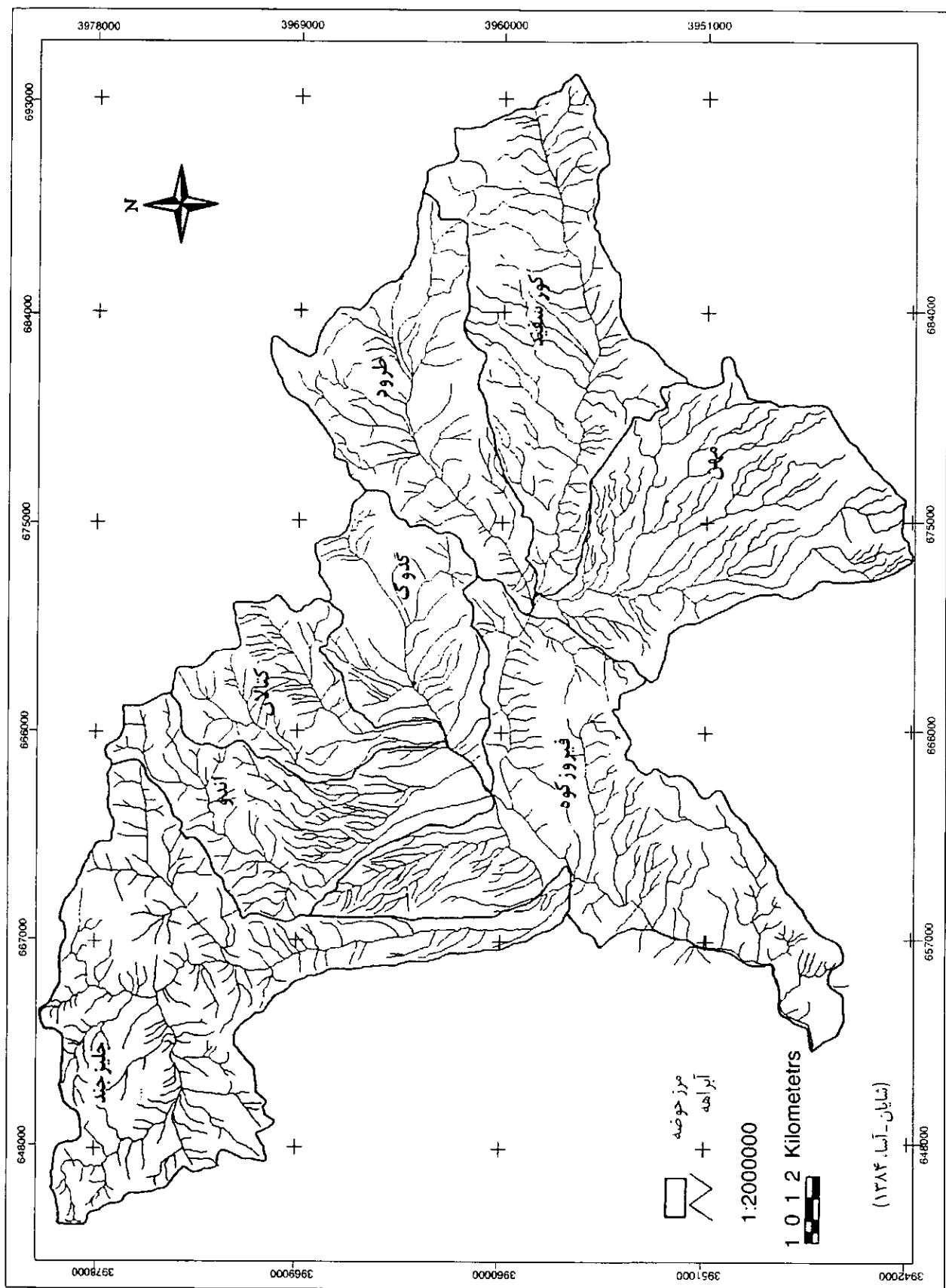


نقشه ۲. نقشه‌ی موقعیت حوضه‌ی مورد مطالعه در سطح استان تهران و کل کشور. (شایان - آسا - ۱۳۸۴)

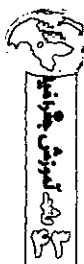


نقشه ۳. نقشه‌ی زیر حوضه‌ها و آبراهه‌های حوضه‌ی آبخیز فیروزکوه (شایان - آسا - ۱۳۸۴)





نقشه ی ۴. موقعیت نسبی حوضه و دشت نسبت به هم.



ردیف	نام ایستگاه	نام رودخانه	طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	ارتفاع (متر)	سال‌های امار برداری ایستگاه	نام ارگان	نوع ایستگاه	محل قرارگیری	سال تأسیس
۱	فیروزکوه	فیروزکوه	۵۲°۴۶'	۳۵°۴۵'	۱۹۱۰	۱۳۴۵-۷۶	وزارت نیرو	باران‌سنجی	داخل حوضه	۱۳۴۵
۲	سپین‌دشت	دلچای	۵۲°۳۰'	۳۵°۳۲'	۱۴۴۰	۱۳۵۱-۷۶	وزارت نیرو	تبخیرسنجی	خارج حوضه	۱۳۵۱
۳	نورود	نورود	۵۳°۳۹'	۳۵°۴۳'	۱۸۱۰	۱۳۴۶-۷۶	وزارت نیرو	تبخیرسنجی	خارج حوضه	۱۳۴۵
۴	خیرآباد سیمان	گل‌رود بار سیمان	۵۳°۱۲'	۳۵°۳۳'	۱۰۹۵	۱۳۴۸-۷۶	وزارت نیرو	تبخیرسنجی	خارج حوضه	۱۳۴۶
۵	جلیزچند	جلیزرود	۵۲°۴۴'	۳۵°۵۳'	۲۵۰۰	۱۳۶۰-۷۶	وزارت نیرو	باران‌سنجی	داخل حوضه	۱۳۶۰
۶	ایبج	امامزاده عبدالله	۵۱°۵۸'	۳۵°۲۹'	۱۷۲۰	۱۳۶۲-۷۶	وزارت نیرو	باران‌سنجی	خارج حوضه	۱۳۶۲
۷	پیرزه	جلیزرود	۵۲°۳۶'	۳۵°۴۰'	۲۲۰۰	۱۳۶۰-۷۶	وزارت نیرو	باران‌سنجی	خارج حوضه	۱۳۵۱
۸	قهوه‌خانه (سرخه)	سرخه	۵۳°۰۹'	۳۵°۳۳'	۱۷۰۰	۱۳۶۱-۷۶	وزارت نیرو	باران‌سنجی	خارج حوضه	۱۳۶۱
۹	درخت‌پای (خروچی زانمان)	درختین	۵۳°۲۰'	۳۵°۳۹'	۱۳۷۰	۱۳۶۲-۷۶	وزارت نیرو	باران‌سنجی	خارج حوضه	۱۳۶۲
۱۰	گنداب بشم	سرخه	۵۳°۰۲'	۳۵°۴۳'	۲۱۰۰	۱۳۶۷-۷۶	وزارت نیرو	باران‌سنجی	خارج حوضه	۱۳۶۲
۱۱	بشم بن	گل‌رود بار سیمان	۵۳°۱۶'	۳۵°۴۹'	۲۸۰۰	۱۳۶۶-۷۶	وزارت نیرو	باران‌سنجی	خارج حوضه	۱۳۶۶
۱۲	مهدی شهر	جلیزرود	۵۳°۲۰'	۳۵°۴۲'	۱۵۵۰	۱۳۶۳-۷۶	وزارت نیرو	باران‌سنجی	خارج حوضه	۱۳۶۳
۱۳	علی‌آباد وشتان	جلیزرود	۵۲°۳۱'	۳۵°۳۷'	۲۱۰۰	۱۳۶۰-۷۶	وزارت نیرو	باران‌سنجی	خارج حوضه	۱۳۶۰
۱۴	زرگل سرخ‌آباد	-	۵۲°۵۹'	۳۵°۵۵'	۱۵۰۰	۱۳۴۶-۷۹	سازمان هواشناسی کشور	اقلیم‌شناسی	خارج حوضه	۱۳۴۵
۱۵	فیروزکوه	-	۵۲°۴۷'	۳۵°۴۵'	۱۹۲۲	۱۳۴۵-۷۹	سازمان هواشناسی کشور	سین‌اینک	داخل حوضه	۱۳۴۵

[شماره: آسا، ۱۳۸۴]

حبله رود قرار گرفته است [علانی طالقانی، ۱۳۸۰: ۱۱۷-۱۱۶].

کوهستانی بودن منطقه موجب به وجود آمدن دشت‌های کوچکی شده است که اغلب در حاشیه‌ی رودخانه‌ها ایجاد شده‌اند. در جنوب ناحیه بر اثر وجود گسل با امتداد جنوب غربی به شمال شرقی، ناحیه‌ی آبرفتی محدودی ایجاد شده است و تراس‌های آبرفتی و رسوبات ماسه‌ای پلیستوسن ظاهر شده‌اند [همان، ص ۱۱۸-۱۱۷].

کشاورزی منطقه به صورت‌های دیم و آبی، و توأم با باغداری است و جمعاً ۴۲۸۰ هکتار از اراضی شهرستان، زیر انواع کشت قرار دارد. کشت غالب منطقه سیب‌زمینی و تیپ غالب اراضی منطقه، کوهستانی است. اراضی، اعم از اراضی آبرفتی بادبزی شکل تا کوهستانی، کاربری‌های متفاوتی دارند. از اراضی آبرفتی به عنوان مرتع زراعت آبی و دیم استفاده شده است. سنگ‌های با کلاسه‌ی فرسایشی ۳، بیش‌ترین مساحت سنگ‌های حساس به فرسایش را تشکیل می‌دهند. از عوامل مهم ایجاد رسوب آبرفتی در منطقه، سنگ‌های آذرین تخریب شده هستند. کلاسه‌ی ۳ نفوذپذیری سنگ‌ها، بیش‌ترین مساحت را در میان دیگر سنگ‌های ناحیه دارد. ماسه سنگ شیل و کنگلومراها بیش‌ترین مساحت را در سطح دامنه‌ها تشکیل می‌دهند [جهاد کشاورزی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۳۰۰-۲۹۷].

۵. خصوصیات اقلیمی و

هیدرولوژیکی حوضه‌ی آبخیز فیروزکوه

۵-۱. اقلیم حوضه: برای بررسی شرایط اقلیمی حوضه، از ایستگاه‌های سازمان هواشناسی کشور و وزارت نیرو استفاده شده که مشخصات هر یک از این ایستگاه‌ها در جدول ۲ آمده است.

همانند عوامل مؤثر بر آب و هوای ایران که به دو دسته‌ی کلی درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند [علی‌جانی، ۱۳۷۵: ۷-۱۰]، عوامل محلی مؤثر در این ناحیه نیز شامل ناهمواری‌ها و پوشش زمین می‌شود. عوامل بیرونی طی دو دوره‌ی گرم و سرد، تأثیراتی مشابه با نواحی مرکزی

دوم با بیش‌ترین گسترش، در میزان ذخیره‌ی آب منطقه اساسی‌ترین نقش را دارند [جهاد کشاورزی، ۱۳۷۵: ۷-۱۳۰: ۱۲۶]. مهم‌ترین سازنده‌های آن عبارتند از: ماسه سنگ، شیل و شیبست، سازند شمشک مربوط به دوران ژوراسیک، و آهک کارستیک سازند دلار. سازنده‌های دوره‌ی کوآترن به صورت رسوبات کوآترن در سطح زیر حوضه‌ی مهن، جلیزچند، و گور سفید دیده می‌شوند [جهاد کشاورزی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۸۰-۲۷۶]؛ و نقشه‌ی سازمان زمین‌شناسی G-5. از نظر ژئومورفولوژی، این حوضه در البرز میانی، از گردنه‌ی کندوان تادره‌ی

ایران، در سطح این حوضه دارند. طی تحقیقاتی که براساس آمار بارندگی و دما در دامنه‌های شمالی و جنوبی البرز صورت گرفته است می‌توان گفت، با ضریب همبستگی در سطح ۹۹ درصد، میان افزایش ارتفاع و بارندگی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد [علی‌جانی، ۱۳۷۵: ۴۴-۴۵]. خلاصه‌ی اطلاعات اقلیمی منطقه را می‌توان در جدول ۳ و نمودارهای ۱ تا ۳ نشان داد.

اقلیم نمای هایتروگراف منطقه (نمودار ۳) نشان‌دهنده این است که تغییرات دما در سطوح منطقه بسیار بیش‌تر از تغییرات بارندگی طی سال است. جهت برآورد حداکثرهای احتمالی بارندگی طی دوره‌ی بازگشت‌های متفاوت، چهار ایستگاه به عنوان ایستگاه‌های شاخص انتخاب شده و انواع توزیع‌ها در سطوح آن‌ها مورد آزمون قرار گرفته است. طی این آزمون ملاحظه شد، بارندگی منطقه از سه توزیع نرمال، پیرسون تیپ سوم، و لوگ پیرسون تیپ سوم پیروی می‌کند و توزیع غالب بارندگی در منطقه، پیرسون تیپ سوم است [علی‌زاده، ۱۳۷۴: ۴۸۱-۵۰۹].

۵-۲. هیدرولوژی حوضه‌ی آبخیز فیروزکوه

حوضه‌ی آبخیز فیروزکوه به هشت واحد هیدرولوژیکی تقسیم شده است که در جدول ۴ نشان داده شده‌اند. با محاسبه‌ی بیلان آبی براساس روش تورنت وایت مشخص شده است، این حوضه از تیرماه تا اواخر آبان‌ماه ذخیره‌ی رطوبتی خاک ندارد و طی همان مدت، از کمبود آب بالایی برخوردار است [جدول ۵]. با مقایسه‌ی نتیجه‌ی حاصل از این جدول با نمودار آمبروترمیک حوضه مسأله روشن‌تر می‌شود. با بررسی دبی‌های رودخانه طی سال، روی توزیع‌های آماری متفاوت، دیده شد که دبی‌های این رودخانه فقط از پیرسون تیپ سوم پیروی می‌کنند. جدول ۶ مشخصات توزیع‌های آماری دبی رودخانه و سایر پارامترها را نشان می‌دهد [علی‌زاده، ۱۳۷۴: ۴۸۱-۵۰۹].

مشخصات فیزیوگرافیکی و هیدرولوژیکی زیرحوضه‌های آبخیز فیروزکوه

این زیرحوضه‌ها به استثنای دوزیرحوضه‌ی گورسفید و فیروزکوه، ایستگاه هیدرومتری ندارند. بنابراین، مطالعه‌ی هیدرولوژیکی آن‌ها بر ضرایب شکل موجود و جنس زمین بسیار متکی است. مشخصات فیزیوگرافیکی زیرحوضه‌ها و کل حوضه‌ی فیروزکوه براساس جدول ۴ مشخص شده است. زیرحوضه‌های این حوضه‌ی آبخیز از تنوع شکلی زیادی برخوردارند. این تنوع شکل و جنس زمین روی شکل آبراهه‌ها تأثیرات زیادی دارد و در سطوح آبراهه‌ها انواع دندریتی و موازی دیده می‌شوند. عمق خاک در بعضی از آن‌ها، مثل جلیزچند، بسیار کم، سطح خاک از سنگ‌های تقریباً یکپارچه و نفوذناپذیر پوشیده شده است. همچنین، از نمایه‌ی شکل بالایی برخوردار است و در نتیجه، دبی بالایی دارد.

جدول ۴. مشخصات فیزیوگرافیکی زیرحوضه‌ها و حوضه‌ی آبخیز فیروزکوه

رتبه‌ی آبراهه‌ها توجه به نقشه ۱:۲۰۰۰۰۰	طول آبراهه		طول حوضه		زمان تمرکز (ساعت)			ضرایب شکل						مسطح‌مدان		شیب موسط حوضه %	شیب موسط رودخانه %	محیط Km	مساحت Km ^۲	نام حوضه
	Km	Km	Km	Km	برآیند وینا	کالینیا	کریچ	شیب شکل	شیب موسط	خوردگی	گرابوس	عرض Km	طول Km							
۵	۳۳	۲۴	۱۷	۱۷	۹	۳/۸	۳/۳	۹/۹۲	۰/۶	۰/۲۷	۰/۲۷	۱/۹	۴/۰۳	۴۰	۱۰	۲/۷۵	۸۶/۳۵	۱۶۱/۲۶	جلیزچند	
۴	۲۰/۴	۱۷	۵/۸	۱۷	۹	۲/۱۷	۲/۱۶	۵/۲۸	۰/۵۸	۰/۲۶	۰/۲۶	۱/۵۳	۳/۸	۲۰/۱	۱۱	۳	۴۷/۵۲	۷۶/۶۷	آندو	
۴	۲۲	۱۷/۴	۷/۲	۱۷/۴	۱۳	۲/۷	۲/۷۲	۴/۹۸	۰/۶۳	۰/۳۱	۰/۴۳	۱/۵	۳/۱۱	۱۵/۵	۱۱	۳/۴۲	۳۷/۳۰۹	۴۸/۵۲۸	کالان	
۴	۱۴/۳	۱۳	۴/۱۷	۱۳	۱۳	۱/۵	۱/۵۷	۴	۰/۶۶	۰/۳۴	۰/۵۱	۱/۴	۳/۸	۱۵/۲	۶	۳	۳۷/۷۰۸	۵۷/۲۷	گدوک	
۴	۲۰	۱۸	۶/۴۶	۱۸	۲۰	۲/۷۵	۲/۷۷	۵/۵	۰/۵۸	۰/۲۷	۰/۳۱	۱/۵۵	۴	۲۲	۱۰/۷	۲/۵	۵۱/۵۳	۸۷/۶	طرود	
۴	۲۵/۱۳	۲۲	۴/۷۴	۲۲	۲۲	۲/۵	۲/۵	۵	۰/۵۵	۰/۲۳	۰/۴۴	۱/۵	۴/۸۸	۲۴/۱۳	۴/۱۴	۱/۹۵	۵۴/۱۵	۱۱۷/۹۳	گورسفید	
۵	۱۸	۱۷	۵/۳	۱۷	۱۷	۲/۱۴	۲/۱	۳/۶۱	۰/۶۳	۰/۳۱	۰/۵۳	۱/۳۶	۵/۰۳	۱۸/۱۸	۷	۳/۷۱	۴۶/۲	۹۱/۲۶	مغین	
۶	۲۷/۲	۲۳	۹/۲۵	۲۳	۲۳	۴/۲	۴/۳۱	۹/۲۹	۰/۶۱	۰/۲۹	۰/۲۷	۱/۹	۴/۱	۳۸/۱	۲	۰/۵۹	۸۴	۱۵۵/۵۸	فیروزکوه	
۶	۴۹	۴۳	۱۲	۴۳	۴۳	۴/۷	۴/۶	۰/۶۵	۰/۳۴	۰/۳۴	۲/۰۲	۷/۶۱	۸۳	۹	۴/۳۳	۱۸۱/۸	۶۳۲	کل حوضه فیروزکوه		

[خانیان-آسا، ۱۳۸۴]

اما موارد استثنایی هم در حوضه وجود دارند. از جمله، زیرحوضه‌ی آبخیز گورسفید از عمق خاک زیادی برخوردار است، ولی به علت گسترده بودن دشت سیلابی استعداد سیلخیزی بالایی دارد. به طور کلی، زیرحوضه‌ها از زمان تمرکز بالایی برخوردارند و همه‌ی آن‌ها به غیر از جلیزچند که شکل معادل آن مثلث است، شکل معادل



مستطیل دارند. کل حوضه شکل معادل لوزی دارد و کشیدگی همه ی حوضه ها به جز زیر حوضه ی مهن، بسیار زیاد است.

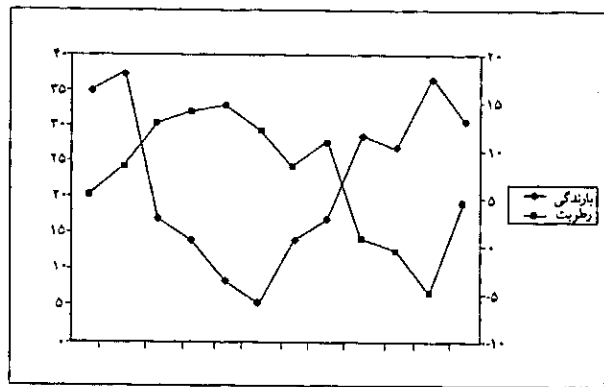
بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته های محاسباتی و میدانی می توان گفت، منطقه و حوضه ی آبخیز فیروزکوه با توجه به میزان نزولات جوی و رژیم آبدهی رودخانه ها، از توانایی های محیطی بسیاری برخوردار است. اما با توجه به این که شش ماه از سال شاهد کمبود آب هستیم و طی فصل های بارندگی افزایش سیل و هرز آب وجود دارد، این مسأله بر توانایی های محیطی تأثیر منفی می گذارد و از توانایی های محیطی می کاهد.

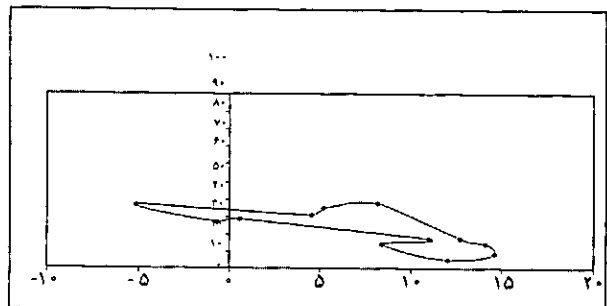
روند مشخصی میان آبدهی رودخانه ها و نزولات جوی دیده نمی شود. علاوه بر این، سازندهای زمین شناسی، روی آبدهی تأثیر زیادی گذاشته اند که این موارد، ضرورت تدوین الگوهای اصلاح و حفاظت (رودخانه و حوضه) را در این منطقه و حوضه، با تأکید بر ساختار زمین شناسی، نشان می دهد.

راه حل هایی که برای این حوضه می توان ارائه داد، شامل دو دسته ی زیر هستند:

۱. راه حل های حفاظت حوضه ی آبخیز؛
۲. راه حل های حفاظت رودخانه و حاشیه ی آن



نمودار نوسان دما و بارندگی حوضه فیروزکوه



اقلیم نمای حوضه فیروزکوه

جدول ۳. خلاصه ی پارامترهای اقلیمی حوضه ی آبخیز فیروزکوه

عامل اقلیمی	نتیجه	توضیحات	عامل اقلیمی	نتیجه	توضیحات
بارندگی متوسط	۲۷۲ میلی متر	-	خشکسالی	خرمگسالی	بر اساس شاخص بدون بعد
دمای متوسط	۷ درجه ی سانتی گراد	-	باد غالب	باد غالب	از طرف جنوب غربی
تبخیر و تعرق	۳۹۴٫۴ میلی متر	بر اساس روش تورنت وایت	طبقه بندی اقلیمی	استراخان (ارالی)	روش یگی
یخبندان	۱۶۷ روز	دیده بانی سینوپتیکی		خشک و نیمه خشک عرض های میانی	روش کوپن
ضریب برفگیری	۶۷٫۷ درصد	روش ساتیش		نیم مرطوب سرد	روش آمبرژه
آب حاصل از ذوب برف	۲۱۰٫۲ میلی متر	-			

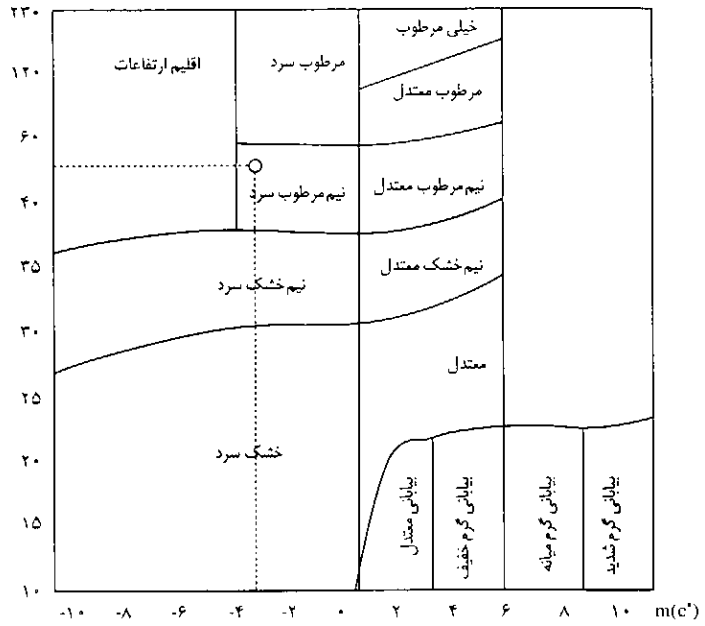
[شاپان-آسا، ۱۳۸۴]

جدول ۵. بیلان آبی حوضه ی آبخیز فیروزکوه بر اساس روش تورنت وایت (روش از ضیایی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴-۱۵۰)

پارامترها	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	سالیانه
تبخیر و تعرق پتانسیل	۲۸	۴۳	۶۴	۷۰٫۲	۳٫۵	۶۰٫۷	۴۳	۵۶	۴	-	-	۲٫۲۵	۳۹۴٫۴
متوسط بارندگی	۳۵٫۱	۳۷٫۷	۱۷٫۱	۱۴٫۲	۸	۵	۱۴٫۲	۱۷	۲۸٫۸	۲۷	۳۷	۳۰٫۶	۲۷۲
ذخیره ی رطوبت خاک	۱۰۰	۹۴٫۷	۵۳٫۱	-	-	-	-	-	۲۴٫۸	۵۱٫۸	۱۰۰	۱۰۰	-
تبخیر و تعرق حقیقی	۲۸	۴۳	۶۴	۱۴٫۲	۸	۵	۱۴٫۲	۱۷	۴	-	-	۲٫۲۵	۲۰۰
کمبود جریان	-	-	-	۵۶	۲۲٫۵	۵۵٫۷	۲۸٫۸	۳۹	-	-	-	-	۲۰۲
مازاد آب یا آب اضافی	۷٫۱	۱۵	۱۵٫۷	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۸٫۳۵	۵۲٫۱۵

[شاپان-آسا، ۱۳۸۴]

توری سنگی اشاره کرد. سرمایه گذاری و هزینه برای انجام این موارد نه تنها از خطرات احتمالی محیطی در منطقه خواهد کاست، بلکه موجب افزایش بهره‌وری محیطی منطقه نیز می‌شود. با توجه به توانایی‌های زیاد محیطی و حاصلخیزی منطقه‌ی فیروزکوه، همه‌ی این سرمایه‌گذاری‌ها برگشت می‌شود و سود مناسبی به دنبال خواهد داشت.



نمودار ۳. نمودار هایترگراف حوضه‌ی آبخیز فیروزکوه [شایان-آسا، ۱۳۸۴]

از راه‌حل‌های حفاظت حوضه می‌توان به مواردی چون: ایجاد پیتینگ، مراتع مشجر، لانه‌ی بوقلمون، پوشش گیاهی بوته‌ای و فارو اشاره کرد. از راه‌حل‌های حفاظت رودخانه به شکل مؤثر در سطح حوضه می‌توان به مواردی چون: استفاده از انواع خرک، آبشکن، نرده‌کشی، سنگ چین‌های حاشیه‌ی رودخانه و استفاده از سازه‌های

جدول ۶. مشخصات توزیع‌های آماری دبی رودخانه‌ی فیروزکوه با دوره‌های بازگشت متفاوت (نوع توزیع: پیرسون تپ سوم)

ماه	مقدار دبی برحسب مکعب در ثانیه در دوره‌های بازگشت متفاوت به سال					
	سال ۲	سال ۵	سال ۱۰	سال ۲۰	سال ۵۰	سال ۱۰۰
فروردین	۱/۴	۱/۸	۲/۲۷	۲/۶	۴/۷	۷
اردیبهشت	۱/۲	۲	۲/۵۴	۳	۳/۵	۶/۴
خرداد	۰/۶	۱/۲	۱/۷	۲/۱۵	۲/۷۳	۶
تیر	۰/۵۷	۰/۹	۱/۱۳	۱/۳۳	۱/۶	۲/۸
مرداد	۰/۵	۱/۱۶	۱/۷	۲/۲۵	۳	۷/۵
شهریور	۰/۶	۱	۱/۱۸	۱/۴	۱/۶	۳/۱۱
مهر	۰/۸	۱/۲	۱/۵۳۶	۱/۸	۲/۱۱	۳/۷
آبان	۱/۳۳	۱/۸	۲/۲	۲/۵۴	۲/۹	۵/۳۵
آذر	۱/۲۴۳	۱/۶	۲/۰۲۸	۲/۴	۳	۶/۶
دی	۱/۲	۱/۶	۱/۸۳۱	۲	۲/۲۵	۳/۳
بهمن	۱/۲۶	۱/۶	۱/۷	۲	۲/۳	۳/۴
اسفند	۱/۵۴	۱/۸	۲/۰۲	۲/۱۵	۲/۳	۳
سالیانه	۱/۰۸	۱/۴۲	۱/۶۲۷	۱/۸	۲	۳/۱۶

[شایان-آسا، ۱۳۸۴]

منبع

آسا، هزیر. تأثیر عوامل اقلیمی در تدوین الگوی مدیریت آبی حوضه آبخیز فیروزکوه و زیرحوضه‌های آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی. استاد راهنما دکتر سیاوش شایان. ۱۳۸۳.

منابع

۱. بازوی طرودی، ناصر. آثار تاریخی فیروزکوه. اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان تهران. چاپ اول. ۱۳۸۱.
۲. جعفرپور، ابراهیم. اقلیم‌شناسی. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول. ۱۳۷۳.
۳. جهاد کشاورزی. مجموعه‌ی مطالعات تفصیلی حوضه‌ی آبخیز جبله‌رود. جلد ۳. زمین‌شناسی. شرکت رویان. ۱۳۸۰.
۴. جهاد کشاورزی. مجموعه‌ی مطالعات تفصیلی حوضه‌ی آبخیز جبله‌رود. جلد ۲. هوا و اقلیم‌شناسی. شرکت رویان. ۱۳۸۰.
۵. جهاد کشاورزی. مدیریت یکپارچه‌ی آب و خاک حوضه‌ی آبخیز جبله‌رود. جلد ۷. بخش ۲. شرکت رویان. ۱۳۷۵.
۶. ضیایی، حجت‌ال... اصول مهندسی آبخیزداری. انتشارات دانشگاه امام رضا(ع). چاپ اول. ۱۳۸۰.

۷. علائی طالقانی، محمود. ژئومورفولوژی ایران. نشر

قوس. چاپ اول. ۱۳۸۱.

۸. علیجانی، بهلول. مبانی آب و هواشناسی. سمت.

چاپ دوم. ۱۳۷۲.

۹. علیجانی، بهلول، آب و هوای ایران. انتشارات دانشگاه

پیام‌نور. چاپ دوم. ۱۳۷۵.

۱۰. علیجانی، بهلول. نقش کوه‌های البرز در توزیع

ارتفاعی بارش. فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی.

شماره‌ی ۳. سال ۱۰. پاییز ۱۳۷۴.

۱۱. علیزاده، امین. اصول هیدرولوژی کاربردی.

انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ پنجم. ۱۳۷۴.

۱۲. فریفته، جمشید. سیستم‌های طبقه‌بندی اقلیمی با

تأکید بر مناطق خشک و نیمه‌خشک ایران. نشریه‌ی

پژوهش‌های علمی مرکز مطالعات بیابانی. نشریه‌ی

شماره‌ی ۲۰. ۱۳۶۶.

نقشه‌ها

۱. شرکت نماب، نقشه‌ی حوضه‌های آبخیز ایران.

۲. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، نقشه‌ی شماره

NI۳۹۴ سمنان، مقیاس: ۱:۲۵۰۰۰۰. ۱۳۸۳.

۳. سازمان زمین‌شناسی کشور، نقشه‌ی شماره G-۵،

سمنان، مقیاس: ۱:۲۵۰۰۰۰. ۱۳۷۳.



نقش آب و هوا در شکل دادن به مسکن روستایی



وبالاخره ساختن خانه‌های دائمی به شکل‌های متنوع، همگی نشان از تکاپوی بشر برای داشتن سرپناه دارند.

با نگاهی به سکونتگاه‌های بشری، مخصوصاً خانه‌های روستایی، شاهد تفاوت‌های آشکاری در آن‌ها هستیم. در بعضی روستاها، خانه‌ها دارای سقف‌های مدور و کروی هستند. در بعضی دیگر، سقف خانه‌ها مسطح هستند و در بعضی نیز سقف‌های دارای زاویه‌ی تند و شیب فراوان، شکل غالب دارند. در بعضی روستاها، در ساختمان‌ها شاهد دیوارهای ضخیم هستیم و در بعضی دیگر، دیوارها بسیار نازک‌تر هستند. در بعضی از آن‌ها پنجره‌ها کوچک هستند و در بعضی دیگر، پنجره‌های بزرگ از پدیده‌های عادی به حساب می‌آید. در بعضی روستاها، از سنگ ساخته شده‌اند و بعضی دیگر، از چوب یا کاهگل و خشت.

علاوه بر شکل خانه‌ها، فرم کلی روستاها نیز در مقایسه با هم تفاوت‌های بسیاری را نشان می‌دهد. مثلاً در بعضی روستاها، خانه‌ها به هم چسبیده و فشرده‌اند و در بعضی دیگر بسیار پراکنده‌اند و تشخیص محدوده‌ی هر روستا به سختی امکانپذیر است. بعضی روستاها به صورت کشیده و طولیل ظاهر شده‌اند و بعضی دیگر به شکل دایره و در بعضی دیگر، خانه‌ها به صورت پلکانی روی هم قرار گرفته‌اند.

در کشور ما نیز شواهدی از انطباق سکونتگاه‌های انسان با اقلیم وجود دارد. «آریایی‌ها که به ایران آمدند، چون از مکانی سرد به ایران آمده بودند، بنا به روش دیرین خود زمین را کندند و در جای کنده شده زندگی می‌کردند. در جاهای نمناک که کندن زمین و زیستن در آن دشوار بود، و نیز برای ایمن بودن از یورش دشمنان، روی تپه‌ها سکنا گزیدند. مصالح مورد استفاده برای ساختمان‌سازی ایشان نیز مطابق شرایط اقلیمی مناطق مختلف تعیین می‌شد» [رفیع‌زاده، ۱۳۷۵].

اولین مطالعات در مورد روستاها و موقعیت آن‌ها، به بطلمیوس (حدود ۱۰۰ تا ۱۷۰ م) بر می‌گردد که موقعیت هشت هزار نقطه‌ی مسکونی را شناسایی کرد. پس از او در این زمینه، جغرافیدانان مسلمان، از جمله ابن حوقل، یاقوت حموی و اصطخری نیز اطلاعات فراوانی به دست داده‌اند.

در سده‌های ۱۷ و ۱۸، گسترش دامنه‌ی سفرهای اروپاییان به نقاط گوناگون جهان و انتشار سفرنامه‌ها، به عنوان منبعی قابل مراجعه برای آگاهی از سکونتگاه‌های کوچک و بزرگ جهان به ویژه آسیا، باعث توجه به سکونتگاه‌های روستایی شد. در همین دوره، ویدال دولا بلاش (۱۸۴۵ تا ۱۹۱۸) به سکونتگاه‌ها و نقاط روستایی توجه ویژه‌ای کرد.

چکیده

مسکن به عنوان یکی از اولین نیازهای انسان تلقی می‌شود و در جوامع روستایی، علاوه بر کارکردهای مسکن شهری، نقش اقتصادی مهمی نیز بازی می‌کند. در جوامع روستایی متفاوت، شاهد تنوع شکل و فرم مسکن‌ها هستیم. این امر به دلیل‌های گوناگونی صورت می‌گیرد که از جمله می‌توان به دلیل‌های طبیعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی و غیره اشاره کرد. از میان عوامل طبیعی، آب و هوا به عنوان عاملی مؤثر، شکل مسکن روستایی را تحت تاثیر خویش قرار می‌دهد. این تحقیق کوشیده است، تنوع مسکن‌های روستایی را در اقلیم‌های متفاوت در قلمرو جغرافیایی کشور ایران مورد بررسی قرار دهد و نقش اقلیم هر محل را در تنوع شکل و معماری خانه‌های روستایی و بافت روستاها شناسایی کند.

روش مطالعه در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و بر مبنای مشاهدات صورت گرفته در روستاهای نقاط گوناگون کشور بوده و سعی شده است، از آثار دیگران و تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته‌اند، حداکثر بهره‌برداری به عمل آید.

اشاره

مسکن یکی از ابتدایی‌ترین نیازهای بشری و عامل غلبه بر شرایط سخت محیطی، تأمین امنیت، تعلق خاطر (مالکیت)، جدایی‌گزینی فردی، انجام بعضی فعالیت‌های اقتصادی، استراحت و آسایش اعصاب و روان است. این امر از دیرباز بشر را مجبور کرده است که به انحاء مختلف این نیاز خویش را برآورده سازد. استفاده از مسکن طبیعی مثل غارها و شکاف سنگ‌ها، ایجاد سرپناه‌های ابتدایی از شاخه و برگ درختان، ساختن سکونتگاه‌های سبک و کوچک مثل سیاه چادر،



آلبردومانژن (۱۸۷۲ تا ۱۹۴۰) نیز به بررسی شکل‌های متفاوت سکونتگاه‌ها و رده‌بندی و توصیف آن‌ها بر مبنای ویژگی‌های طبیعی بهره‌برداری از زمین، و نیز خصوصیات اجتماعی آن‌ها پرداخت. بدینسان در سده بیستم - به ویژه پس از جنگ جهانی دوم - مطالعات روستایی در زمینه علوم گوناگون و از جمله جغرافیای روستایی توسعه یافت [سعیدی، ۱۳۷۷].

علت این همه تنوع و تفاوت در مسکن‌های روستایی چیست؟ نقش عوامل اقلیمی در این حیطه تا چه حدی قابل ذکر است؟ هر یک از عناصر اقلیمی به صورت جداگانه تا چه حد در این امر مؤثرند؟ ما در نوشتار حاضر برآنیم که به این سؤالات و سؤالاتی پاسخ بگوییم و به نتایجی در این مورد نائل شویم.

نقش آب و هوا

شکل خانه‌های روستایی از عوامل متفاوتی تبعیت می‌کند که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: عوامل طبیعی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی، عوامل امنیتی و نظامی، عوامل تاریخی و عوامل اجتماعی. از بین این عوامل، عوامل طبیعی از اولین و ابتدایی‌ترین عوامل شکل‌دهی به مسکن هستند؛ چرا که این عوامل تقریباً در مکان ثابت هستند و در برخورد اولیه با هر مکان، به صورت واضح و روشن خود را نمایان می‌سازند. البته تأثیر این عوامل نیز در طول زمان و در مکان‌های گوناگون، شدت و ضعف داشته است.

عوامل طبیعی مؤثر در شکل مسکن روستایی نیز متعدّدند و از جمله‌ی این عوامل می‌توان به مواردی چون: پستی و بلندی (توپوگرافی)، اقلیم (آب و هوا)، دسترسی به منابع آب، جنس خاک و پوشش گیاهی و جنگلی اشاره کرد و در میان عوامل طبیعی، نقش آب و هوای هر محل بسیار حائز اهمیت است. در بیش‌تر موارد، اقلیم هر محل مبین شکل غالب اشتغال و معاش روستاها، و نیز تحرک یا یکجانشینی افراد است که این امر خود در شکل روستاها، بسیار تأثیر دارد.

اگر چه امروزه، بیش‌تر به مدد پیشرفت‌های تکنیکی و کشف انواع ابزار، تا حدودی از نقش تعیین‌کننده‌ی عوامل اقلیمی کاسته شده است و همین امر نیز به میزان فراوان به یکنواختی مسکن‌ها و چشم‌اندازهای روستایی کمک کرده است، اما باید پذیرفت که: اولاً؛ این امر، یعنی دخالت بشر، محدود است و از یک حد خاصی فراتر نمی‌رود، و ثانیاً، همین حد از دخالت انسان نیز با صرف انرژی و هزینه، و پیدایش مسائل زیست محیطی بسیار همراه است. این دو عامل لزوم توجه به روش‌های سکونت‌گزینی را توجیه می‌کند؛ روش‌هایی برای سکونت روستاییان که با محیط طبیعی و مخصوصاً آب و هوا پیوند بسیار نزدیکی داشته باشند.

آب و هوا به عنوان یکی از اجزای مهم محیط طبیعی، از دیرباز نقش مهمی در زندگی بشر ایفا کرده است و عاملی سازمان‌دهنده در فعالیت‌های انسانی محسوب می‌شود. همین عامل طبیعی در گذشته، انسان‌های نواحی گوناگون را به فعالیت‌های خاصی سوق می‌داده و حتی در آداب و رسوم، تعاملات فرهنگی، و فعالیت‌های سیاسی

جوامع تأثیرگذار بوده است؛ تا جایی که اندیشمندان با مشاهده‌ی این تأثیر و نیز برای رسیدن به هدف‌های سیاسی - استعماری خاص خویش و به عنوان قسمتی از مکتب فکری جبر محیطی، مسأله‌ی جبر آب و هوایی را مطرح کردند که از مهم‌ترین این افراد می‌توان متسکیو، راتزل و هانتینگتون را نام برد. زایش این تفکر جدید بیش از هر چیز، بیانگر تأثیرات محیط طبیعی آب و هوا در زندگی بشر بوده است. هر چند امروزه این مکتب فکری در حیطه‌ی علم جغرافیا طرفداران زیادی ندارد و جای آن را مکتب‌های انسان‌گرا گرفته‌اند، اما لازم به ذکر است که قدرت فناوری‌های انسان نیز تا مرحله‌ی خاصی توانایی مقابله با شرایط طبیعی را دارد (علیت محیطی). و نیز، فناوری‌های به کار برده شده در شکل خانه‌ها و نوع مصالح نیز بر حسب آب و هوا تغییر می‌کند.

در یک تقسیم‌بندی بر مبنای نوع اقلیم مؤثر در شکل روستاهای کشور، می‌توان موارد زیر را بیان کرد که آب و هوا، نوع خاصی از مسکن‌ها، و معماری مخصوص را ایجاب کرده است. در این تقسیم‌بندی، هم طبقات اقلیمی و هم مناطق اقلیمی مورد توجه هستند:

۱. اقلیم کوهستانی
۲. اقلیم گرم و خشک
۳. اقلیم گرم و مرطوب
۴. اقلیم سرد و خشک
۵. اقلیم معتدل و بارانی.

با اندکی دقت در هر یک از مناطق آب و هوایی فوق درمی‌یابیم، مصالح ساختمانی در هر یک از مناطق اقلیمی بیش‌تر بومی و کم‌دوامند و خود این مصالح نیز تابعی از شرایط آب و هوایی محل هستند؛ مثلاً استفاده از چوب در نواحی جنگلی برای خانه‌سازی و غیره.

نوع مسکن روستایی در آب و هوای متفاوت اقلیم کوهستانی

شاید اولین بار استفاده از مکانی به عنوان سکونتگاه، در نواحی کوهستانی و در برخورد با غارها شکل گرفت. کوهستان‌ها به دلیل شرایطی که فراهم می‌کنند، حداقل در نیمی از سال پذیرای عشایر بوده و هستند؛ ساکنانی که خانه‌هایشان را اکثر آسپاه چادر و یا مواردی مشابه تشکیل می‌دهند، که به آسانی قابل حمل و نصب باشند.

ساکنان نواحی کوهستانی، به شرایط کلی آب و هوای محل و با توجه به رطوبت و درجه‌ی حرارت آن، به داخل کوه نفوذ کرده و یا این‌که در کوهپایه‌ها ساکن شده‌اند. [نظری، ۱۳۷۷]. در کشور ما نیز شاهد غلبه‌ی روستاهای کوهپایه‌ای هستیم که بر مخروط افکنه‌ها، دشت‌ها و جلگه‌ها بنا شده‌اند؛ جایی که هم از سرما و خشونت آب و هوای کوهستان در امان باشند و هم از گرما و یا خشکی دشت‌ها. فرم کلی روستاهای این بخش به علت شیب زمین، محدودیت خاک، محصور شدن به وسیله‌ی درختان جنگلی، عوامل امنیتی و غیره فشرده است و در بعضی موارد، به صورت کشیده در امتداد دره‌ها نمایان می‌شود [آلباگونولو، ۱۳۶۵]. در کوهستان‌های مرتفع، فشرده بودن



مسکن‌ها به علت کم‌تر شدن سطح تماس با محیط و جلوگیری از نفوذ سرما به داخل مسکن‌هاست. البته در اقلیم کوهستانی، مخصوصاً در دامنه‌ها، به منظور استفاده‌ی مناسب از نور خورشید، در امان ماندن از ریزش کوه و حرکات دامنه‌ای، و محدودیت زمین، شاهد چشم‌اندازهایی از روستاهای پلکانی هستیم که مثال جالب این پدیده، روستای «ماسوله» در البرز و روستای «هجیج» در زاگرس (در شهرستان پاوه در کرمانشاه) است. در این روستاها، خانه‌های روستایی علاوه بر فشرده‌گی، به صورت طبقه‌ای بنا شده و پشت بام هر خانه، حیاط خانه‌ی دیگری است.

در اقلیم‌های کوهستانی، مصالح به کار گرفته شده در ساختمان‌ها، بیش‌تر از محیط اطراف اخذ شده‌اند و آب و هوا نیز در کنار عوامل اقتصادی، فرهنگی و... نقش اساسی را در معماری مسکن در این روستاها دارد. در این مناطق، ساختمان‌ها بیش‌تر از سنگ بنا شده‌اند که در بعضی قسمت‌ها، دیوارهای خشکه چین با سنگ، هم اکنون نیز معمول است [رفیع‌زاده، ۱۳۷۵]. «در مناطق کوهستانی، جایی که جنگل وجود داشته است، از چوب درختان جنگلی در ساختمان‌سازی استفاده شده است.» [پاپلی‌یزدی و وثوقی، ۱۳۷۰].

اقلیم گرم و خشک

مهم‌ترین عامل مؤثر در شکل‌گیری، استقرار و اسکان روستاییان در این اقلیم، عامل آب است. در این نواحی، کیلومترها زمین عاری از سکونتگاه ملاحظه می‌شود و هر کجا که آب در سطح زمین ظاهر شود، (هر چند به صورت جزئی) شاهد شکل‌گیری روستاها هستیم. پس روستاهای این ناحیه‌ی آب و هوایی با فاصله از همدیگر قرار گرفته‌اند، اما مسکن‌هایشان در کنار منابع آب، فشرده و به هم چسبیده است و با نگاهی به روستاهای این نواحی، شاهد پیوستگی خانه‌ها هستیم.

«در اقلیم گرم و خشک، پناه‌گیری از گرمای طاقت‌فرسا و تابش مستقیم آفتاب امری اساسی است و در راه برآوردن این نیاز راه‌حل‌های متفاوتی اعمال می‌شود» [آلباگونولو، ۱۳۶۵]. چون در این آب و هوا معمولاً شاهد آسمانی صاف و با حداکثر دریافت نور خورشید هستیم، برای جلوگیری از تابش زیاد نور خورشید به داخل خانه‌ها و گرمای زیاد در طول روز، از پنجره‌های کوچک استفاده می‌شود. دیوارهای

خانه‌های روستایی در این ناحیه به منظور ایضای نقش عایق حرارتی در مقابل گرمای روز و سرمای شب (در این نواحی به علت پائین بودن ظرفیت حرارتی، شن‌ها خیلی زود گرم می‌شوند و خیلی زود نیز گرمای خود را در جو شفاف از دست می‌دهند)، ضخیم هستند. ضخامت این ساختمان‌ها تا ۷۰ سانتی‌متر و پوشش سقف‌ها تا ۳۰ یا ۴۰ سانتی‌متر می‌رسد [زرگر، ۱۳۷۸]. سقف خانه‌ها نیز در این نواحی اقلیمی از سایر

نواحی متفاوت است و روستاییان به منظور مبارزه با گرم شدن سقف‌ها که شکلی عادی در این نواحی محسوب می‌شود، خانه‌های خود را با سقف گنبدی می‌سازند تا پیوسته نیمی از سقف دارای سایه باشد. طاق‌ها و سقف‌های گنبدی خود از ظرافت‌های معماری و از مناظر دیدنی این نواحی برای گردشگران هستند.

از دیگر ویژگی‌های مسکن روستایی در این نوع اقلیم، وجود بادگیر در خانه‌هاست که معمولاً در جهت باد خنک قرار گرفته است. اما در قسمت‌هایی که باد جهت خاصی ندارد، از بادگیرهای دو، سه و حتی چهار جهته استفاده می‌شود. همچنین، در مسکن‌های این مناطق، ایوان خانه‌ها در جهت بادهای خنک ایجاد می‌شود. «البته با توجه به صعود هوای گرم، ساختمان‌های این نواحی دارای سقف‌های بلندند. همچنین بهترین شکل ساختمان‌ها در این نواحی شکل مربع است که خصوصیت نگهداری گرما در زمستان و خنک ماندن در تابستان را دارد.» [کلانتری، ۱۳۷۴].

جنس مصالح به کار رفته در ساختمان‌های این نواحی نیز معمولاً کاهگل است که هم در محل به فراوانی یافت می‌شود و هم عایق حرارتی خوبی است. از طرف دیگر رنگ آن نیز چندان جاذب نور خورشید نیست و در مقابل تغییرات درجه‌ی حرارت، از نظر استحکام با تیر آهن رقابت می‌کند. «اما امروزه اکثر ساختمان‌های بعضی از این مناطق (حاشیه‌ی کویر مرکزی) از سفال ساخته شده‌اند و جدیداً ساختمان‌ها نیز سقف سفالی دارند. با توجه به اقلیم منطقه، ساختمان‌ها و سقف‌های سفالی بهترین مصالح منطقه‌اند که از سقف‌ها و بدنه‌های پیش ساخته با بام‌های سفالی و پوشش سنگی، بهتر هستند» [کلانتری، ۱۳۷۴].

اقلیم گرم و مرطوب

در این اقلیم، مهم‌ترین شکل ساکنان، رطوبت و گرمی هواست. همین عامل نیز باعث شده که شکل روستاها و مسکن‌های آن‌ها با روستاهای نواحی گرم و خشک تفاوت‌هایی داشته باشد. از جمله این که «مجموعه‌های مسکونی در این اقلیم به منظور امکان جریان هوا در درون مجموعه، برای از بین بردن شرایط ناراحت‌کننده، گرما و رطوبت، ترکیبی باز دارند» [زاهدی، ۱۳۶۹] یعنی با وجودی که شاهد روستاهای مجتمع هستیم، اما خانه‌های آن‌ها فشرده‌گی چندان ندارند و همین امر

شکل ۱. نمونه‌ای از مسکن‌های نواحی گرم و خشک





شکل ۲. نمونه‌ای از مسکن نواحی سرد

کاهش پیدا می‌کند، جمعیت پذیری بالایی وجود دارد؛ به طوری که شمال کشورمان با وجود ۳ درصد وسعت اراضی کشور، حدود ۲۷ درصد جمعیت ایران را در خود جای داده است. در این مناطق می‌توان شاهد روستاهای پراکنده بود؛ روستاهایی که به علت شرایط مساعد اقلیمی و محیطی، خانه‌هایشان در مزرعه‌ها بنا شده‌اند. به همین دلیل، روستاهای این مناطق به آسانی از همدیگر قابل تمیز و جداسازی نیستند و سعی شده است که از زمین حداکثر بهره‌برداری به عمل آید.

شکل مسکن در این منطقه‌ی آب و هوایی نیز بیش‌تر متأثر از عنصر بارندگی و مبارزه با پدیده‌های ناشی از آن است؛ از قبیل: فرسایش و ایجاد رطوبت، دفع آب از پوشش فوقانی و ممانعت از نفوذ آن به داخل بنا، علاوه بر این موارد، جهت باد نیز در شکل ساختمان‌ها مؤثر است [آلباگونولو، ۱۳۶۵]. به‌طور کلی، مصالح اولیه‌ی مسکن‌های این مناطق از جنگل‌های انبوه اطراف تهیه می‌شود که دلیل این امر نیز علاوه بر فراوانی چوب در محل و سهولت تهیه‌ی آن، مقاومت‌تر بودن آن در مقابل باران‌های سنگین ناحیه و عدم فرسایش فرسوده نشدن آن است [مجتهدی، ۱۳۷۰].

در این نوع اقلیم، بناها معمولاً دارای کرسی بلند هستند. تا این امر که برای مقابله با رطوبت زیاد خاک صورت می‌گیرد، به وسیله‌ی تیرها و ستون‌هایی در پی، انجام‌پذیر است. برای مقابله با نفوذ آب نیز سقف این بناها شکل ویژه‌ای دارد. معمولاً سقف این خانه‌ها دارای شیب زیادی است و حتی سقف‌های چهار شیبه نیز رواج دارند. این سقف‌ها بوسیله‌ی ساقه‌ی برنج یا توفال پوشیده شده‌اند که به میزان زیاد در محیط اطراف موجودند و به صورت عایق رطوبتی و حرارتی عمل می‌کنند. امروزه نیز علاوه بر این مصالح، از سقف‌های شیروانی در این مناطق استفاده می‌شود. خانه‌های این مناطق معمولاً دارای یک یا چند ایوان در سمت بیرونی هستند. از دیگر ویژگی‌های مسکن‌های روستایی در این آب و هوا، به کار بردن چوب در پی دیوارها و بام‌ها، و نیز استفاده از گل و سنگ به عنوان مصالح در ساخت خانه‌های گلی است [قنبری، ۱۳۷۴].

عشایر

هر چند عشایر و کوچنده‌ها از نظر شکل زندگی و معاش از زندگی

سبب وسعت بخش مسکونی این روستاها شده است. همچنین، برای ایجاد تهویه در ساختمان‌ها و مبارزه با رطوبت و شرجه بودن هوا، از پنجره‌های بزرگ‌تر استفاده می‌شود. در سایر موارد، بین سکونتگاه‌های این اقلیم و اقلیم گرم و خشک شباهت‌هایی ملاحظه می‌شود.

اقلیم سرد و خشک

این اقلیم که خاص مناطق اقلیمی عرض‌های بالای جغرافیایی است، در کشور ما با وسعت چندانی ملاحظه نمی‌شود و فقط کوهستان‌های بلند با ارتفاع زیاد دارای چنین اقلیمی هستند. اصلی‌ترین مشکل طبیعی در این

آب و هوا، سرمای هواست که همین عامل نیز در شکل خانه‌های روستایی خود را نمایان ساخته است. به‌طور کلی، در این مناطق سرمای هوا و موارد دیگر باعث شده است که جمعیت‌پذیری در حد پائین باشد و از نظر اسکان، از نواحی سخت به حساب آید. در این آب و هوا، برای جلوگیری از نفوذ سرما، خانه‌ها در مجاورت هم ساخته شده‌اند و شکل روستاها به صورت مجتمع است.

«برای مقابله با سرما در این آب و هوا، اقداماتی از این دست انجام می‌شود:

۱. ایجاد زاغه‌های زیرزمینی که نفوذ سرما در آن‌ها کم‌تر است و انسان‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند.
۲. بام‌های تیرپوش با شیب ملایم به طرفین که آب باران و برف را راحت‌تر عبور می‌دهد.
۳. ساختمان‌های دو طبقه که طبقه‌ی اول آن‌ها مخصوص دام‌هاست.
۴. انبار کردن علوفه‌ی زمستانی بر بام سقف‌ها که به صورت عایق، مانع از هدر رفتن گرمای داخل و نفوذ سرمای خارج می‌شود» [زرگر، ۱۳۷۸].

نتیجه این که در مناطق دارای اقلیم سرد و خشک، مبارزه با سرما هدف اصلی است و تأثیر این عامل در شکل مسکن‌های روستایی به خوبی نمایان است. البته برای جلوگیری از نفوذ برف و بوران، در اطراف خانه‌ها بادشکن‌هایی ایجاد می‌شود که از سنگ و یا شاخه و چوب درختان هستند. جنس مصالح نیز از سنگ می‌باشد. در مناطقی که دارای درخت هستند، از چوب نیز استفاده می‌شود. در مناطق اقلیمی بسیار سرد که خاص نواحی قطبی است، از برف و یخ نیز برای ایجاد سکونتگاه استفاده می‌شود.

اقلیم معتدل و بارانی

نواحی معتدل و پر باران که در کشور ما، نواحی کوچکی در سواحل دریای خزر را دربر می‌گیرد، شرایط متفاوتی را برای سکونت بشر فراهم آورده است. در این مناطق، به علت اعتدال آب‌هوائی، بازندگی مناسب، مساعد بودن کیفیت خاک و سایر عوامل که از غرب به شرق





شکل ۳. نمونه‌ای از مسکن نواحی مرطوب و بارانی

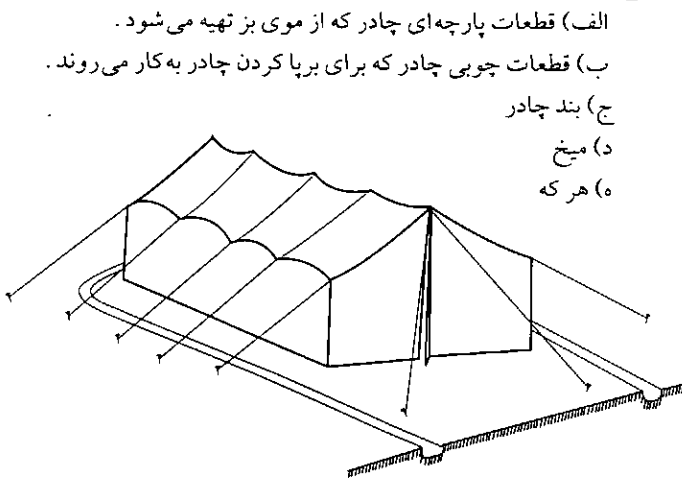
روستایی جدا هستند، اما چون این گروه منشأ پیدایش روستاهای بسیاری در کشور بوده‌اند و بعد از اسکان نیز تا حدودی از مسکن‌های اولیه‌ی خویش که ریشه در فرهنگ آن‌ها دارد، استفاده می‌کنند، و از طرف دیگر، بعضی از روستاهای کشور دارای جمعیت نیمه کوچ‌نشین هستند که در نیمی از سال، در مسکن روستایی خویش بهره می‌گیرند و در نیم دیگر سال، کوچ می‌کنند و در مسکن‌های خاصی به سر می‌برند، بررسی ساختار سکونت‌گزینی آن‌ها نیز در این قسمت خالی از لطف نیست.

زندگی کوچ‌نشینی در پیوند بسیار نزدیک با طبیعت قرار دارد و در واقع، نمادی از انطباق انسان با محیط طبیعی است. کوچ‌نشینان برای به‌دست آوردن چراگاه و مرتع، و فرار از شرایط آب و هوایی نامناسب، و نیز برای استفاده از بیلاق‌ها در فصل سرد و قشلاق‌ها در فصل گرم، و جبران کمبود ریزش‌های جوی در دشت‌ها، مجبور به تحمل مشکلات سفر منظم و دائمی خود بین این دو قسمت هستند. البته در طول زمان تعدادی از این افراد در برخورد با مشکلات محیطی مانند خشکسالی‌ها، سرمای طولانی، و سختی خاص این طریقه‌ی زندگی، به فکر ایجاد سکونتگاه برای خود و نیز انبار علوفه برای دام‌هایشان افتادند و کم‌کم زمینه‌های زندگی نیمه کوچ‌نشین، نیمه ساکن و ساکن فراهم شد. «در موقع اسکان نیز، بیش‌ترین مسکن‌های ساختمانی مربوط به عشایر، در مناطق گرمسیری ساخته شده‌اند. چون از نظر اقلیمی و وسعت مکانی، نسبت به موقعیت اقلیمی و جغرافیایی مناطق سردسیر، جایگاه مناسب‌تری دارند» [صفی‌نژاد، ۱۳۷۵]. لازم به ذکر است که عشایر یکباره به‌طور دائمی اسکان نیافتند؛ بلکه ابتدا در قشلاق خانه‌هایی ساختند و در بیلاق فاقد مسکن غیرمنقول بودند. سال‌ها حالت نیمه کوچ‌نشینی را حفظ کردند و کم‌کم به زندگی یکجانشینی روی آوردند. مسکن‌های این افراد در هر کدام از مراحل کوچ‌نشینی، نیمه کوچ‌نشینی، و یکجانشینی شکل خاص خود را داشت که متناسب با کارکردهایی بود که از آن‌ها انتظار می‌رفت.

عشایر کوچ‌نشین در ایجاد مسکن خویش کاملاً خودکفا عمل می‌کنند و آن‌را از مواد و مصالحی که محیط طبیعی و نوع معیشت در اختیارشان گذاشته است، تهیه می‌کنند؛ به طوری که مسکن عشایر دامدار زاگرس با مسکن ترکمن‌های کوچ‌نشین و یا بلوچ‌ها تفاوت دارد. مهم‌ترین ویژگی‌های این مسکن عبارتند از:

۱. بنا از اجزا و قطعات سبک وزن تهیه شده است.
۲. بنا از مجموعه اجزای جداگانه تهیه شده است که قابل پیاده کردن و سوار کردن مجدد هستند.
۳. به دلیل سبکی وزن و ویژگی قطعات، امکان حمل و نقل آن‌ها وجود دارد.
۴. پیاده و سوار کردن قطعات نیازی به تخصص ویژه‌ای ندارد و غالباً ساکنان هر واحد به خوبی از عهده‌ی نصب یا پائین آوردن و جمع‌آوری آن‌ها برمی‌آیند.

با توجه به ویژگی‌هایی که برای مسکن عشایر ذکر شد، سه نوع مسکن در میان این افراد رایج است: سیاه چادرها: که مسکن سنتی عشایر است و تقریباً با قبول تفاوت‌هایی، در میان همه‌ی عشایر کشور رواج دارد. حتی در بعضی مناطق که مسکن‌های دائمی ساخته شده‌اند نیز، از این سیاه چادرها استفاده می‌کنند. خنکی نسبی آن در قشلاق و نفوذناپذیری نسبی آن در برابر رطوبت، و سایر ویژگی‌هایی که در بالا ذکر شد، باعث رواج این نوع مسکن شده است. اجزای این مسکن شامل موارد زیر است:



شکل ۴. طرح ساده‌ی یک سیاه چادر

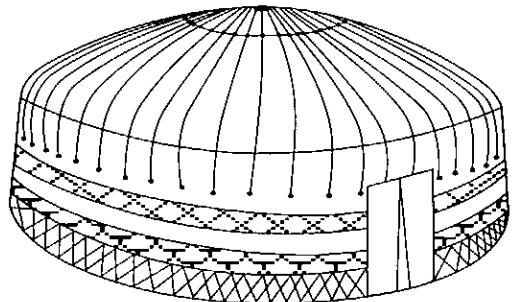
(و) نی چین

آلاچیق: نوعی بنای سبک و قابل انتقال است که بیش‌تر در میان مردم کوچ‌نشین و دامدار رواج دارد. در ایران، آلاچیق در میان ایل‌سوها (شاهسون‌ها) در آذربایجان، و همچنین در میان ترکمن‌ها در ترکمن صحرا، واقع در شمال غرب خراسان و شمال شرقی مازندران دیده می‌شود و در هر ناحیه نام خاصی دارد [ایترنت]. مثلاً در ترکمن صحرا آن‌را «اوی» (oy) می‌گویند. این نوع مسکن از چوب ساخته می‌شود و در

مناطق متفاوت شکل‌های گوناگونی دارد که این نیز تا حدودی ناشی از شرایط آب و هوای منطقه است که به اندازه‌ی کافی چوب در اختیار این افراد قرار داده است. البته در حال حاضر آلاچیق به ندرت یافت می‌شود و تنها معدودی از ترکمن‌های کوچرو از آن استفاده می‌کنند.

کپر‌ها و حصیرها: که از شاخ و برگ، و از نی و الیاف و مواردی مشابه تهیه می‌شوند. امروزه این مسکن‌ها کم‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در روستاهای نیمه کوچ‌نشین نیز تلفیقی از این مسکن‌های ساده و قابل حمل، با ساختمان‌ها، ملاحظه می‌شود که بیش‌تر به منظور انبار علوفه، طویله در فصل سرما و یک قسمت کوچک برای اسکان افراد در نظر گرفته می‌شوند.



شکل ۵. طرح ساده‌ی یک اوبه ترکمنی

نتیجه‌گیری

انسان همواره در معرض تأثیرات اقلیم قرار دارد؛ عاملی که اثرات آن همه‌ی موجودات را شامل می‌شود. در خشکی یا دریا، در دشت‌ها یا کوه‌ها، در جوامع بدوی یا متمدن، انسان بسته به موقعیت خود، باید با اقلیم روبه‌رو شود. در مقیاس وسیع، اقلیم تعیین‌کننده‌ی محل زندگی انسان، نوع گیاهان زراعی، نوع مسکن، نوع لباس و نوع آفات و بیماری‌هایی است که باید با آن‌ها مبارزه کند. [دهقانیان و...، ۱۳۷۴].

لازم به ذکر است که انسان در مقابل تأثیر آب و هوا کاملاً منفل نیست و «اگر چه تفاوت‌های طبیعی - اقلیمی، مسکن‌های متفاوتی را به وجود آورده‌اند، اما مهم آن است که حتی در شرایط طبیعی یکسان نیز، فرهنگ‌های متفاوت یکسان عمل نکرده‌اند. درست است که مسکن واقع در دره‌های کوهستانی یا اقلیم سرد و بارانی، متفاوت از مسکن دشت‌ها و جلگه‌هاست، اما همه‌ی خانه‌های کوهستانی یا دشتی، با هم یکسان نیستند. در کوهستان یا در دشت، فرهنگ‌های متفاوت، مسکن‌های گوناگونی را به وجود آورده‌اند» [پاپلی یزدی و وثوقی، ۱۳۷۰].

انواع فناوری‌هایی که امروزه انسان به کار می‌برد، حاصل فعالیت او در جهت کمرنگ کردن اثر عوامل آب و هوایی در زندگی خویش است. این امر تأثیر زیادی در از بین بردن تنوع‌های مسکن در نواحی گوناگون داشته است و گاهی در مناطق کویری، گرم و مرطوب و سرد، شاهد به کار بردن مصالح یکتواخت و شکل‌های هماهنگ در مسکن‌ها هستیم که در آن‌ها، شرایط نامساعد آب و هوایی، به مدد مصالح با دوام و فناوری جدید، جبران شده است. استفاده از فناوری و مصالح جدید نباید به طور

کامل جایگزین شیوه‌ها و مصالح مسکن‌های سنتی شود، بلکه باید به صورت مکمل و هماهنگ صورت گیرد؛ امری که در صورت استفاده‌ی گسترده از انرژی، باعث آلودگی‌ها و مشکلات زیست محیطی بسیار می‌شود. نادیده گرفتن فرهنگ و معماری سنتی در ساخت خانه‌های روستایی، علاوه بر مشکلات ذکر شده، باعث فقدان احساس تعلق خاطر، بر هم خوردن چشم‌اندازهای متناظر سنتی با آب و هوا، و نیز تغییرات در میکروکلیمای محل، به علت استفاده از انرژی و مشکلات فراوانی می‌شود که ذکر آن‌ها خود تحقیق جداگانه‌ای را طالب است.

منابع

۱. آلباگونی، آدریانو (۱۳۶۵). معماری بومی. محمد مه‌یار و... انجمن فرهنگی ایتالیا.
۲. (۱۳۷۵). بررسی وضعیت ارتباط اقلیم و مسکن در استان کرمان. سسینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۳. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مساکن روستایی. ۱۳۷۵.
۴. پاپلی یزدی و وثوقی (۱۳۷۰). مسکن روستایی فرهنگ و توسعه (نمونه استان خراسان). فصل‌نامه‌ی تحقیقات جغرافیایی. تابستان ۱۳۷۰.
۵. جزایری، کمال‌الدین. ساختمان‌های روستایی. دانشگاه شهید چمران.
۶. رفیع‌زاده، ندا (۱۳۷۵). مسکن روستایی و اصول طراحی مناسب آن. سسینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۷. زاهدی، مجید (۱۳۶۹). کاربرد هواشناسی. فصل‌نامه‌ی تحقیقات جغرافیایی. زمستان ۱۳۶۹.
۸. زرگر، اکبر (۱۳۷۸). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۹. سعیدی، عباس (۱۳۸۱). مبانی جغرافیای روستایی. سمت. تهران.
۱۰. صفی‌نژاد، جواد (۱۳۷۵). عشایر اسکان مسکن. سسینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۱۱. صیدایی، سیداسکندر (۱۳۷۵). مسکن روستایی و مسائل مربوطه با تأکید بر روستاهای منطقه‌ی زاگرس میانی. سسینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۱۲. غضنفرپور، حسین (۱۳۷۵). استقرار بیهی‌ی روستاها در مناطق خشک (سیرجان). سسینار سازماندهی روستاهای پراکنده.
۱۳. غنی، امیدرضا (۱۳۷۵). مسکن و پارامترهای آن. سسینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۱۴. فتنری، یوسف (۱۳۷۵). تحلیلی بر تغییر الگوی مساکن روستایی شمال ایران (تنگابن). سسینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۱۵. کلانتری، محمدحسین (۱۳۷۵). بررسی الگوی مسکن در ناحیه‌ی گرم و خشک (حاشیه‌ی کویر مرکزی ایران). سسینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۱۶. مجتهدی، احمد (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جغرافیای سکونت در ایران. فصل‌نامه‌ی تحقیقات جغرافیایی. پائیز ۱۳۷۰.
۱۷. نظری، عبدالحمید (۱۳۷۷). بررسی گسترش فیزیکی - کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی (نمونه‌ی ناحیه‌ی گرگان و ترکمن صحرا). فصل‌نامه‌ی تحقیقات جغرافیایی.
۱۸. مسیبی، محمد (۱۳۷۵). ملاحظاتی بر اثرات اقلیم زیستی در معماری. سسینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۱۹. مهدوی، مسعود (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران. سمت. تهران.



محررمعلی فیروزی
دبیر جغرافیای زنجان

اشاره

از گذشته‌های دور تا به امروز، جهان شاهد درگیری‌ها و خشونت‌هایی بین جوامع و کشورها بوده است. آنچه که در این بین مورد توجه قرار می‌گیرد، رابطه‌ی بین موقعیت سرزمین‌ها و کشورها با منابع تهدیدها و درگیری‌هاست. اکنون این سؤال پیش می‌آید: آیا کشوری که با داشتن منابع غنی، در مسیر راه‌های ارتباطی واقع است و تعداد زیادی همسایه دارد، با کشوری که در حالت دشواری جغرافیایی (بن‌بست ارتباطی) قرار گرفته و با کم‌ترین کشور همسایه است، از لحاظ منابع تنش و تهدید یکسان خواهد بود؟ در این نوشته سعی شده است، بر تهدیدات ناشی از موقعیت جغرافیایی ایران مرور کوتاهی شود.

مروری بر حوادث ناشی از موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپولیتیکی ایران سرزمین ایران در جنوب غربی آسیا، از گذشته‌های دور، همیشه به عنوان پل ارتباطی تمدن‌های شرق و غرب اهمیت خود را حفظ کرده است. این موقعیت ارتباطی حساس در طول تاریخ، شرایطی را بر این سرزمین تحمیل کرده که همیشه مورد توجه و طمع همسایگان و اقوام پیرامونی خود بوده است و در هر دوره‌ای از تاریخ خود که حکومت‌ها و پادشاهان ضعیف روی کار بوده‌اند، مورد حمله واقع شده است. با بررسی کوتاه تاریخ پرفراز و نشیب ایران، ثبات و امنیت اندکی را مشاهده می‌کنیم. داریوش هخامنشی در کتیبه‌اش آرزوهای خود را برای ایران چنین مطرح می‌کند: «به این کشور نیاید، نه دروغ، نه خشکسالی و نه حمله‌ی دشمن» [مفتخری و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۰]. طبق آمار، ایرانیان طی حدود دو هزار و پانصد سال تاریخ خود، در مجموع ۴۴۴ تجربه‌ی جنگی داشته‌اند (به طور متوسط هر ۵/۵ سال یک جنگ). از این تعداد، ۲۳۲ حمله از بیرون به داخل فلات و ۲۱۲ حمله از داخل ایران به خارج صورت گرفته و بیش‌ترین درگیری‌های نظامی در محورهای شمال شرقی و شمال غربی آن روی داده است [حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۱].

حملاتی که در طول تاریخ علیه ایران صورت گرفته به طور عمده از سوی هیطالیان، سکاها، یونانیان، امپراتوری روم، اعراب، اقوام آسیای مرکزی (ترکان و مغولان)، امپراتوری عثمانی، روسیه، بریتانیا و... بوده است. در طول قرن گذشته‌ی میلادی هم با وجود اعلام بی‌طرفی، ایران در دو جنگ جهانی، مورد اشغال قرار می‌گیرد. مجاورت ایران با قدرت نوظهور روسیه از قرن هفدهم به بعد، که سیاست توسعه طلبی ارضی و رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس و دریای عمان را در سر می‌پروراند، موقعیت ناگواری برای ایران پدید آورد که به جدایی بخش‌های مهم و وسیعی از ایران در طی چند درگیری با آن قدرت انجامید. همچنین، در قرن بیستم ظهور شوروی به عنوان قطب قدرت (ابر قدرت) در کنار مرزهای ایران به اتخاذ سیاست محتاطانه‌ی ایران در مقابل این همسایه منجر شد.

شاید به همین دلیل ایرانیان همواره در طول تاریخ، خود را مانند جزیره‌ای می‌دیدند که تنها و بدون پشتیبان در میان دشمنان متعدد قرار گرفته است و عامل حفظ قدرت خود را در وحدت و حمایت برخی از قهرمانان و رهبران لایق و شجاع می‌دیدند. گواه این مدعا، شاید توجه و حمایت برخی از پادشاهان و سلسله‌ها از دین و مذهب رسمی (ساسانیان، صفویان و...) باشد که برای ایجاد وحدت میان مردم و جلب حمایت بی‌دریغ مردم از برخی رهبران و حاکمان در شرایط حساس انجام می‌گرفت. حتی برخی از این حاکمان ایران را از حالت دفاعی در فلات خود بیرون آوردند و حالت تهاجمی برای تسخیر سرزمین‌های پیرامونی به آن بخشیدند. «با این حال چه اوستا، چه تاریخ و چه شاهنامه، همگی حکایت از وضع دفاعی‌ای که ایران همواره داشته است، دارند» [اسلامی ندوشن، ۱۳۸۲: ۷]، و نیز روی آوردن ایران زمان قاجاریه و پهلوی، به جلب حمایت کشورهای فرانسه، انگلستان و آمریکا در برابر تهدیدات ناشی از روسیه‌ی شوروی را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. مسأله‌ی همسایگان برای ایران، همواره یکی از مهم‌ترین مسائل

و دشواری‌ها در سیاست خارجی بوده است. شاید بتوان گفت که ایران یکی از بدهمسایه‌ترین کشورهای دنیاست [پیشین]. ایران به همراه چین و پس از جمهوری فدراتیو روسیه، رکورددار همسایه در جهان است [کریمی پور، ۱۳۸۰: ۲۰]. همچنین، ایران از نظر عوامل جغرافیایی و پیوندهای تاریخی و فرهنگی اش با کشورهای پیرامون خود، درگیر مسائل مناطق اطراف خود است. جایگاه ویژه و حساس ایران در نظریه‌های ژئوپولیتیک در قرن بیستم، حوادثی را در تاریخ معاصر این کشور آفریده است که نقش و اهمیت (ارزش) ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی آن را در جهان آشکار می‌سازد. در قرن حاضر نیز «برخی از اندیشمندان ژئوپولیتیک آمریکا، منطقه‌ی دریای خزر و خلیج فارس را هارتلند جدیدی می‌دانند که بر معادلات ژئوپولیتیک قرن بیست و یکم تأثیر فراوان خواهد داشت. دیدگاه مذکور ایران را در قطب جدیدی قرار داده و اهمیت بسیاری برای آن قائل شده است» [مجتهدزاده، روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۸۱: ۱۲]. این اهمیت بیش‌تر به تبع وجود بیش از ۷۰ درصد از ذخایر نفت و بیش از ۴۰ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان در ایران و پیرامون آن است [مجتهدزاده، جغرافیای سیاسی، ۱۳۸۱: ۲۸۵].

ایران از لحاظ موقعیت جغرافیایی برای کنترل مسیر نفتکش‌ها در خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز، موقعیتی راهبردی دارد. این تنگه مهم‌ترین گلوگاه نفتی جهان است. روزانه حدود ۱۳/۶ میلیون بشکه نفت خام از تنگه‌ی هرمز به شرق و غرب ارسال می‌شود. تخمین زده می‌شود، صادرات نفت از این تنگه تا سال ۲۰۲۰ بیش از سه برابر و به رقم ۴۲ میلیون بشکه در روز بالغ می‌شود [کوردن‌زن، ۱۳۸۲: ۱۲]. بنابراین شاید بهترین مصداق جمله‌ی ناپلئون بناپارت که گفته بود: «سیاست هر کشوری در جغرافیای آن کشور نهفته است» [عزتی، ۱۳۸۰]، ایران باشد. بدین ترتیب، ایران به لحاظ موقعیت همپوشان ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، ارزش ژئوپولیتیکی فوق‌العاده‌ای برای تنها ابرقدرت جهان (آمریکا) پیدا کرده است. این قدرت نیز برای هم‌سو ساختن ایران با سیاست‌های خود و تحت فشار قرار دادن ایران از ابزارهای متفاوتی استفاده می‌کند.

به‌رحال، ایران در منطقه‌ای واقع است که علاوه بر قرار گرفتن در مسیر عبور مواد مخدر، وجود سلاح‌های کشتار جمعی و کشورهای نامسؤول و تا حدی بی‌ثبات در آن، به دلیل سلطه‌ی استعمار و تعیین مرزهای مصنوعی مسئله‌دار بین کشورهای منطقه، بدون توجه به سیمای انسانی و طبیعی آن، در این سرزمین آتش زیر خاکستری آفریده شده است که هراز چندگاهی قدرت‌های بزرگ فرامتنقه‌ای و حتی کشورهای منطقه، با آگاهی از آن باعث وقوع جنگ در منطقه می‌شوند. کم‌این‌که بعد از جنگ جهانی دوم، خاورمیانه و به‌ویژه منطقه‌ی خلیج فارس شاهد بیش‌ترین بحران‌ها و جنگ‌ها در جهان بوده و هست. افزون بر این، به لحاظ امنیتی، ایران در حال حاضر به نوعی در محاصره به سر می‌برد. نیروهای آمریکایی

(ناتو) از چهار طرف و به‌طور مستقیم هم‌مرز و هم‌جوار با ایران هستند و اگر ایران با غرب و ایالات متحده در حال تنش دائم به سر ببرد، به لحاظ امنیتی در مخاطره خواهد بود» [سلیمی، ۱۳۸۲: ۲۲].

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ایران به‌خاطر موقعیت جغرافیایی خود، تاریخ پر مخاطره‌ای داشته است. موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپولیتیکی ایران به‌ویژه در دو قرن اخیر - و به دلیل ضعف آن - موجب رقابت و دخالت قدرت‌های بزرگ در امور داخلی آن و حتی جدا شدن بخش‌هایی از این سرزمین شده است. در حال حاضر نیز، ایران در منطقه‌ای واقع شده است که می‌توان این ویژگی‌ها را برای آن برشمرد: «بیضی استراتژیک انرژی» یا «هارتلند جدید» که ایران در کانون آن قرار دارد، وجود بیش‌ترین بحران‌ها و پیمان‌های تهدیدآمیز در اطراف مرزهای آن، خرید هنگفت تسلیحات از سوی کشورهای منطقه، حضور قدرت‌های فرامتنقه‌ای، وجود کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته و تا حدی بی‌ثبات و نامسؤول، و در عین حال وجود کشورهای با درآمد بالا و ثروتمند، در کنار کشورهای فقیر با موقعیت جغرافیای محصور در خشکی و یا شرایط نامساعد برای دسترسی به دریا، به همراه مرزهای مصنوعی و همچنین با آرمان‌ها و علاقه‌های ژئوپولیتیکی خاص. به‌رحال ایران امروز با درک واقعیت‌های موجود منطقه‌ای و جهانی، می‌تواند با سیاستی اصولی، منطقی و علمی در عبور از این خطرات و تهدیدات و حتی تبدیل آن به فرصت‌ها سعی داشته باشد. با وجود این، ایران باید تولید قدرت کند و وزنه‌ی مهمی در منطقه و جهان باشد، تا امنیت و منافع ملی خود را تأمین کند؛ چرا که این ضرورت را موقعیت جغرافیایی اش تحمیل می‌کند و حوادث تاریخی نیز گواه این مدعا هستند.

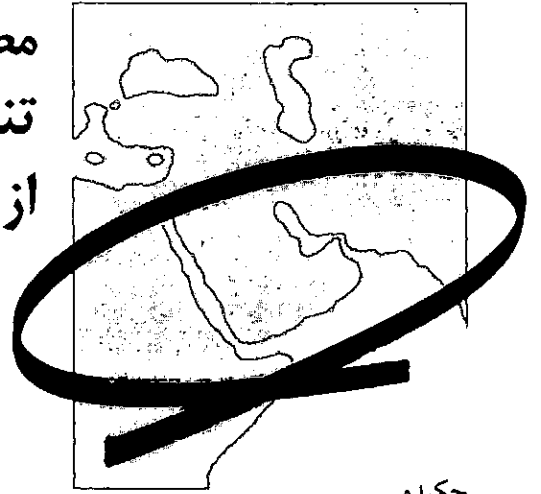
منابع

۱. اسلامی ندوشن، محمدعلی. «دفاع و واکنش» (۱۳۷۴). روزنامه‌ی ایران. شماره‌ی ۱۶۷۶ / ۳ دی ۱۳۸۲.
۲. حافظ‌نیا، محمدرضا. جغرافیای سیاسی ایران. سمت. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۱.
۳. سلیمی، حسین. «رفتارهای آبی آمریکا در منطقه». روزنامه‌ی ایران. شماره‌ی ۲۷۳۲ / ۴ اسفند ۱۳۸۲.
۴. عزتی، عزت‌الله. مسائل استراتژیک نظامی معاصر (جزوه‌ی درسی منتشر شده). دانشگاه تربیت‌مدرس. تهران. پائیز ۱۳۸۰.
۵. کریمی پور، یدالله. مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید). جهاد دانشگاهی واحد تربیت‌معلم. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۶. کوردن‌زن، آنتونی. «ایران و دیپلماسی آمریکا». ترجمه‌ی رضا اسدی. روزنامه‌ی ایران. شماره ۲۶۶۹. ۲۵ آذر ۱۳۸۲.
۷. مجتهدزاده، پیروز. روزنامه‌ی اطلاعات. ۸ تیر ۱۳۸۱.
۸. مجتهدزاده، پیروز. جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. سمت. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۱.
۹. مفتخری، حسین و دیگران. تاریخ ایران و جهان. ج ۱. کتاب درسی دوره‌ی متوسطه. وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۸۲.



مطالعه‌ی تطبیقی دو گذرگاه ژئواستراتژیکی تنگه‌ی هرمز و کانال سوئز از دیدگاه جغرافیای سیاسی

اکرم عباسی



چکیده

دلایل فیزیکی و یا نظامی بسته شود؛ به ویژه در مورد تنگه‌ی هرمز و کانال سوئز. در این تجارت آبی، نقطه‌ی کلیدی، گذرگاه‌های راهبردی است. از آنجایی که قاره‌ی آفریقا نقش مکمل را برای دو قاره‌ی اروپا و آسیایابی می‌کند، آنچه در کانال سوئز می‌گذرد، خواه ناخواه روی مسائل سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای حاشیه‌ی آن تأثیر می‌گذارد. شناخت این تأثیرات می‌تواند مسؤولان ایران را در اتخاذ خط مشی سیاسی کشور کمک کند [اسکندری، ۱۳۷۲: ۱۲].

موقعیت جغرافیایی خلیج فارس

خلیج فارس دریای کم عمقی است که در حاشیه‌ی غربی اقیانوس هند واقع شده است و بالای شبه جزیره‌ی عربستان و در جنوب ایران قرار دارد. مساحت آن حدود ۲۳۹ هزار کیلومتر مربع است. طول خلیج از دهانه‌ی شط العرب (اروند رود) تا تنگه‌ی هرمز که به دریای عمان می‌پیوندد، نزدیک به ۱۳۷۵ کیلومتر و عرض آن بین ۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر متغیر است. عمیق‌ترین محل آن، در قسمت جنوبی تنگه‌ی هرمز نزدیک «رأس المسمندم»، ۱۸۲ متر و عمق متوسط خلیج حدود ۲۵ متر است. شیخ نشین‌های خلیج فارس بعد از ایران، با خطی ساحلی به طول ۶۴۰ کیلومتر، طولانی‌ترین ساحل این خلیج را دارا هستند [عزنی، ۱۳۶۸: ۱۳۲].

اهمیت راهبردی و ژئوپلیتیکی خلیج فارس

خلیج فارس حدوداً ۵۶۵ میلیارد بشکه ذخیره‌ی نفتی دارد که این مقدار ۶۳ درصد از کل ذخایر ۸۹۶/۵ میلیارد بشکه‌ای نفتی شناخته شده در جهان را تشکیل می‌دهد [مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۴]. ژان گاتمن^۱ پژوهشگر و پدر جغرافیای سیاسی نوین می‌گوید: «اگر سطح کره‌ی زمین مانند توپ پینگ پنگ صاف و بدون پستی و بلندی‌های گوناگون بود، مباحثی چون جغرافیای سیاسی و روابط بین الملل و اهمیت ژئوپلیتیکی و راهبردی مناطق وجود نداشت. منطقه‌ی خلیج فارس یکی از مناطق راهبردی دنیا محسوب می‌شود. البته موقعیت و اهمیت ژئوپلیتیکی و راهبردی، مسأله‌ی جدیدی نیست، بلکه از قرن‌ها قبل امری شناخته شده و مورد قبول عام بوده است» [اسدی، ۱۳۸۱: ۵].

دیوید نیوسام^۲، معاون سیاسی پیشین وزارت امور خارجه‌ی آمریکا، در

ایران یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان انرژی در حوزه‌ی خلیج فارس است و برای انجام امور روزمره‌ی اقتصادی خود، به صدور انرژی نیاز دارد. بنابراین، از هر نوع حادثه‌ای که به بی‌ثباتی و نبود امنیت در منطقه منجر شود، تأثیر خواهد گرفت [مجله‌ی بندر و دریا، ۱۳۷۴: ۶۶]. تازمانی که خلیج فارس چنین ویژگی‌هایی دارد، آبراهه‌های پیرامون آن، از جمله تنگه‌ی هرمز و کانال سوئز (باب المندب و دریای سرخ)، اهمیت راهبردی خود را خواهند داشت [احمدیان، ۱۳۸۱: ۷۹]؛ به ویژه این که نفتکش‌هایی که نفت خلیج فارس را به بنادر مدیترانه می‌رسانند، از تنگه‌ی هرمز و کانال سوئز می‌گذرند.

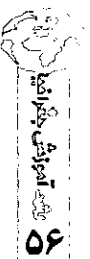
در مقاله‌ی حاضر، ضمن بررسی خلیج فارس و ارزش اقتصادی این منطقه، دو گذرگاه ژئواستراتژیک تنگه‌ی هرمز و کانال سوئز، از دیدگاه جغرافیای سیاسی، مطالعه‌ی تطبیقی شده‌اند و اهمیت هر کدام بررسی شده است. سؤال مقاله این است که آیا کانال سوئز، ماهیتاً می‌تواند در امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار باشد؟ و اگر جواب مثبت است، میزان این تأثیر تا چه حد است؟

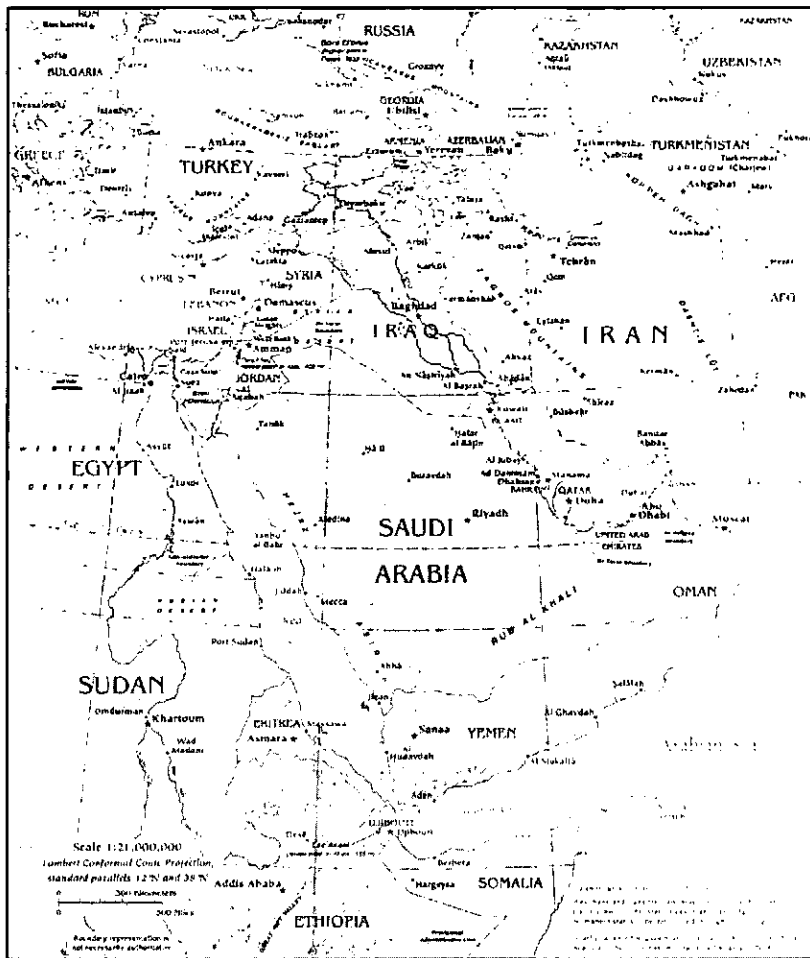
کلیدواژه‌ها: خلیج فارس، تنگه‌ی هرمز، کانال سوئز.

مقدمه

امروزه با وجود این که بیش از ۱۰۰ گذرگاه آبی در جهان وجود دارد، ولی در حال حاضر به دلایل راهبردی، ۱۶ گذرگاه نقش اصلی را در مسائل نظامی و اقتصادی جهان دارند. در میان این ۱۶ گذرگاه که نقش همیشگی دارند [عزنی، ۱۳۸۲: ۱۷۵]، گذرگاه‌هایی هستند که به شکلی، اوراسیا را از حالت بسته خارج می‌سازند [میرحیدر، ۱۳۷۴: ۱۷۴]. مهم‌ترین آن‌ها، تنگه‌های ترکیه (دارداتل، بسفر) سوئز، باب‌المندب^۱ و هرمز^۲ هستند که بین اقیانوس‌های اطلس و هند، حلقه‌ای کلیدی را تشکیل می‌دهند [پیشین]. دو تنگه‌ی مهم و راهبردی هرمز و باب‌المندب و کانال یا گذرگاه بین‌المللی بسیار کلیدی سوئز در منطقه‌ی خاورمیانه قرار دارند.

هر نوع مشکلی که برای این آبراهه‌های راهبردی پدید آید، می‌تواند به جریان صدور نفت و رفت‌وآمد کشتی‌های تجاری و نظامی لطمه وارد کند [احمدیان، ۱۳۸۱: ۷۰]. دولت‌هایی که دارای منابع تجاری عمده هستند، به ویژه دولت‌های واردکننده‌ی نفت، بیم دارند که راه عبور کشتی‌ها، بنا به





سخت‌رانی علمی خود در سال ۱۹۸۰ گفت: «اگر جهان دایره‌ی مسطحی باشد و کسی بخواهد مرکز آن را بیابد، به یقین می‌توان گفت که مرکز آن خلیج فارس است. امروز جایی در جهان (به اهمیت این منطقه) وجود ندارد که تمامی توجیهات را به یک نقطه و با علاقه‌هایی یکدست و همسان، جلب کند. در حال حاضر، برای ادامه‌ی سلامت اقتصادی و ثبات جهان، جایی به اهمیت این مرکز (خلیج فارس) وجود ندارد» [اسدی، ۱۳۸۱: ۵۸].

خلیج فارس از نظر راهبردی موقعیت ممتاز و اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته و دارد و به علت واقع شدن در مسیر راه‌های دریایی هند و دریای سرخ و اتصال آب‌های این دو به سواحل ایران، بین‌النهرین و عربستان، از دورترین زمان‌های تاریخ، مورد توجه و محل آمد و رفت ملت‌های دریانورد و تجارت پیشه‌ی شرق و غرب دنیا بوده است [عزتی، ۱۳۶۸: ۱۵۶]. اهمیت ژئوپولیتیکی خلیج فارس به خاطر سه عامل موقعیت راهبردی، بازار صدور کالا و تجهیزات نظامی، و وجود ذخایر عظیم نفت و گاز است [جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۱۱].

اهمیت اقتصادی خلیج فارس

در فلات قاره و در اعماق آب‌های خلیج فارس، مخازن و میدان‌های وسیع نفتی قرار دارند که آن را به منطقه‌ای شرونتد تبدیل کرده‌اند [بدیعی، ۱۳۶۷: ۱۲۳].

از اوایل قرن ۲۰، به خاطر کشف و استخراج منابع نفت در سکوی قاره و سرزمین‌های مجاور آن، منطقه‌ی مذکور علاوه بر اهمیتی که از نظر نظامی داشت، در راهبرد جهانی نیز نقشی تعیین‌کننده پیدا کرد [عزتی، ۱۳۶۸: ۱۵۶]. امروزه استخراج نفت پیرامون خلیج فارس، آن را از اهمیت بازرگانی خاصی برخوردار ساخته است [بدیعی، ۱۳۶۷: ۱۲۳]. خلیج فارس، حدود ۳۰ درصد از ذخایر اثبات‌شده‌ی گاز طبیعی جهان را دارد. و از این نظر، دومین منطقه از نظر میزان ذخایر گاز در جهان است؛ زیرا تنها فدراسیون روسیه با بر خورداری از مجموع کل ۳۹/۸ درصد از ذخایر جهانی گاز، قبل از آن قرار گرفته است [مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۴]. از نیمه‌ی دوم قرن ۲۰، این منطقه به عنوان مهم‌ترین منطقه‌ی نفت خیز دنیا مطرح شد که با پایان یافتن ذخایر نفتی سایر نقاط جهان، در نیمه‌ی اول قرن ۲۱، بر اهمیت این منطقه افزوده می‌شود [انامی، ۱۳۸۲: ۸۷۹]. در آینده، جهان برای تأمین ۶۵ درصد از نیازهای نفتی خود به خلیج فارس وابسته خواهد شد. در حال حاضر، ۴۱ درصد مصارف نفتی جهان را خلیج فارس تأمین می‌کند [مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۴]. منطقه‌ی خلیج فارس، بازار مصرف ثروتمندی است که کشورهای صنعتی اروپای غربی، آسیای شرقی، آمریکا، ژاپن، کانادا و اخیراً شوروی و چین به آن چشم دوخته‌اند و با فروش تولیدات صنعتی و غذایی و تسلیحات نظامی خود، دلارهای حاصل از فروش نفت را جذب اقتصاد ملی خود می‌کنند و این زمینه، به رقابت اقتصادی قدرت‌های صنعتی در منطقه نیز منجر می‌شود

[حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۸۸]. (تصویر ۱)

در آینده، ژاپن بیش از هر کشور دیگر صنعتی، نیازمند نفت خام و گاز طبیعی خلیج فارس خواهد بود و توفیق نیافتن این کشور در کسب منابع انرژی از کشورهای خلیج فارس، می‌تواند بزرگ‌ترین مشکل تداوم صنعتی و اقتصادی ژاپن در بلندمدت باشد [بدیعی، ۱۳۶۷: ۸۸۴].

روند نیازها و وابستگی آمریکا به نفت وارداتی، به ویژه نفت منطقه‌ی خلیج فارس، در حال افزایش است که آینده‌ی ناخوشایندی را برای صنعت نفت آن کشور تصویر می‌کند. به علاوه، از دیدگاه آمریکا، همراه خطرهایی ثبات و امنیت منطقه را تهدید می‌کند. در مجموع، جریان مطمئن و مداوم صدور نفت خلیج فارس به سوی کشورهای صنعتی غرب، مورد تهدیدهای جدی است. این در حالی است که جدا از آمریکا، برخی از کشورهای صنعتی اروپا (نظیر فرانسه، آلمان و ایتالیا)، رقیب‌های سیاسی-اقتصادی آمریکا، به میزان حداقل ۹۰ درصد به نفت وارداتی-و بیش‌تر از خلیج فارس- وابسته‌اند [اسدی، ۱۳۸۱: ۵۶۳].

در سال ۱۹۸۷، واردات نفت جهان از خلیج فارس روزانه ۱۰/۳ میلیون بشکه، و تولید روزانه‌ی منطقه، ۱۳/۱ میلیون بشکه نفت بود که به معنای مصرف داخلی روزانه، حدود ۳ میلیون بشکه نفت تولیدشده در منطقه یا صدور آن به شکل محصولات پالایش شده است [مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۴]. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهند که خلیج فارس در آینده نقش

مهم‌تری در تأمین انرژی جهان به عهده خواهد داشت و وابستگی کشورهای صنعتی به نفت این منطقه افزایش خواهد یافت. از یک طرف، در این که انرژی‌های جایگزین در کوتاه‌مدت و یا حتی در میان‌مدت بتوانند با نفت و گاز رقابت کنند، تردید وجود دارد. از طرف دیگر، مصرف انرژی جهان نیز در بخش صنعت، خدمات، حمل و نقل، دفاع و غیره در کل جهان افزایش خواهد یافت [حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۸۹].

نتیجه این که خلیج فارس منطقه‌ای باقی خواهد ماند که منافع قدرت‌های بزرگ و متوسط منطقه‌ای در آن با یکدیگر برخورد و فرسایش خواهند یافت. اروپا نیز به استمرار جریان نفت و گاز خلیج فارس با قیمت مناسب و دسترسی به بازار این منطقه برای فروش کالاهای خود بسیار وابسته است [بدیعی، ۱۳۶۷: ۸۸۳ و ۸۸۷].

موقعیت و مشخصات طبیعی تنگه‌ی هرمز

شبه‌جزیره‌ی جنوب غرب آسیا، از طریق شکاف خلیج فارس به دو قسمت تقسیم شده است. این فرورفتگی همراه با امکانات ارتباطی که ایجاد می‌کند، به صورت کانون هم‌گرایی درآمده که مرکز ثقل آن تنگه‌ی هرمز^۵ است. از طرف دیگر، شبه‌جزیره‌ی جنوب غرب آسیا، بخش مرکزی ریملند^۶ را تشکیل می‌دهد. بنابراین، تنگه‌ی هرمز در مرکز ثقل بخش مرکزی ریملند قرار دارد. تنگه‌ی هرمز به عنوان یک آبراه بین‌المللی، از ارزش راهبردی خاصی برخوردار است و امکان کنترل بخش مرکزی ریملند را فراهم می‌کند [حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۶۲ و ۴۹۱]. همچنین، کانال طبیعی منحنی و باریکی است که خلیج فارس را به اقیانوس هند متصل می‌سازد. این تنگه از نظر زمین‌شناسی یک بریدگی است که از طرف شمال به ایران و از طرف جنوب به شبه‌جزیره‌ی «مسندم» محدود می‌شود [مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۱۷].

تنگه‌ی هرمز هلالی شکل و قوس آن رو به شمال است و داخل فلات ایران قرار دارد. در نتیجه، بیش‌ترین منطقه‌ی ساحلی آن در کشور ایران قرار گرفته است [حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۶۲]. طول آن در امتداد خط منصف، ۱۸۷ کیلومتر است. عمق آن نیز در سمت سواحل عمان، بیش‌تر از عمق آن در قسمت ایران است [اسدی، ۱۳۸۱: ۵۶]. حداقل عرض تنگه‌ی هرمز ۵۶ کیلومتر است [بدیعی، ۱۳۶۷: ۱۲۳]. باریک‌ترین بخش آن، بین جزیره‌ی ایرانی لارک و جزیره‌ی کوچک عمانی «قوئین کبیر» است [میرحیدر، ۱۳۷۴: ۱۸۲]. متوسط عمق آن ۱۱۵ متر است که در مجاورت جزیره‌ی المسندم به ۱۴۴ متر هم می‌رسد. عمق تنگه در جهت شرقی-غربی نیز تفاوت دارد. یعنی هرچه از سمت مغرب به مشرق برویم، عمق آب افزایش می‌یابد. کف تنگه در جهت شمالی و جنوبی دارای شیب متقارن و متعادلی نیست، بلکه شیب تند آن در ساحل جنوبی و شیب ملایم آن در ساحل شمالی قرار دارد.^۷

ژئوپلیتیک تنگه‌ی هرمز

تنگه‌ی هرمز یکی از ۱۱ تنگه‌ی مهم دنیاست که برای قدرت‌های بزرگ اهمیت اقتصادی و راهبردی بسیار دارد. این تنگه همچون تنگه‌های: فلوریدا، ذور، موزامبیک، جبل الطارق، باب‌المندب، و داردائل، از گذرگاه‌های آبی مهم جهان به شمار می‌رود [اسدی، ۱۳۸۱: ۵۶]. براساس

نظریه‌ی اسپایکمن، تنگه‌ی هرمز، مرکز ریملند است و بخش‌های شمالی، جنوبی، غربی و شرقی ریملند را به هم پیوند می‌دهد. طبق نظریه‌ی ریملند، کنترل تنگه‌ی هرمز به مفهوم کنترل چهار بخش یاد شده خواهد بود [جعفری و لدانی، ۱۳۸۱: ۱۳].

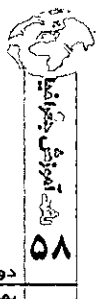
مجموعه ارزش‌های ارتباطی، اقتصادی و ژئواستراتژیک تنگه‌ی هرمز به آن موقعیت راهبردی ویژه‌ای داده‌اند که مورد توجه قدرت‌های جهانی قرار دارد و هریک از آن‌ها برای گسترش اقتدار و کنترل خود بر تنگه می‌کوشند. زیرا ارزش‌های نهفته در تنگه‌ی هرمز، دارای نتیجه‌های ژئوپلیتیکی تعیین‌کننده‌ای هستند و در موازنه‌ی قدرت جهانی تأثیر زیادی دارند، به طوری که هر قدرتی، کنترل و اقتدار تنگه را در اختیار داشته باشد، موازنه‌ی قدرت جهانی به نفع او خواهد چرخید، و اگر این امکان به دست قدرتی بیفتد (که امکان حضور نظامی در پهنه‌ی اقیانوس‌های جهان را دارد)، موازنه‌ی قدرت جهانی به نفع آن کشور تغییر خواهد کرد. این اقتدار از دو راه امکانپذیر است: حضور مستقیم نظامی در تنگه و یا اتحاد راهبردی با کشورهای ساحلی تنگه، به ویژه ایران [حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۹۴].

وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در این منطقه و نیز موقعیت تنگه‌ی هرمز به عنوان تنها معبر ورودی و خروجی خلیج فارس، به ویژه نقش آن در عبور و مرور مطمئن و مداوم نفت به وسیله‌ی نفتکش‌ها، اهمیت راهبردی تنگه‌ی هرمز و خلیج فارس را افزایش داده است [اسدی، ۱۳۸۱: ۲]. توسعه‌ی بهره‌برداری از ذخایر نفتی منطقه‌ی خلیج فارس به دلیل وابستگی شدید صنایع و خدمات رفاهی کشورهای اروپایی، آمریکا و ژاپن به نفت، به وابستگی شدید این کشورها به تنگه‌ی هرمز منجر شد و در نتیجه اهمیت این تنگه افزایش یافت.

اهمیت راهبردی تنگه‌ی هرمز، باعث شده است که قدرت‌های جهانی، در امور کشورهای ساحلی آن مداخله کنند. در زمانی‌که چندان دور، عمان و امارات متحده‌ی عربی از مستعمرات بریتانیا بودند و ایران نیز صحنه‌ی رقابت جدی بین انگلستان از یک طرف و روسیه، فرانسه و آلمان از طرف دیگر شده بود. در دوران جدید و حاکمیت آمریکا بر منطقه، شاه ایران مجری سیاست‌ها و منافع آن کشور در خلیج فارس بود. با پیروزی انقلاب ایران، حضور آمریکا در عمان بیش‌تر شد و سیاست براندازی دولت ایران را پیش گرفت. بنابراین، نظام‌های حکومتی و سیاسی و امور داخلی کشورهای ساحلی تنگه‌ی هرمز، همواره دستخوش خواست‌ها و رقابت‌های قدرت‌های جهانی بوده‌اند و خواهند بود [حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۴۸۲ و ۴۹۲ و ۴۹۳].

تاریخچه‌ی تأسیس کانال سوئز

کانال سوئز یا ترعه‌ی سوئز که در عربی آن را «قناة السويس» می‌نامند، راه آبی ساخته شده به دست انسان در مصر است که در دهه‌ی ۱۸۶۰ میلادی حفر و در سال ۱۸۶۹ میلادی افتتاح شد. این کانال از «پرت سعید» تا «پرت توفیق» (نزدیک سوئز) امتداد دارد و دریای مدیترانه را با خلیج سوئز و از آن‌جا با دریای سرخ مرتبط می‌سازد. منظور اصلی از ایجاد ترعه (کانال)، کوتاه کردن مسیر کشتی‌هاست؛ همچنان که حفر کانال سوئز فاصله‌ی دریایی آسیا و اروپا را ۹ هزار کیلومتر کاهش داد. زیرا از عدن (یمن) تا جبل الطارق، از طریق دماغه‌ی «امیدنیک» (جنوب آفریقا)، ۱۶۰۰۲ کیلومتر است، درحالی‌که از طریق کانال سوئز ۶۹۴۰ کیلومتر است [مجله‌ی بندر



و دریا، ۱۳۷۴: ۶۶]. از آن جا که کانال سوئز فاقد آب بند است، کشتی های اقیانوس پیما می توانند به سهولت از آن عبور کنند. کشتی هایی که از راه کانال به طرف جنوب می روند، از شهر کنونی «پرت سعید» می گذرند که یکی از بزرگ ترین بنادر جهان است.

کانال سوئز تاریخچه ی مفصلی دارد. در سال های ۵۹۳-۶۰۹ قبل از میلاد، داریوش بزرگ هخامنشی شاید اولین کسی بود که اقدام به حفر کانال کرد و بطلمیوس دوم آن را به پایان رساند و در زمان امپراتور روم از کانال بهره برداری می شد.^۱ با در نظر گرفتن این نکته که کانال سوئز بهترین راه ارتباط دریایی اروپا با آسیا و آفریقای شرقی است و این که حدود نیمی از مردم جهان در چین و کشورهای هم جوار اقیانوس هند سکونت دارند، به خوبی معلوم می شود که امکان استفاده از کانال مزبور تا چه حد اهمیت دارد [لابوس، ۱۳۵۲: ۵]. اگر کانال سوئز حفر نشده بود، دو قاره ی آسیا و آفریقا در ترعه ی سوئز به یکدیگر متصل بودند و فقط توسط یک تنگه ی باریک چند مایلی در انتهای جنوبی دریای سرخ، یعنی باب المندب از همدیگر جدا می شدند [احمدیان، ۱۳۸۱: ۷۶].

حفر کانال جدید که دو دریا را مستقیماً و نه از طریق رود نیل به یکدیگر متصل می کند، گرفته از فکر فردینان دولسپس^۲ دیپلمات فرانسوی است که با کسب دو امتیاز از خدیو سعید پاشا، حاکم مصر، کار را آغاز کرد (۱۸۵۴-۱۸۵۶).

حفر کانال سوئز تأثیرات اقتصادی عظیمی داشت و برای غرب، راه تازه ای به آفریقای شرقی، آسیای جنوبی و اقیانوسیه گشود. به علاوه، مخارج حمل و نقل با کشتی تقلیل یافت. فاصله ی لندن تا کراچی، از راه کانال سوئز حدود ۹۸۰۰ کیلومتر، ولی از راه دماغه ی امیدنیک که مسیر عادی سابق بود، حدود ۱۷۳۸۰ کیلومتر است. کانال سوئز تقریباً مرز شرقی جغرافیایی بین قاره ی آسیا و آفریقا است. این کانال در تاریخ ۱۷ نوامبر سال ۱۸۶۹، رسماً برای کشتیرانی گشایش یافت. مسیر آن از پهنه ی سوئز و از پست ترین و باریک ترین نقاطش می گذرد و در سر راه خود، یک مجموعه دریاچه را قطع می کند. برای تأمین آب این کانال، ترعه ای از رود نیل کشیده شده است که به «اسماعیلیه» معروف است. طول کانال حدود ۱۶۱ کیلومتر و عرض آن در محل عبور کشتی ها به طور متوسط ۱۳-۱۲/۵ متر است. مدت زمان عبور کشتی از این کانال به طور متوسط ۱۲-۱۱ ساعت به طول می انجامد.

موقعیت جغرافیایی کانال سوئز

کانال سوئز در مرکز ارتباطات و مواصلات بین المللی دریایی قرار گرفته است و مناطق نفت خیز خاور میانه و خاور نزدیک را به اروپای غربی و آمریکا متصل می کند. بیش ترین محمولات در این گذرگاه آبی، نفت و فراورده های نفتی هستند [مجله ی بندر و دریا، ۱۳۷۰: ۵۱]. صرف نظر از فایده های مادی که بر هریک از اقدامات بشر مترتب است. ایجاد این راه آبی ارتباطی بر رفا و نزدیک ساختن ملل متفاوت به یکدیگر اثری به سزا داشته است [لابروس، ۱۳۵۲: ۱۴۳].

اهمیت ژئوپولیتیک کانال سوئز

کانال سوئز دروازه ی تجارت جهان است. این کانال با اهمیتی جهانی، یکی از گذرگاه های تجارتی بسیار مهم جهان است که در قلمرو سیاسی و

جغرافیایی مصر قرار دارد [جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۲۷]. به علت وجود منابع عظیم و سرشار نفت در این منطقه، مخصوصاً در نواحی مجاور خلیج فارس، اهمیت راهبردی کانال سوئز و اقیانوس هند و وجه ارتباط آن با دریای سرخ و برخورد سیاست های قدرت های بزرگ و رقابت آن ها، در این قسمت از جهان وضع حساسی را به وجود آورده است که تجزیه و تحلیل آن برای به دست آوردن راه حل عملی و منطقی ضرورت دارد. وقوع جنگ اعراب و اسرائیل که به بسته شدن کانال سوئز انجامید، تأثیرات نامطلوبی بر کشورهای منطقه و جهان گذاشت. این امر منشأ تحولات نامطلوبی در اقتصاد داخلی و بازرگانی بین المللی اغلب کشورهای اروپا، آسیا، آفریقای شرقی و حتی آمریکا شد. طولانی شدن مسیر و افزایش کرایه ی حمل و نقل دریایی به علت اجبار کشتی ها به عبور از راه دماغه ی امیدنیک و دور زدن آفریقا، خسارت سنگینی را به کشورهای مزبور وارد آورد. در مجموع، نبود امکان استفاده از این شاهراه آبی، وضع نابسامان و غیر قابل توجیهی را به وجود آورد [لابروس، ۱۳۵۲: ۱۴۳].

حدود ۱۰ درصد صادرات نفتی خلیج فارس به ایالات متحده ی آمریکا و اروپای غربی، از راه این کانال انجام می شود. البته در سال های اخیر بنا به دلایلی، کاهش نسبی در اهمیت کانال سوئز به وجود آمده است [جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۲۷]. نخست، فعال شدن خط لوله ی نفت سوئز-مدیترانه است. این خط لوله سبب کاهش میزان حمل و نقل نفت از کانال سوئز شده است. به علاوه، نفتکش های غول پیکر ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تنی نمی توانند از کانال سوئز عبور کنند و به همین دلیل، از راه دماغه ی امیدنیک استفاده می کنند. از طرف دیگر، اقدام الجزایر برای افزایش تولید نفت خود و نیز حفظ میزان تولید نفت انگلستان در دریای شمال در سطح بالا، سبب شده است که تقاضا برای نفت خلیج فارس روند فزاینده نداشته باشد [همان، ص ۹].

اما کاهش نسبی اهمیت کانال سوئز در زمینه ی حمل و نقل نفت و تولیدات نفتی از سال ۱۹۶۶، این واقعت را پنهان ساخته که مقدار حمل کالاهای غیر نفتی در این دوره به شدت افزایش یافته است. اغلب کشورهای که در تجارت دریایی دست دارند، از کانال استفاده می کنند. حجم کالاهای جابه جا شده، نقش کلیدی کانال را در جهان نمایان می سازد. اگر کانال سوئز بسته شود، تأثیر کم تری روی حمل و نقل نفت خواهد داشت [همان، ص ۲۷]. به فرض مسدود ماندن کانال سوئز، می توان کماکان از راه دماغه ی امیدنیک که ولتر^۳ یافتن آن را به منزله ی مهم ترین کشف قرن های گذشته تلقی کرده است، برای حفظ ارتباط بین اروپا و کشورهای مجاور اقیانوس هند استفاده کرد [لابروس، ۱۳۵۲: ۱۴۱]. ولی تجارت کالاهای عمومی به شدت متأثر خواهد شد و هزینه ی حمل و نقل افزایش خواهد یافت [جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۲۷].

در مقابل، کاهش اهمیت کانال مقامات مصری را نگران کرده است. در نتیجه، طرح هایی را برای تعریض و تعمیق آن به اجرا گذاشته اند و با در دست اجرا دارند. نخستین طرح در ۱۹۸۰ به پایان رسید و براساس آن، نفتکش های ۱۵۰ هزار تنی توانستند از کانال عبور کنند. براساس دومین طرح توسعه ی کانال که در دست اجراست، امکان عبور تانکرهای ۱۵۰ هزار تا ۳۵۰ هزار تنی فراهم خواهد شد. این طرح ۲/۱ میلیارد دلار هزینه دارد. گزارش بررسی نهایی این طرح توسط شرکتی هلندی ارائه شده است. مصر از شرکت های بین المللی دعوت کرده است، در سرمایه گذاری در این



طرح مشارکت کنند. همچنین، عوارض عبور از کانال را تا ۲۰ درصد کاهش داده است تا از به کارگیری راه‌ها و مسیرهای دیگر جلوگیری کند [همان، ص ۱۱]. دولت مصر به ناچار، توجه خاصی به حفظ «امنیت» کانال دارد. تکرار اشغال ساحل شرقی کانال توسط اسرائیل می‌تواند، فاجعه‌ای ملی باشد و به این دلیل، دفاع مؤثر از شبه جزیره‌ی سینا برای مصری‌ها از تقدم خاصی برخوردار است [میرحیدر، ۱۳۷۴: ۱۸۸].

در این جا، برای نمونه، به تأثیر بسته شدن کانال روی وضعیت اتحاد جماهیر شوروی (سابق) در پی جنگ ژوئن اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ میلادی اشاره می‌کنیم. بسته شدن کانال سوئز و در نتیجه جدا ماندن دریای سرخ از مدیترانه، موجب ایجاد مشکلاتی در راه نفوذ بیش‌تر اتحاد جماهیر شوروی در این منطقه شد. دولت شوروی ناچار شد، قسمتی از اقدامات خود را از راه سبیری شرقی و بندر «ولادی وستک» انجام دهد و حال آن‌که این امر نه تنها به علت طولانی بودن مسیر، بلکه به دلیل الزام به عبور از تنگه‌های مالاکا، سوئز و لومبوک که تحت نظارت دولت‌های مخالف شوروی و موافق با آمریکا بودند، کاری بس دشوار بود [لابروس، ۱۳۵۲: ۱۱۸].

سه تونل ارتباطی در زیر کانال در حال ساخته شدن و یا پایان هستند و هدف از این پروژه، آسان شدن حرکت قوای نظامی به داخل صحرای سینا و پیشبرد برنامه‌های عمرانی منطقه‌ی کانال بوده است [میرحیدر، ۱۳۷۴: ۱۸۷ و ۱۸۸].

ارزش ارتباطی و اقتصادی تنگه‌ی هرمز و کانال سوئز

ارزش ارتباطی و اقتصادی تنگه‌ی هرمز با مسائل خلیج فارس پیوند خورده است. یعنی عوامل ارزش آفرین تنگه‌ی هرمز در زمینه‌های ارتباطی و اقتصادی، در خلیج فارس قرار دارند و در واقع این تنگه سطح اتصال اقتصاد واحد ژئوپولیتیکی خلیج فارس با اقتصاد جهان است. ارزش اقتصادی و ارتباطی تنگه به سه زمینه‌ی اقتصادی خلیج فارس بستگی دارد که عبارتند از: اقتصاد کشورهای منطقه (بندر و مناطق آزاد تجاری و صنعتی)، اقتصاد جهانی، و صادرات و واردات نفت و کالای کشورهای منطقه. از این رو، حفظ امنیت آن برای همه‌ی کشورهای منطقه حیاتی است.

در حال حاضر، کشور ایران از حیث صادرات نفت و کالا و نیز واردات کالا و فرآورده‌های نفتی وابستگی شدیدی به تنگه‌ی هرمز دارد [حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۸۶ و ۴۸۷]. عرض کم تنگه‌ی هرمز و وجود تعدادی جزیره و نیز ارتفاعات ساحلی در مجاورت خطوط اصلی کشتیرانی، همواره باعث حساسیت شدید کشورهای غربی نسبت به مسأله‌ی امنیت منطقه بوده است [اسدی، ۱۳۳۸۱: ۲]. تنگه‌ی هرمز، علاوه بر آثار اقتصادی منطقه‌ای برای کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، بر اقتصاد جهان نیز تأثیر دارد. باز بودن و یا انسداد تنگه‌ی هرمز، در دو زمینه بر اقتصاد جهان اثر می‌گذارد: زمینه‌ی اول، صادرات فرآورده‌های صنعتی و غذایی و دارویی کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان به منطقه و زمینه‌ی دوم، واردات نفت آنان از منطقه‌ی خلیج فارس است [حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۸۸]. از طرف دیگر، کانال سوئز، در اعتبار بخشیدن به خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز، نقش آفرینی می‌کند. چرا که با آزاد بودن این کانال، در واقع مسیری که نفتکش‌ها باید طی کنند، کوتاه‌تر خواهد شد و در وقت و هزینه صرفه جویی می‌شود.

طی جنگ اعراب و اسرائیل و سال‌های بسته بودن کانال، دولت‌های تولیدکننده و مصرف‌کننده‌ی نفت، ضررهای جبران‌ناپذیری متحمل شدند. در واقع این آبراه راهبردی، تکمیل‌کننده‌ی سیکل حرکتی استخراج انرژی و تحویل آن به مصرف‌کنندگان است. تنگه‌ی هرمز و کانال سوئز، همکاری با یکدیگر را پذیرفته‌اند، و به مسوولیت خطیر خود اشراف کامل دارند. در این جا لازم به ذکر است که تنگه‌ی هرمز، به هر دلیلی بسته شود، راه دریایی جایگزین ندارد، ولی در مورد کانال سوئز، مسیر فرعی دیگری وجود دارد. البته این راه خیلی طولانی‌تر، و مستلزم دور زدن جنوب آفریقا است.

نتیجه‌گیری

بیش از ۹۵ درصد تجارت ایران با جهان خارج از طریق راه آبی انجام می‌شود. قسمت اعظم این بخش از تجارت، به صادرات مواد نفتی تعلق دارد. با توجه به این‌که ایران کشوری با اقتصاد تک‌محصولی و وابسته به فروش نفت است، وجود امنیت در خلیج فارس، برای این‌که کشتی‌های نفتکش به آرامی مسیر خود تا مدیترانه را طی کنند، امری ضروری است. بنابراین، حفظ امنیت در آبراه سوئز نیز برای ایران بسیار مهم است. ناامنی در کانال سوئز (بی‌ثباتی سیاسی-نظامی) موجب بروز اختلال در انتقال انرژی از خلیج فارس به عنوان مرکز تولید انرژی هیدروکربوری به کشورهای حوزه‌ی دریای مدیترانه خواهد شد که عمده‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی خاورمیانه در این حوزه به شمار می‌روند.

با بروز بحران در سوئز، استفاده از راه‌های ارتباطی با بنادر خاورمیانه ۴۴ درصد افزایش می‌یابد (با دور زدن جنوب آفریقا و دماغه‌ی امیدنیک) که در نهایت، این افزایش مسیر به طولانی‌تر شدن زمان تحویل کالا و افزایش قیمت تمام‌شده‌ی کالاهای وارداتی و صادراتی می‌انجامد. پس می‌توان به این نتیجه رسید که در پی بحران در سوئز و تهدید امنیت راه‌های آبی، ضمن به خطر افتادن امنیت ملی ایران، منافع کشور ما به چالش کشیده می‌شود. در این میان، نقش جمهوری اسلامی ایران در جلوگیری از به وجود آمدن این شرایط، تعیین‌کننده است. حضور نداشتن ایران در منطقه، به حضور و نقش آفرینی آمریکا و اسرائیل کمک می‌کند و حضور اسرائیل به بی‌ثباتی در این منطقه دامن می‌زند.

ایران برای احراز جایگاه راهبردی ناگزیر به حضور مؤثر در منطقه است که از طریق توسعه‌ی روابط سیاسی و توسعه‌ی تجارت با کشورهای منطقه تأمین خواهد شد. همکاری با کشورهای قدرتمند در ابعاد گوناگون می‌تواند، مانع حضور و نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای شود که عامل بی‌ثباتی منطقه است. مصر از نظر سیاسی باثبات‌ترین و از نظر اقتصادی و نظامی قدرتمندترین کشور در منطقه به شمار می‌آید. در نتیجه، همکاری‌های منطقه‌ای ایران و مصر در زمینه‌ی حفظ امنیت در کانال سوئز و تنگه‌ی هرمز و در نهایت خلیج فارس، باید یکی از اولویت‌های مهم در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و مصر باشد.

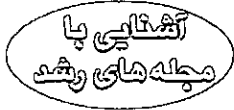
زیرنویس‌ها

۱. گرچه ظاهر آکانال سوئز از «پرت سعید» آغاز می‌شود و منحصر به همان قسمتی است که مصنوعاً به دست بشر حفر شده است، ولی عملاً این کانال و دریای سرخ که به باب‌المنندب منتهی می‌شود، با یکدیگر بستگی و ارتباط دارند [لابروس، ۱۳۵۲: ۱۲].

۲. به ویژه در مورد تنگه‌ی هرمز، با وجود اهمیتی که این آبراه‌ی راهبردی دارد،



دفتر انتشارات کمک آموزشی



مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش. با این عناوین تهیه و منتشر می شوند:

- مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۹ شماره در هر سال تحصیلی - منتشر می شوند):
- رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
 - رشد نوآموز (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
 - رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی).
 - رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی).
 - رشد جوان (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه).

مجله های عمومی (به صورت ماهنامه - ۹ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

- رشد مدیریت مدرسه، رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا

مجله های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در سال منتشر می شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، رشد برهان متوسطه (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش زبان
- رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای و رشد مشاور مدرسه .

مجله های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، آموزگاران، مدیران و کادر اجرایی مدارس

دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

در آینده هم نقش مهمی ایفا خواهد کرد [احمدیان، ۱۳۸۱: ۷۰].

3. Gottman, Jean
4. Newsome, David

۵. یکی از دلایل مهمی که باعث اهمیت منحصر به فرد خلیج فارس - به تبع منابع نفت و گاز آذ شده است، وجود تنگه ی راهبردی هرمز بر سر راه عبور و مرور کشتی هاست [مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۱۵].

6. rimland

۷. متوسط عمق آب در بخش غربی تنگه و خلیج فارس ۲۵ متر است و قسمت های عمیق آن به ندرت از ۷۳ متر تجاوز می کند [حافظ نیا، ۱۳۷۸: ۱۶۳].

۸. در یک سنگ گرانیت حجاری شده که در نزدیکی شهر سوئز یافت شده است، داریوش اول پادشاه ایران که از ۴۸۵ تا ۵۲۲ قبل از میلاد حکومت می کرده. این چنین نوشته است: «من یک پارسی هستم از پارس. من مصر را تسخیر کردم. من دستور دادم که این کانال را از رودخانه ای به نام نیل که در مصر جریان دارد تا دریایی که به پارس (ایران) می رسد، حفر کنند (مقصود او دریای سرخ و خلیج فارس بود). بنابراین، این کانال آن طور که من دستور داده بودم، حفر شد و کشتی ها با عبور از آن خود را از مصر به پارس می رسانند.» او به اهمیت ارتباط بین مدیترانه و دریای سرخ پی برده بود. این راه آبی می توانست حمل محموله های تجارتنی که از هند می آمدند را آسان تر کند و ارتباط بین کشورهای آن نواحی را نزدیک تر سازد [مجله ی بندر و دریا، ۱۳۷۰: ۵۱].

9. Dolespesse, Ferdinan

10. Voltair

منابع

۱. آلاسدایر، درایسدل و جرالداچ، بیک. جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. ترجمه ی دره میرحیدر. انتشارات وزارت امور خارجه. تهران. ۱۳۷۴.
۲. اسدی، بیژن. خلیج فارس و مسائل آن. تهران. ۱۳۸۱.
۳. امامی، محمدعلی. «عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس». فصل نامه ی سیاست تجاری. انتشارات وزارت امور خارجه. تهران. ۱۳۸۲.
۴. امیر احمدیان، بهرام. «شاخ آفریقا و امنیت جمهوری اسلامی ایران». فصل نامه ی آفریقا. انتشارات وزارت امور خارجه. تهران. ۱۳۸۱.
۵. بدیعی، ربیع. جغرافیای مفصل ایران. انتشارات اقبال. تهران. ۱۳۶۷.
۶. جعفری ولدانی، اصغر. «چارچوبی بر گسترش روابط ایران و مصر». فصل نامه ی آفریقا. انتشارات وزارت امور خارجه. تهران. ۱۳۸۱.
۷. جعفری ولدانی، اصغر. ژئوپولی تیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس. انتشارات وزارت امور خارجه. تهران. ۱۳۸۱.
۸. حافظ نیا، محمدرضا. خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه ی هرمز. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۷۸.
۹. عزتی، عزت الله. جغرافیای نظامی ایران. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۸.
۱۰. عزتی، عزت الله. ژئواستراتژی. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۸۲.
۱۱. فتوت اسکندری، خسرو. نقش استراتژیک کانال سوئز از لحاظ سیاسی و اقتصادی. پایان نامه ی کارشناسی ارشد دانشکده ی روابط بین الملل وزارت امور خارجه.
۱۲. لاپروس، هانری. خلیج فارس و کانال سوئز. ترجمه ی محمود خواجه نوری. انتشارات مرکز مطالعات عالی بین المللی. تهران. ۱۳۵۲.
۱۳. مجتهدزاده، پیروز. امنیت و مسائل سرزمین در خلیج فارس. وزارت امور خارجه. ۱۳۸۳.
۱۴. مجله ی بندر و دریا. «کانال سوئز و ویژگی های تاریخی و جغرافیای آن». شماره ی ۳۳. ۱۳۷۰.
۱۵. مجله ی بندر و دریا. «مصر و کانال سوئز». شماره های ۵۲ و ۵۴. ۱۳۷۴.
۱۶. مجله ی نبرد و دریا، تیرماه ۱۳۷۴. شماره های ۵۳ و ۵۴.



اخبار جغرافیایی

کوروش امیری نیا



برگ اشتراک مجله های رشد

شرایط

- ۱- واریز مبلغ ۲۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله درخواستی؛ به صورت علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک.

- + نام مجله :
- + نام و نام خانوادگی :
- + تاریخ تولد :
- + میزان تحصیلات :
- + تلفن :
- + نشانی کامل پستی :
- استان :
- خیابان :
- پلاک :
- کدپستی :
- + مبلغ واریز شده :
- + شماره و تاریخ رسید بانکی :

امضا:

گزارش عملکرد یک ساله ی گروه آموزشی جغرافیای استان همدان این فهرست ۱۱ موردی، در زمینه های متفاوت از فعالیت مطلوب این گروه آموزشی حکایت می کند که مرهون تلاش همکاران علاقه مند و دلسوز در این استان است. برخی فعالیت های این استان عبارتند از:

۱. تهیه و ارسال فراخوان مقاله برای دبیران استان و انتخاب مقالات برتر و اهدای هدیه و لوح سپاس به آنان؛
۲. تهیه ی جزوه ی کمک آموزشی درس جغرافیای استان و ارسال آن به مناطق و نواحی استان؛
۳. تهیه ی استریوسکوپ برای پژوهشگاه؛
۴. بررسی کتاب کار جغرافیا، تهیه شده توسط دبیران جغرافیای ملایر و ارسال آن به دبیرخانه ی جغرافیای استان فارس؛
۵. تنظیم و فهرست بندی کتاب ها و سی دی های جغرافیایی موجود در گروه و اعلام آن ها به نواحی و مناطق گوناگون استان به منظور استفاده ی دبیران؛
۶. تهیه ی نرم افزار درس «انسان و کوهستان» (جغرافیای ۲) و ارائه ی آن در همایش تحلیل محتوا و مستندسازی کتاب جغرافیای (۲) در استان فارس؛
۷. فراخوان ساخت دست سازه های جغرافیایی برای دبیران و دانش آموزان و اهدای لوح سپاس به نفرات برتر؛
۸. بررسی نرم افزار آموزشی اصطلاحات جغرافیایی تهیه شده توسط دبیران منطقه ی سامن؛
۹. بازدید از واحدهای آموزشی مناطق و نواحی استان؛
۱۰. بررسی نرم افزار آموزشی جغرافیای (۱) از منطقه ی سامن؛

نشانی: تهران - صندوق پستی مشترکین
 ۱۶۵۹۵/۱۱۱
 نشانی اینترنتی: www.roshdmag.org
 پست الکترونیک: info@roshdmag.org
 شماره مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰
 شماره پیام گیر مجلات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲ - ۸۸۳۹۲۳۲

یادآوری:

- + هزینه برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی، بر عهده مشترک است.
- + مبنای شروع اشتراک مجله از زمان وصول برگ اشتراک است.
- + برای هر عنوان مجله برگ اشتراک جداگانه تکمیل و ارسال کنید (تصویر برگ اشتراک نیز مورد قبول است).





۱۱. حضور فعال و مستمر اعضای گروه در انجمن علمی معلمان جغرافیای استان، و ثبت انجمن و تعیین نام نشریه‌ی انجمن به نام «گیتا» که انشاء... در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۴ اولین شماره‌ی آن به چاپ خواهد رسید.

استان، به منظور بهبود و غنی شدن اطلاعات علمی و به‌روز شده، برای دبیران دوره‌ی متوسطه؛

۷. بازدید علمی سرگروه‌های جغرافیا در دوره‌ی متوسطه‌ی استان از شهرک صنعتی اشترجان، بازدید از واحدهای صنعتی نمونه‌ی آن، و بررسی آثار تاریخی و گردشگری در شهرستان فلاورجان استان اصفهان.

انتشار فصل‌نامه‌ی جغرافیایی دشتستان

مدیریت آموزش و پرورش شهرستان دشتستان سه نسخه از نشریه‌ی داخلی گروه آموزشی جغرافیای این شهرستان را با نام «فصل‌نامه‌ی جغرافیایی دشتستان»، برای مجله‌ی «رشد آموزش جغرافیا» ارسال کرده است. در شماره‌ی سوم فصل‌نامه، موضوعاتی نظیر: خلیج همیشه فارس، ایل من، ما و زلزله، کلیاتی درباره‌ی جمهوری‌های آسیای مرکزی، بیابان، آشنایی با روستای پلنگی، سونامی، شمالگان و جنوبگان درج شده‌اند. برای این همکاران توفیق هرچه بیش تری را آرزو می‌کنیم.

فعالیت‌های گروه جغرافیای بانوان شهرستان ملایر

در گزارشی، اهم فعالیت‌های گروهی از بانوان رشته‌ی جغرافیای شهرستان ملایر در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ به دفتر مجله ارسال شده است که عبارتند از:

۱. تشکیل جلسات هفتگی؛
۲. انتشار کتاب کار جغرافیا (۱)، سال دوم آموزش متوسطه؛
۳. تشکیل نمایشگاه مناطق آب و هوایی جهان؛
۴. انتشار گاهنامه‌ی علمی-آموزشی جغرافیا با هدف بالا بردن سطح علمی دانش‌آموزان؛
۵. برگزاری همایش جغرافیایی پزشکی با عنوان: نقش جغرافیا در پزشکی، به منظور ارائه‌ی الگویی از تأثیر عوامل محیطی در پیدایش انواع بیماری‌ها که با همکاری سازمان آموزش و پرورش استان همدان، و انجمن‌های علمی جغرافیای همدان، ملایر، سامن و سازمان نظام پزشکی استان، در نیمه‌ی دوم آبان‌ماه ۱۳۸۴ برگزار شد.

فعالیت‌های گروه آموزشی جغرافیای استان اصفهان

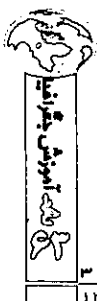
گروه آموزشی جغرافیای استان اصفهان، اهم فعالیت‌های این گروه در سال‌های تحصیلی ۸۳-۸۲ و ۸۴-۸۳ را به شرح زیر اعلام کرده است:

۱. تقدیر از معلمان نمونه‌ی کشوری در سال تحصیلی ۸۳-۸۲، به نام‌های آقای دکتر مهدی مؤمنی، آقای دکتر محمد مسیبی، سرکار خانم دکتر مهری اذانی و آقای نوکنندی؛
۲. تقدیر از دبیران نمونه‌ی کشوری و استانی در سال ۸۴-۱۳۸۳، به نام‌های آقای علیرضا باقری، خانم نسرین اریسیان و آقای سیروس قنبری؛
۳. تقدیر از همکاران جغرافیا در دومین همایش فرهنگیان اهل قلم استان اصفهان در اردیبهشت ۸۴، به نام‌های: خانم‌ها پروانه خانبیا، نسرین اریسیان و آقایان هادی اکبری و مرتضی محبی؛
۴. برگزاری مسابقه‌ی علمی ویژه‌ی دبیران جغرافیای استان اصفهان در دو مرحله، با عنوان «اندیشه‌های نو در فلسفه‌ی جغرافیا»؛
۵. تهیه‌ی مستند انسان در قطب و ارسال آن به دبیرخانه‌ی جغرافیا در استان فارس؛
۶. تعامل علمی و پژوهشی گروه جغرافیا با ۹ نهاد و سازمان

انتشار مجله‌ی «جغرافیا و توسعه»

سردبیر محترم مجله‌ی جغرافیا و توسعه، نسخه‌ای از شماره‌ی سوم مجله را که زیر نظر پژوهشکده‌ی علوم زمین و جغرافیای دانشگاه سیستان و بلوچستان چاپ می‌شود، برای مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا ارسال کرده است. در این شماره، موضوعاتی به شرح زیر درج شده‌اند:

۱. روند تحولات جمعیت بندر ترکمن در سال‌های ۷۵-۱۳۳۵ و افق آینده‌ی آن؛
۲. تحلیلی بر ژئومورفولوژی لغزش‌ها در منطقه‌ی ماکو (ماکو تا دشت بازرگان)؛
۳. بررسی رژیم هیدرولوژیکی رودخانه‌ی فریزی (زیر حوضه‌ی کشف رود) و نقش آن در تغذیه؛

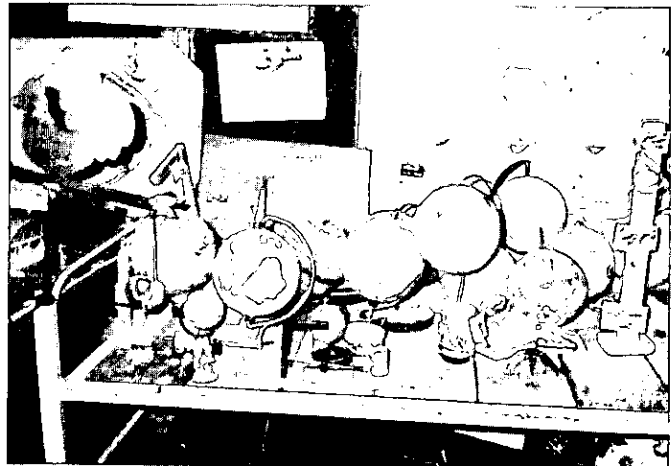




عبارتند از:

۴. تحلیل های کمی رواناب حوضه ی آبریز سعیدآباد چای؛
۵. بررسی روند دمای ایران در نیم سده ی گذشته؛
۶. بررسی نقش گیاهان در پالایش طبیعی آب های آلوده ی شهری؛
۷. حاشیه نشینی، ناهنجاری های شهری و راهکارهای تعدیل آن، و موردشناسی کریم آباد زاهدان؛
۸. ساماندهی صنایع بازیافت مواد زائد جامد در شهر مشهد و لزوم ایجاد شهرک بازیافت؛
۹. بررسی روابط بین الگوهای چرخشی جوی کلان مقیاس نیمکره ی شمالی با خشکسالی...؛
۱۰. نقش دولت در توسعه ی شبکه ی ارتباطی و تأثیر آن در تحول سیستم حمل و نقل روستایی با تأکید بر...؛

۱. تشکیل اتاق جغرافیا: با توجه به مساعدت مدیریت محترم آموزش و پرورش شهرستان خمین، اتاق جغرافیا در این شهرستان با هدف های زیر تشکیل شد:
 - فعال کردن و پویایی محیط آموزشی و پرهیز از یکنواختی در آموزش جغرافیا؛
 - ایجاد ارتباط بین ذهن و اندیشه ی دانش آموزان با موضوعات و پدیده های جغرافیایی؛
 - ارتقای شخصیت و اندیشه ی دانش آموزان و اجتناب از تفکر کتاب محوری یا معلم محوری؛
 - رسیدن به هدف های آموزش و پرورش و ایجاد خلاقیت و یادگیری عمیق و پایدار در دانش جغرافیا؛



- معرفی کتاب؛

- خلاصه ی انگلیسی؛

برای اعضای محترم هیأت تحریریه ی مجله ی جغرافیا و توسعه، توفیق روزافزون آرزو می کنیم.

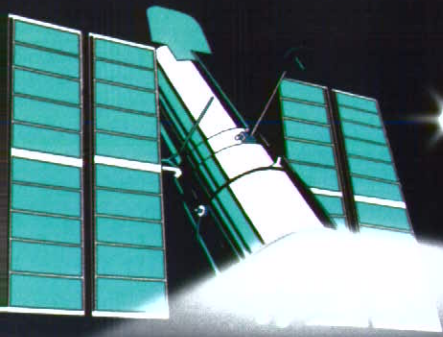
گزارش عملکرد دبیر محترم جغرافیا آقای محمدی، شهرستان خمین

جناب آقای محمدی، دبیر محترم جغرافیای شهرستان خمین از استان مرکزی، پس از گذراندن دوره ی آموزشی ضمن خدمت کتاب های جغرافیای دوره ی راهنمایی، اقداماتی به شرح زیر، به منظور تحقق هدف های کتاب های جدیدالتألیف در سطح شهرستان خمین به عمل آورده است که عمده ترین آن ها

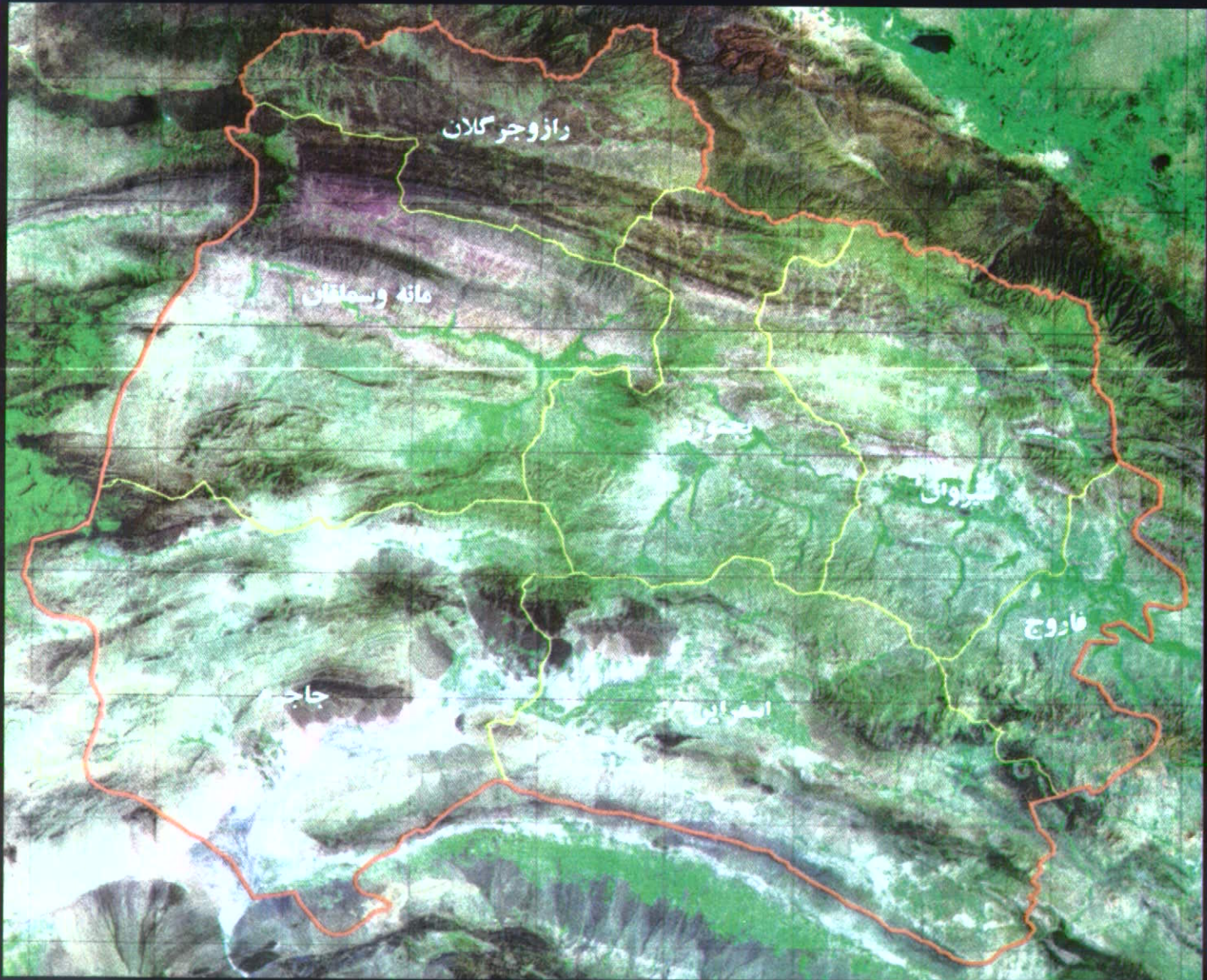
- ویژگی های طبیعی استان مرکزی

- فرهنگ و اصطلاحات جغرافیایی

۳. تولید انواع دست ساخته های دانش آموزان: این دست ساخته ها به طور عمده عبارتند از: نقشه ی نواحی سه گانه ی ایران، نقشه ی استان مرکزی، و انواع مدل و ماکت های آموزشی جغرافیایی.



تصویر ماهواره ای بخشی از استان خراسان شمالی



(پردازش : سازمان فضایی ایران)





دفتر انتشارات
کتاب آموزشی

بی کمان، پرسش کلید فهم ما از جهان است و با پرسش است که می توانیم به فراسوی هستی سفر نماییم و به افق های رازآمیز سیر کنیم.
مجموعه ی «پرسش های امروز جوانان» توسط کارشناسان مجرب و در واحد کتاب دفتر انتشارات کمک آموزشی برای پاسخ به تردیدها، پرسش ها و ابهامات شما نوجوانان و جوانان عزیز تهیه می شود. امید است با مطالعه ی دقیق پاسخ ها، جویبار زلال حقایق در باغ وجودتان جاری شود.



karim

این مجموعه را می توانید از طریق واحد توزیع و بازرگانی دفتر انتشارات کمک آموزشی تهیه کنید.

● نشانی امور توزیع و بازرگانی: تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

● تلفن امور توزیع و بازرگانی: ۸۸۸۳۹۱۸۶